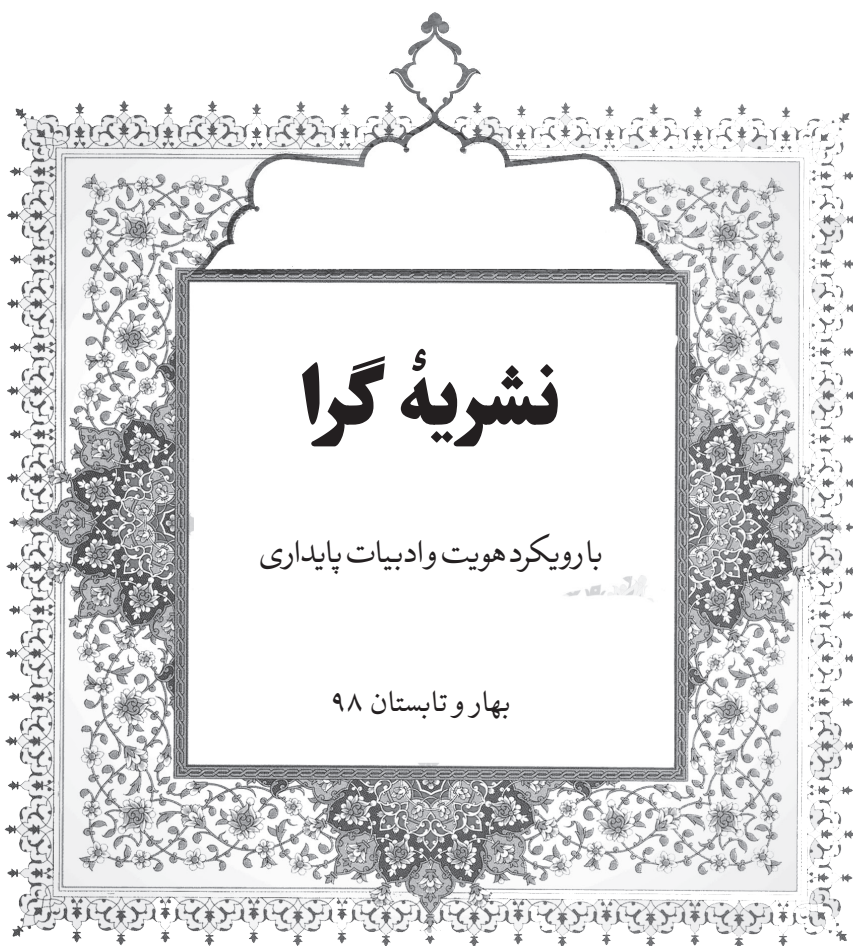




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشریه گرا

بارویکرد هویت و ادبیات پایداری

بهار و تابستان ۹۸



دوفصلنامه گرا

سال دوم- شماره پنجم و ششم

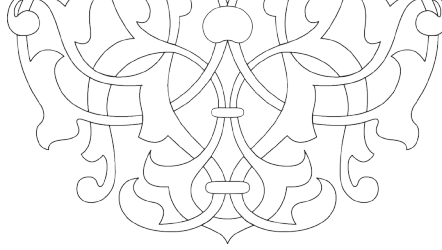
بهار و تابستان ۹۸

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری حماسه ثارالله

مدیرمسئول: دکتر احمد نادری

مدیر اجرایی و ویراستار: رقیه علی مهدی



- فهرست مطالب
- شماره صفحه
- جایگاه هویت، در شعر دفاع مقدس ۷
احمد امیری خراسانی
الناز شعاعی
- هویت ملی در آینه شعر دفاع مقدس ۳۱
دکتر اسماعیل صادقی
حبیب الله طایی سمیرمی
- شعر عرفانی دفاع مقدس، تجلی گاه هویت ملی ۵۵
دکتر اسماعیل صادقی
حبیب الله طایی سمیرمی
- تلفیق هویت ملی، دینی و تاریخی و کارکرد آن در شعر دفاع مقدس ۷۷
اکبر شامیان ساروکلائی
غلامرضا حسنی
- نگاهی به هویت ملی، مذهبی و جهانی ادبیات پایداری در دیوان ملک الشعرا بهار ... ۹۳
بهنام قاسمی
سمیه موسی پور
- بررسی هویت ملی در ادبیات منظوم دفاع مقدس با تکیه بر اشعار سید حسن حسینی ۱۱۳
دکتر عبدالله حسن زاده میرعلی
فاطمه ابراهیمی توجایی
- هویت ملی و ادبیات پایداری: نگاهی به اشعار علیرضا قزوه ۱۳۵
علی باقری دولت آبادی
غلامرضا قربانی

جایگاه هویت، در شعر دفاع مقدس

احمد امیری خراسانی
الناز شعاعی

چکیده

امروزه مسئله غامض و پیچیده هویت، یکی از مشغله‌ها و دغدغه‌های فکری بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دولتمردان و هنرمندان شده است. چالش‌های هویتی امروزه سرنوشت سازند، هویت پیش شرط هر نوع عمل به ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است. ایرانیان نسبت به هویت ملی خود کاملاً حساس بوده و آن را بخشی از موجودیت و بقای ملی خود تلقی می‌کنند زیرا در ادوار گذشته تاریخ، جایگاه ویژه‌ای در نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جهان داشته‌اند؛ بنابراین خود را وارث دوران باشکوه گذشته می‌دانند و قادر به نادیده انگاشتن تجربه و هویت تاریخی خود نیستند. به همین دلیل، نسبت به بنیادهای فرهنگی و هویتی خود تأکید دارند. در این زمینه شعر، به عنوان یکی از حلقه‌های با اهمیت هنر و فرهنگ، همواره یکی از عناصر هویت ساز بوده و شاعران، همواره افکار و تجربیات خود را که در طول تاریخ کسب کرده‌اند؛ به نسل‌های بعدی خود انتقال می‌دهند. شاعران دفاع مقدس با استفاده از بن‌مایه‌های دینی، فرهنگی، تاریخی و...؛ هویت ایرانی - ملی خویش را اعلام می‌نمایند و با مجموعه دانستنی‌های خود، به معرفی پایگاه و حافظه تاریخی هویت در گفتمان‌های بشری می‌پردازند و از این راه به ایفای نقش شعر به عنوان یکی از عوامل هویت بخشی تفکر ملی کمک می‌کنند. هر کدام از انواع هویت دارای مؤلفه‌ها و مشخصه‌های گوناگونی است که از نظرگاه شاعران دفاع مقدس با توجه به ذوق و علاقه و همچنین حس ملی‌گرایانه و وطنی آن‌ها، جایگاه هویت در شعر آن‌ها به گونه‌ای خاص هویدا می‌شود.

واژه‌های کلیدی: هویت، وطن، انواع هویت، شعر دفاع مقدس

۱- مقدمه

حضرت علی (ع) می‌فرماید: خداوند این توان را به ما داد تا با شناخت خویش و یافتن هویت حقیقی خود، خدا را نیز بشناسیم و به اندازه قدرت به ستایش و عبادات آن خالق یکتا بپردازیم. واژه «شاکله» در قرآن کریم اشاره به موضوعی دارد که می‌توان از آن به هویت و شخصیت تعبیر کرد «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰی سَاكَلَتِهٖ فَرُبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰی سَبِيْلًا (الاسراء: ۸۴)؛ توبه خلق بگو که هرکس بر حسب ذات و طبیعت خود، عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آنکه راه هدایت یافته، از همه کس آگاه‌تر است. به عبارت دیگر آنچه ثابت است، هسته مرکزی یا بنیاد هویت است که به عنوان فطرت الهی به او بخشیده می‌شود ولی آنچه به اختیار آدمی و طی تغییرات متعدّد، هویت و یا «شاکله» او را تشکیل می‌دهد، لباس‌هایی است که بر این حقیقت پوشیده می‌شود و تشخّص یا به تعبیر فلسفی «فصل‌خیر» انسان را تشکیل می‌دهد. هویت، یک احساس درونی در افراد است که ناشی از نیاز روان‌شناختی آنها به تعلق و وابستگی می‌باشد و شامل احساس نوعی همانندی با گروهی از مردم می‌باشد که در اثر زندگی اجتماعی حاصل می‌گردد، بنابراین هویت پویا و نسبی است. هویت به هیچ وجه نمی‌تواند همچون واقعیت معین و ثابت و به گونه‌ای تغییرناپذیر به گروه‌های خاص اجتماعی باشد.

هویت به علت گستردگی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود:

هویت ملی، هویت دینی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت تاریخی، هویت جغرافیایی.

ایرانیان ضمن بازشناسی هویت، خود در پی آن هستند تا هویت شان را در مقابله هجمه‌های فرهنگی حفظ نمایند. باید خاطر نشان ساخت که تعلق به سرزمین ایران و تاریخ و فرهنگ آریایی و متمایز بودن از دیگران در میان ایرانیان چه در دوران معاصر و چه در دوران قبل از آن وجود داشته است. هرچند هویت مکتوب ایرانی خود را با داده‌های میتراپی و اوستایی نمایان می‌سازد اما این داده‌ها، هرگز نمی‌توانسته اند یک شبه و آنی پدید آمده باشند، بنابراین نتیجه هزاران سال تعاملات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در بین گروه‌های گسترده انسانی بوده‌اند؛ گروه‌هایی که شاید امروز هیچ نشانی از ایشان نباشد اما میراث آنها، بخش‌های اصلی هویت ایرانی را شکل می‌دهند و او را از بقیه مردمان، در سایر حوزه‌های هویتی، جدا می‌سازند. طرح مباحث مربوط به هویت ایرانی در شعر دفاع مقدّس، سبب ترویج اندیشه‌های مهرورزی به میهن و تقویت روحیه دفاع از آن شد و شعر به عنوان وسیله عمده‌ای برای تجلّی مبانی هویت

ایرانی مطرح گردید. شاعران در حوزه شعر دفاع مقدّس به حفظ بن مایه های فرهنگ اسلامی ایران پرداخته و آن را به یکی از پایه های دوام هویت ایرانی تبدیل نموده اند. «در این اشعار جلوه های مشترک فرهنگ-های قومی و بومی استحاله شده و تبدیل به اراده با هم زیستن می شود به مدد این آثار، نشانه ها و نمادهای بسیار جذّاب و نیرومندی را می یابیم که همدلی و هم آهنگی و پیوندهای مشترک میان افراد این سرزمین را یادآور می شوند.» (لک، ۱۳۸۴: ص ۱۱۲)

۱-۱- بیان مسأله

ایرانیان؛ مردمانی هستند از تیره های گوناگون انسانی با روابطی دیرپا که از درآمیختگی جمعیتی در هزاره ها، هویتی مشترک به نام هویت ایرانی یافته اند، همچنین توانسته اند مجموعه ای از رسوم و آیین های منطبق با طبیعت و حیات این جهانی انسان را شکل دهند که اکنون، دارای همه ارزش های بشری است. این هویت، همواره به اشکال گوناگونی مورد تعرّض قرار گرفته و در زوایایی، تقویت و در جهاتی، تضعیف شده است. با توجّه به موقعیت خاص جغرافیایی و تاریخ گذشته ایران، این سرزمین همواره در معرض تهاجم و طمع و تعرّض بوده است و به تبع آن، تدافع و ایستادگی و پایداری، بخشی از فرهنگ و زیست نامه این ملت محسوب می شود، هرگاه بیم و خوف حمله بیگانگان به میهن می رود توجّه به حفظ ارزش ها و باورها و اعتقادات که در واقع هویت هرملتی را شکل می دهند و همچنین حس وطن گرایی تقویت می شود. وطن دوستی و حفظ هویت ملّی، سنگ بنای دست یابی به بنای هویت انسانی است که با مضامینی چون حفظ آب و خاک، حیثیت، شرافت، ناموس، دین و مذهب و تمجید از قهرمانان ملّی-وطنی وارد شعر می شوند که در اشعار دفاع مقدّس چنین مضامینی کاملاً مشهود است. در این مقاله به دنبال آن هستیم که به این سؤالات پاسخ داده شود: معنای هویت چیست؟ و اینکه شعر دفاع مقدّس، مسئله هویت و ارزش های هرکدام از انواع آن در جنبه های مختلف ملّی، دینی، اجتماعی و سیاسی ... را به چه صورت مورد بررسی قرار داده است؟

۱-۲- ضرورت انجام تحقیق

ایرانیان با یک تمدّن شکوهمند در بسترزمان برای حفظ و صیانت آن به ویژه هویت که مجموعه ای از زبان، آداب و رسوم، شعائر دینی، دفاع از آب و خاک و کیان اسلام، اساطیر و داستان های قومی است بخش قابل توجهی از اشعار خویش را از گذشته تا به حال مختصّ به

مضامین و کارکردهای هویت ساخته-اند. در این خصوص، اشعار فارسی ما به موضوع هویت و انواع آن اشاره کرده‌اند و شاعران و گویندگان این مرزوبوم، عشق و علاقه و عرق ملی خود را نسبت به سرزمینشان ایران، در اشعارشان به‌ویژه اشعار دفاع مقدس نشان داده‌اند. با توجه به مسائل روز دنیا و اینکه برخی شعر دفاع مقدس را فاقد ارزش‌های هویتی می‌دانند، توجه به این مهم ضروری است تا نسل امروز با مسئله هویت آشنا شوند و هم جایگاه هویت و انواع آن مورد بررسی قرار گیرد و اینکه تا کنون پژوهشی جامع و کامل در خصوص بررسی انواع هویت در شعر دفاع مقدس صورت نگرفته است ضروری به نظر می‌رسد، با نگاهی خاص به این موضوع پرداخته شود.

۱-۳- پیشینه تحقیق

تا آنجا که اینجانب بررسی کرده است، تحقیقی جامع و کامل در این زمینه انجام نشده است. تنها دو مقاله با موضوع هویت ملی در شعر دفاع مقدس توسط منوچهر لک؛ هویت و دفاع مقدس توسط حسین ولی پورزرومی در فصلنامه مطالعات ملی در سال ۱۳۸۴ نوشته شده است که فقط به موضوع هویت ملی پرداخته‌اند در حالی که در این مقاله، به انواع هویت در شعر دفاع مقدس پرداخته شده است که از این منظر، نسبت به مقاله‌های گفته شده، از جامعیت بیشتری برخوردار است.

۱-۴- روش اجرای تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادین است که به روش کتابخانه‌ای و استناد به منابع و مآخذ علمی، تهیه و تنظیم شده است.

۲- بحث

۲-۱- معنای لغوی هویت

«هویت» از نظر لغوی به معنی تشخص، ماهیت، سرشت، تفاوت و تشابه است و مرتبه خاصی از ذات احدیت که همان مرتبه خاص لاهوتیت خدا می‌باشد. همچنین عبارت است از تشخص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور می‌باشد. (دهخدا، ذیل واژه)

۲-۲- هویت در اصطلاح

اولین معنایی که از هویت برمی آید این است که هویت، شیوه شناسایی «خود» توسط عوامل و متغیرهای «دیگر» است تا فرد خودش را بهتر بشناسد یا خود را به دیگری بشناساند؛ بنابراین، انسان در برابر متغیرهای متعددی قرار دارد که هویت او را می سازد. هویت در خصوص سرزمین، قوم، قبیله، ملت یا در مورد خانواده در سطوح مختلف مطرح است. (در اصطلاح عمومی) «آنچه موجب شناسایی شخص، ایل، قوم یا ملتی می شود «هویت آن» می نامیم و نیز آنچه در میان تخلفها بتواند خود را عرضه کرده، ثبات نسبی خود را حفظ نماید «هویت» نامیده می شود.» (صدر، ۱۳۷۷: ص ۱۴) «هویت، مجموعه ای است از ویژگی ها، وابستگی ها و پیوندهای عاطفی، تاریخی، جغرافیایی یا فرهنگی، قومی و حماسی که زندگی افراد را در بر می گیرد و اعضای این جامعه به آن می بالد و افتخار می کند. (عیوضی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۰) «هویت، تعریف و تفسیری از «خود» و «ما» است که کیستی فردی و اجتماعی اشخاص را می نمایاند و جستجوی هویت، یافتن ارتباط صحیح فرد و اجتماع، به عنوان یک کل است، هویت ممیز ما از دیگران به شمار می رود و این مولفه تمایز بخش، واجد خصیصه استمرار زمانی نیز است.» (کریمی مله، ۱۳۷۹: ص ۷)

۲-۳- هویت در شعر دفاع مقدس

شعر دفاع مقدس از نظر موضوعی، دربرگیرنده مجموعه ای از تفکرات و احساسات و اعتقاداتی است که در تقابل با مظاهری چون ستم، تجاوز، بی عدالتی، نامردمی و تهاجم و کشتار شکل گرفته و در همین راستاست که به حیات خود در قلمرو فرهنگ انقلاب اسلامی ادامه می دهد. پدیده جنگ و متعاقب آن، شکل گیری دفاع ملی که با اعتقادات بارز مذهبی تجلی یافت از اهم موضوعاتی است که بنا به ضرورت و مشروعیت اجتناب ناپذیر، در این حیطه راه یافته و شعر دفاع مقدس این موضوعات را در جهت تقویت روحیه پاسداری از موجودیت میهن ایران اسلامی و حراست از ارزش های اعتقادی و همچنین پاسداشت یاد و نام شهیدان گران قدر ایران اسلامی، استمرار می بخشد. «جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق و به دنبال آن دفاع سلحشورانه مبارزان خستگی ناپذیر در جبهه های نبرد حق علیه باطل و خلق حماسه های شگفت استقامت و پایداری، جان مایه ارزشمندی است که شکوفایی و بالندگی شعر دفاع مقدس را در سال های پرتب و تاب جنگ و نیز بعد از آن، شکوه و شفافیت داده است.» (گلمرادی، ۱۳۸۱: ص ۷) هویت

ما در دفاع مقدّس اگرچه دچار بُحران های جنگی شد اما با اعتقاد به اندیشه های دینی و کمک گرفتن و توسّل، توانست به هویتی خودباور و پویا برسد. به تدریج این علاقه و تعهد نسبت به خودباوری چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی؛ جای خود را در حوزه ادبیات پایداری، به ویژه شعر دفاع مقدّس به خوبی نشان می دهد و هویت به صورت قابل ملاحظه ای در اشعار دفاع مقدّس، نمود یافته است.

۲-۴- هویت ملی

هویت ملی زیربنای تمامی انواع هویت های دیگر محسوب می شود. چراکه شکل گیری تمامی اقسام هویت های دیگر، به اشکال مختلف تحت تأثیر هویت ملی قرار می گیرد. «هویت ملی، فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش های مهم از هویت تاریخی خود است.» (حاجیان، ۱۳۸۸: ص ۳۶۱) با در نظر گرفتن انواع مؤلفه های هویت ملی، اشعار هویت ملی را به صورت عناوینی جداگانه، همراه با شاهد مثال، ذکر شده است.

۲-۴-۱- دفاع از حیثیت و شرافت ملی

شاعران دفاع مقدّس، مردان دلاور را ترغیب و تشویق می کنند تا در برابر دشمنان ایستادگی کنند؛ دشمنی که می خواهد خاک و سرزمینشان را احاطه کند. در واقع آن ها را به دفاع از شرافت ملی فرامی خواند.

ای مرد ایمان، زین به پشت باره بگذار / دل را به دشتی داغ و پُر هنگامه بسپار
یاران به نام روشنی بیدار گشتند / با دیو و دد آماده پیکار گشتند
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۵۵)

کاش خون ما / از رگ، نقبی می زد / به جویباری / و تا ساحل اروند / راه می پیمود / و دیواری
می شد / از سیمان سرخ / در مرزهای استقلال / سنگینی تابوت شهدا / برگرده من است!
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۹۵)

این ابیات، نشان دهنده پیروی کردن از خون شهداست، شهیدانی که برای حفظ استقلال و آزادی کشورمان ایران ایستادگی و پایداری بسیار کردند و وظیفه ما این است که ادامه دهنده

راهشان باشیم. دفاع از حیثیت و شرافت ملی، مشخصه هویت ملی است.

۲-۴-۲- اعتقاد به دین و پابندی به آن

توجه به مسایل دینی و همچنین ارزش قراردادن آن ها برای دفاع و پاسداری از میهن اسلامی از مهم ترین کارکردهای اشعار دفاع مقدس است.

وارث پرچم بلند حسین (ع)! بوی این خاک، بوی عاشورا ست و آن غباری که می رسد از دور از هجوم پلید رهن هاست در هجوم حرامیان پلید ساحت عشق را، نگهبان باش تکیه بر نوزه، پنجه بر شمشیر پاسدار حریم ایمان باش (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۵۱-۱۴۹)

شاعر، جوانان را وارث پرچم امام حسین (ع) می داند که باید این پرچم را سرفراز و سربلند کنند و نگهبان و نگهدار دین اسلام و مذهب باشند.

امت توحید را یاری دهید دردمند خسته دلداری دهید ارمغان، این صبحگه ازسوی ماست پاسداری از حریمش با شماس است این قبیله از تبار انبیاست رایت گلگونشان بر دوش ماست (سپیده کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

در این اشعار، به حفظ وطن و پاسداری از آن اشاره دارد، پرچمی که برای ماندگاری دین و اسلام پابرجاست که این خود نشان دهنده پابندی به دین و ارزش های دینی است.

۲-۴-۳- تقویت روحیه رزمندگان اسلام

تشویق آزاد مردان کارزار برای دفاع از سرزمین خویش؛ سرزمینی که اصالت وجودی هر شخص را مشخص می سازد و پرچمی که برافراشتنش را رسیدن به اوج قلعه سربلندی می دانند که نشان از غرور و عرق ملی رزمندگان اسلام است که از دیگر مؤلفه های هویت ملی است. در این ابیات علاوه بر تقویت روحیه رزمندگان در برابر بیگانگان و دشمنان، حفظ شرافت ملی راهم خواستار است.

دلیران رزمنده جان شکار ستیهندگان در تک و کار زار نهنگان دریای اسلام و نور عقابان اوج بلند غرور همه شیر چنگال در جنگ خصم نمایی دژم بیش در جنگ خصم

دگرباره برخیز در خاک عشق بر افراز پرچم به افلاک عشق
(موسوی گرماروری، ۱۳۶۷: ۱۰۵)

۲-۴-۴- تقویت روحیه وطن پرستی

اشعاری که درخصوص وطن و سرزمین مادری است. خودنشان دهنده عشق و علاقه شاعران نسبت به زادگاه و وطن خویش می باشد که در اشعارشان بسیار حائز اهمیت است.

سنگر نشین ، ای فاتح، ای گرد دلاور! ای پاسدار میهن! ای خورشید خاور!
ای معتکف در سنگر اخلاص و ایمان! آنجا چه زیبا تازه کردی عهد و ایمان!
آنجا ملائک با تو هر دم ، همنشین اند کز بویان ، نور خدا را در تو بینند
(سپیده کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

در این ابیات شاعر، رزمنده دلاور را خطاب قرار داده است او را پاسدار کشور ایران می داند کسی که فاتح این خاک و سرزمین است، کسی که برای دست یابی به اخلاص و ایمانی راستین، عهد و پیمان را از یاد نبرد در این ابیات هم شاهد تقویت حراست از وطن هستیم.

۲-۵-۰- هویت دینی

در سایه هویت دینی است که شخص، خود واقعی اش را کشف و دستیابی به دیگر ابعاد هویت برای او آسان می شود. به دلیل این که هویت دینی نقش اساسی در کشف هویت واقعی انسان و دستیابی به دیگر ابعاد هویت دارد مهم و ارزشمند می باشد. «هویت دینی یکی از انواع هویت بوده و شامل مجموعه ای از باورها و اعمالی می شود که فرد یا جامعه در ارتباط با سنت ها و مراسم پیشین که جنبه ایمانی دارد به اجرا می گذارد. در واقع هویت دینی در جهان امروز بسیار گوناگون است و از ادیان جهان شمول گرفته تا ادیان محلی تر و حاشیه ای و انواع اقسام باورهای دینی فرقه ای را در بر می گیرد.» (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۲) پنج مؤلفه برای هویت دینی بیان شده است که به همراه شاهد مثال، ذکر شده است.

۲-۵-۱- احساس تعلق با کشورهای اسلامی

همراهی با دیگر کشورهای اسلامی، برای پاسداری از ارزش های دین اسلام و اینکه مسلمانان، وظیفه دارند که برای زنده نگه داشتن اسلام بایکدیگر اتحاد و وحدت داشته باشند، بسیار مهم و ارزشمند

می باشد.

تا رها گردد از بند، فلسطینی تا برآساید، افغانی و لبنانی
خیز و با وحدت اسلام زیا افکن کفر ابلیس به گلبانگ مسلمانی
(مشفق، ۱۳۷۳: ۵۰)

بس فتنه از صهیونیان بر مسلمین رفت کز ماتمش خوناب غم از چشم دین رفت
زین ناکسان، دریای خون شد خاک لبنان اسلام را ماتم شد از این جو رو طغیان
خیزید ای رزم آوران، گاه ستیز است هنگام یاری کردن قدس عزیز است
(شاهرخی، ۱۳۸۵: ۱۲۲)

گرفتار شدن مسلمانان و اینکه اسلام در خطر است و از تمام مسلمانان جهان انتظار کمک و
یاری می خواهد برای دفاع از دین اسلام در برابر ظالمان و کفار از مؤلفه های هویت دینی است.

۲-۵-۲- انتظار موعود

انتظار کشیدن برای رسیدن منجی موعود (ع) که در ارزش ها باورهای دینی - شیعی قرار دارد،
کسی که راه هدایت را بازمی نماید و تنها کسی است که نجات دهنده مظلومان است. امیدوار
بودن به اینکه با آمدن ایشان ظلم و ستم نابود می شود، تمام مردم در انتظار ایشان اند؛ مردمی که
صادقانه پیرو راه ایشان هستند، مردمی که در پیروی از ایشان همیشه حاضرند. در انتظار منجی
موعود بودن در واقع آن ارزش و باور اعتقادی است که ریشه در هویت دینی دارد.

به بوی صبح بهاری ترانه آغازید غزل غزل سخن عاشقانه آغازید
بین به عقده گشایی که می رسد از راه سوار سبز قبایی که می رسد از راه
نشان روشن تفسیر «للتی یهدی» ست سوار سبز قبایی که می رسد مهدی (عج) ست
(کافی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

عشق و علاقه ای که نسبت به منجی موعود (ع) در ابیات وجود دارد نشان از آن اعتقادات
عمیق است که بر اساس ارزش های دینی شکل گرفته است. علاقه ای که تا عمق جان پیش رفته
است، برای دیدن ایشان از خود گذشتن و خود را فدا کردن را تنها راه می دانند.

ای آنکه زمانه چشم دارد/ برگردش آخرین جامت/ آن ماه تمام خواهد آمد/ آینه کامل
تمامت / ای روح سپیده جان هستی/ مامنتظریم تا قیامت (مردانی، ۱۳۸۱: ۲۱)

در مورد حضرت ولی عصر (عج) سخن می‌گوید، اعتقاد به آمدن منجی و اینکه با آمدن ایشان ظلمت‌ها و تاریکی‌ها از بین می‌رود و این خود از مؤلفه‌های هویت دینی است.

۲-۵-۳- اعتقاد داشتن به وعده‌های الهی

وعده حق حتمی است و این بریقین متفکران مسلمانان می‌افزاید و تردید را از دل آن‌ها دور می‌کند و شاعر به این وعده الهی ایمان دارد. «جدال تاریخی حق و باطل و غلبه یقینی حق در ادبیات پایداری، بازتاب فراوانی دارد. شاعرتنها قدرت حقیقی را خدای یکتا می‌داند و حکومت‌های غاصب رامتکبر معرفی کرده است» (مدرسی؛ خجسته‌مقال، ۱۳۹۲: ص ۳۶۷) در نتیجه، انسان‌های درستکار به سعادت واقعی خواهند رسید. اعتقاد داشتن به وعده الهی خود نمایانگر پابندی به جوهر واصل دین است.

در منتهای صبر و ستیز/ باید دانست / که در مقام قادر یکتا / قدرت وجود ندارد/ بیگانه
ابر قدرت اوست / سوداگر جنگ افروز / قداره بندهای غاصب وطن و مال / مستکبرند، نه
قدرتمند/ و باید دانست / مطیع حاکمیت غینند / و دستبدهای الهی / در وعده مقرر نزدیک می
شوند / به دستهای مجرم شیطان/ به دستهای دشمنی با قرآن

(صفارزاده، ۱۳۸۰: ص ۸۵-۸۴)

در این ابیات، شاعر اشاره کرده است به وعده الهی و تحقق فتح و نصرت برای مؤمنان، جدال تاریخی حق و باطل و غلبه حق در اندیشه مسلمانان رخنه کرده است در این ابیات به نشانه‌های هویت دینی اشاره کرده است که پیروزی حق در مقابل باطل حتمی است.

۲-۵-۴- ائمه (ع) و بزرگان دین

معتقد بودن به اینکه عشق ورزیدن به ائمه (ع) و اعتقاد داشتن و توسل به آن‌ها، نهایت رسیدن به راستی و درستی است و پیروزی را در پی دارد. این باور و عقیده مذهبی ریشه در هویت دینی دارد، هویت دینی که جز با عقاید و اندیشه‌های مذهبی پاک به دست نمی‌آید.

ذکر من و ذکر شما ، یا حسین (ع) ذکر زمین ، ذکر سما ، یا حسین
ذکر علی (ع) ، ذکر حسن (ع) ، فاطمه (س) ذکر همه اهل ولا ، یا حسین
ذکر دل سوخته عاشقان ذکر غریبانۀ ما ، یا حسین
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۷: ص ۴۳)

زینب قامت دین، زیور رخسار شرف مظهر کامله عفت و تقوایی تو
بزم عترت را آذین زگل روی تو شد نقش رحمت را آینه سرپایی تو
(سبزواری، ۱۳۸۵: ۲۱۸)

حضرت زینب (س) قامت و استواری دین هستند و به منزله کامل پرهیزگاری و پاک دامنی اند، عترت و دین با وجود مبارک ایشان پُراز رحمت و برکت می شود و دین به واسطه ایشان است که به حقیقت واقعی اش می رسد.

۲-۵-۵- پایبندی به ارزش های دینی

انسان ها به ویژه مسلمانان واقعی، همیشه حق و الطاف حق را فراموش نخواهند کرد و همیشه درصدد رسیدن به جایگاهی هستند تا بتوانند حقیقت و معرفت واقعی را بشناسند. ارادت و علاقه ای که برای رسیدن به حقیقت واقعی تا پای جان باید برای رسیدن آن کوشید. پایبندی و استواری در دستورات الهی و انجام دادن آن ها از ارزش های دینی و الهی است.

ما اصل ولایتیم و ایمان مفهوم شریعتیم و قرآن
ما معنی روزه و نمازیم ما غیب نمای اهل رازیم
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۵)

فقه این مذهب درخت خاک ماست فهم این دین مرتع ادراک ماست
ما زجسم دین خود جان ساختیم روی مذهب باغ عرفان ساختیم
زین ولایت هر که باغی می خرد در دل اول نام زهرا (س) می برد
روی رود روح، پل داریم ما چارده معصوم گل داریم ما
چارده آینه عاری ز رنگ یک بهاراز چارده معصوم رنگ
پنج تن مثل ستون دین ماست چارده آینه در آیین ماست
چارده آینه پاک و صیقلی یازده آینه از نسل علی (ع)
باغبان این زمین پیغمبر است منبع این آب، حوض کوثر است
(عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۳۳-۲۳۲)

در مذهب و دین ما اسلام، قبول کردن و پذیرفتن امامت و ولایت، (چارده معصوم (ع) و پنج تن آل عبا) که ستون دین ما هستند، از واجبات دین اسلام است. این ابیات، نشان دهنده

بزرگی و عزت است و پیروی از اسلام را در قبول کردن و پذیرفتن امامان (ع) و پیامبران آن می‌داند که این خود بیانگر هویت دینی است.

۲-۶-۲- هویت اجتماعی

هویت اجتماعی عبارت است از: «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به (عضویت در گروه‌های اجتماعی) سرچشمه می‌گیرد، همراه با اهمیت ارزشی و احساسی ملزم به آن عضویت» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ص ۲۲۳) درک فرد مبنی بر اینکه تعلق به گروه‌های اجتماعی معین دارد و این تعلق با اهمیت دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است. این عضویت گروهی شامل اهمیت دادن به ارزش‌های جمعی یک ملت و همچنین احساس وابستگی و تعلق نسبت به جامعه ملی - ایرانی را شامل می‌شود.

۲-۶-۱- اتحاد و همدلی بین مردم

اتحاد و یکزنگی، وحدت داشتن جامعه و باور به این که از طریق همکاری و یاری رساندن یکدیگر می‌توان وطن و سرزمین ایران را در برابر هجوم بیگانگان حفظ کرد از مؤلفه‌های هویت اجتماعی است.

به کاخ ابلیس افتاد لرزه و ، لزرید چو بید بر سر سودای خام از این صرصر
مگرز وحدت مستضعفان به تنگ آمد که کرد ناله او گوش آسمان را کر؟!
(مشفق، ۱۳۷۳: ۱۹)

دیده با دیده آشنا گردید دستها یار دستها گردید
باسر انگشت اتحاد و امید گره از کار بسته و اگر دید
(سبزواری، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۱)

در این ایبات وحدت و اتحاد مردم را می‌گوید که در مقابل این وحدت، ناتوانی دشمنان و بیگانگان را به همراه داشته است.

۲-۶-۲- داشتن همبستگی و همکاری اجتماعی

یکزنگی و همبستگی بین مسلمانان و ایجاد وحدت بین آن‌ها از مؤلفه‌های هویت اجتماعی

است. در این شعرنوعی همبستگی و اتحاد بین سرزمین خود و دیگر سرزمین‌هایی که برای رهایی از بیگانگان به مبارزه برمی‌خیزند را بیان می‌دارد.

هر چند در سوگ تو ما را دل غمین شد خون تو قهر انگیز و وحدت آفرین شد
مردان پی یاری به خون پیمان نهادند جان بر سر خونخواهی یاران نهادند
با یاد تو عهد ارادت تازه کردیم پیکار جویی را بلند آوازه کردیم
(سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۹۵)

این ابیات که در سوگ شهید بهشتی سروده شده است و شاعر، شهادت بهشتی را در میان مردم به عنوان عهد تازه‌ای گرفته که وحدت و اتحاد را در میان آن‌ها بیشتر کرده است اگرچه دشمنان، هدفشان نفاق و ازهم گسستگی جامعه ایرانی بود اما جامعه ایران شهادتش را آغاز راهی می‌داند برای پیوستگی و اتحاد مردمی.

۲-۶-۳- اعتقاد به سرنوشت و آینده جامعه ملی

این ابیات نشانگر اتحاد و وحدتی است که پایه و اساس هویت ملی در بُعد اجتماعی است. مردان و زنانی که برای از بین بردن دشمنان باهم متحد می‌شوند و در این راه جان خویش را از دست می‌دهند و اعتقاد به وعده‌های آسمانی که تنها پیروزی از آن حق و راستی است و بالاترین قدرت اوست.

تلاش ما و من در هم گره خورد صدای مرد و زن در هم گره خورد
شکوفا شد شهادت هر شب و روز و دستی بر جهانی گشت پیروز
خدا بود آن که ما را یآوری کرد میان ما و دشمن داوری کرد
که یاری بهتر از او نیست ما را به جز او یارو یاور کیست ما را
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵)

در اتصال ما به خدا شک چه می‌کنی پرواز ماست تا به خدا شک چه می‌کنی
تا زنده ایم بر سر پیمان وحدتیم در اتحاد محکم ما شک چه می‌کنی
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۴)

اعتقاد و عقیده کامل به پروردگار جهان هستی و اعتقاد به سرنوشت و آینده جامعه ملی که با وحدت و اتحاد به هدف والای جامعه که رسیدن به استقلال و آزادی است می‌رسیم.

۲-۶-۴- تعهد نسبت به حفظ جامعه ملی

در این ابیات، اشاره دارد به وحدت مذهبی و دینی، وحدت ملی و اجتماعی و به هم پیوستگی که عامل پیروزی است. تعهد نسبت به حفظ جامعه ملی - ایرانی و همچنین اعتماد داشتن به یکدیگر در راه رسیدن به هدف.

برادر با برادر، دوش بر دوش غم بیگانگی کرده فراموش
 همه سرداده بافرمان رهبر شعار وحدت و الله اکبر
 زمین در زیر گام یکه تازان وطن در سلطه آینده سازان
 به سان رعد بر دشمن بتازند به راه عشق خالق، جان ببازند
 (سپیده کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۲۶)

مکتب یکی، آیین یکی، سودا یکی شد دیروز ما، امروز ما، فردا یکی شد
 زنجیر وحدت گشت دستان من و تو با هم یکی گشتند هم جان من و تو
 این رسم و راه و شیوه همسنگران است این سیره جانپور از نام آوران است
 باید که از دستان خود، زنجیر سازیم سرباز « روح الله » شویم و سر بیازیم
 (سپیده کاشانی ۱۳۸۹ : ۱۶۷، ۱۶۶)

۲-۶-۵- پذیرش دیگران به عنوان هم وطن

مردم سرزمین ایران از هر قشری برای حفظ و ماندگاری ایران و ایرانی، تلاش می‌کنند. جامعه‌ای که در برابر هجوم بیگانگان، مانند اقیانوسی هستند که از هم گسسته نمی‌شوند.

اینجا بلوچ و گُرد و لرو ترک / با هم زبان مشترکی دارند / اینجا تمام شب، در برج دیدبانی / ایمان، مشغول پاسداری و بیداریست / اینجا، ایمان تفنگ را / بردوش می‌کشد ...

(عبدالملکیان، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۴؛ ۱۳۶۷: ۱۹۱)

« ما » دشمن آه و آوُخ و افسوسیم با شوق لبان مرگ را می بوسیم
 دریا، دریا اگر زما برگیرند کم می نشویم، چون که اقیانوسیم
 «ما» مرغ سحرخوان شگفت آواییم خونین پروبالیم و شفق سیماییم
 در معبر تاریخ چو کوهی بشکوه صد بار شکسته ایم و پا برجاییم
 (سید حسن حسینی، ۱۳۸۰: ۱۷۳)

۲-۷- هویت فرهنگی

شاعران دفاع مقدّس با استفاده از کارکردهای هویت فرهنگی در اشعارشان، آرمان و حس تعهد و پایبندی نسبت به میراث ارزشمند فرهنگی ایران را در میان ایرانیان زنده نگه می‌دارند. «هویت فرهنگی، مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها، آرمان‌ها، هنر، فنون و آداب و رسوم را دربرمی‌گیرد. کیفیت زندگی را می‌سازد و برای جامعه انسانی همان حکمی را دارد که شخصیت برای فرد دارد.» (صادقی، ۱۳۸۹: ص ۳) هویت فرهنگی، برگرفته از آیین و رسوم ما ایرانیان است، آیینی که نسل در نسل در فرهنگ ما ریشه دوانده و باقی مانده است.

۲-۷-۱- احساس تعلق به باورهای فرهنگی

آینه و سبزه و قرآن از نمادهای فرهنگی و مذهبی ما ایرانیان در اعیاد، به خصوص عید نوروز می‌باشند و در فرهنگ ما ایرانیان اهمیت دارد.

عید با آینه و سبزه و قرآن آمد سبزم از خلوت و از جلوت جان های دگر

(قزوه، ۱۳۹۲: ۱۵۱؛ ۱۳۸۷: ۳۱)

آب و آینه بیارید، سفر نزدیک است زین براین باره ببینید، خطر نزدیک است

(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۲۱۷)

۲-۷-۲- احساس تعلق به مشاهیر ادبی

از دیگر مؤلفه های هویت فرهنگی ما ایرانیان احساس تعلق نسبت به مشاهیر ادبی است. در واقع هویت فرهنگی از دیدگاهی نشان دهنده آن عرق ملّی ما ایرانیان نسبت به صاحبان قلم و سخنوری است که در فرهنگ ما ارج نهاده شده‌اند.

در مُلک ادب تو شهریاری، سعدی ! تو خالق جاودان بهاری، سعدی!

برخیز که بر سریر اقلیم ادب صد سینه سخن نگفته داری، سعدی!

(سپیده کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۱۲)

جز باده کلام تو ای شهریار دل دارم سفینه غزلت را به پیش روی

آبی نیافتم که نشاند شرار دل در موج غم ز شعر تو جویم قرار دل

(حمید سبزواری، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۰)

در ابیات ذکر شده؛ در مورد شاعران سرزمین ایران و جایگاه شعری آن‌ها و همچنین ارزش و قربی که بین مردم دارند گفته شده است که از فرهنگ ما سرچشمه می‌گیرد.

۲-۸-۸- هویت سیاسی

در تعریف هویت در بُعد سیاسی آن باید گفت که یکی از مفاهیم اساسی آن، مسئله هم‌دلی بین اعضاء جامعه نسبت به واحد سیاسی موجود است. پس هویت در بُعد سیاسی آن، نوعی احساس یگانگی و همراهی و هم‌دلی با نظام سیاسی حاکم است. که این همراهی فقط در ظاهر کافی نیست، بلکه باید پذیرش قلبی افراد و اطاعت محض آن‌ها را در پی داشته باشد.

۲-۸-۱- اعتقاد و اطمینان به نظام سیاسی

اطاعت از امام و رهبر و پیروی کردن از دستورات ایشان، تأکید بر استقلال کشور ایران و اعتقاد و اطمینان به نظام کشور از دیگر مشخصه‌های هویت سیاسی است. در این ابیات شاعر نوعی اعتقاد و اطمینان نسبت به نظام سیاسی را اظهار دارد.

گناه من این است آیا که دستی عجین کرده با عشق، آب و گِلَم را
نمی دانم ای پیرِ من ، بار دیگر بیا وجدا کن زحق باطملم را
به دریا زدم دل به امید ساحل نشانم ده ای ناخدا، ساحلم را
(راکعی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۷)

بلی بقای وطن از بقای راه تو باد فضای میهن ما روشن از پگاه تو باد!
نمی دانم ای پیرِ من ، بار دیگر (سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۳۱)
در این ابیات شاعران عزت و اقتدار میهن را به وجود رهبری می‌داند که روشن‌گر راه بوده است. (اعتقاد و اطمینان به نهاد سیاسی کشور)

۲-۸-۲- تمایل به دفاع از ارزش‌ها

وحدت و یکپارچگی که لازمه رسیدن به اوج یک ملت می‌باشد. همچنین عشق ورزیدن به ارزش‌های کشور و سرزمین مادری خویش و تمایل داشتن به دفاع و ضروری دانستن آن؛ از شاخصه‌های هویت سیاسی است.

بشکنند سرپنجه شیرو بغرّد چون پلنگ
دوستداری دیده ای بالذ شورستان جنگ
مهربانی را کنار قوّت بازو و چنگ
عشق و آزادیش نام و ترس و بی مهریش ننگ
می توانی کوفتن باری سرخود را به سنگ
خود نمائی جاودان آسوده، ای پورپشنگ
قرن ها بفشار در آغوش مهتر تنگ تنگ
(گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۳۴-۲۳۳)

دیده ای نوباوه ای کوهمچورستم صولتان
مهربانی دیده ای خیزد زسنگستان جور
گر ندیدی انقلاب ما نگر، تا بنگری
پیرما او را دلیل راه و مردم پُشتبان
گوبه دشمن گرنیاری کرد با شیران ستیز
گر دو روزی رسته ای از تیغ تیزرستی
ای وطن، سیمرخ گون این زال نواقبال را

۲-۹- هویت تاریخی

هویت تاریخی را می توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دل بستگی بدان دانست و همچنین دانش تاریخی به معنای آگاهی از مهم ترین حوادث و شخصیت های تاریخی است. «تعلق خاطر تاریخی به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث، وقایع و شخصیت های مثبت و منفی که نتیجه آن برخورد مثبت و افتخارآمیز با آن یا موفق دانستن فعالیت ها و اقدامات شخصیت های مؤثر و مثبت در تاریخ کشور و احساس غرور یا ناراحتی و سرافکنندگی و تحقیر شدن است.» (شمشیری، ۱۳۷۸: ص ۵۸)

۲-۹-۱- اسطوره های دینی، مذهبی و عرفانی

شخصیت های دینی و مذهبی همچون پیامبر اکرم (ص)، صحابه و عرفایی همچون منصور و اسطوره های تاریخی مثل شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون و نمادهای تاریخی مانند: بیستون، دماوند، نوروز در شعر دفاع مقدّس حضور ملموس دارند و آن ها حاوی هویت ایرانی اند که به صورت های مختلف نمود می یابند.

دارد این « دار » و « منا » معراج ها
خون صد فرهاد، بر این تیشه است
یادگار از حیدر و از مصطفاست
کاین چنین قامت فرا افراشته

دیده این وادی بسی حلاج ها
بس حماسه در رگ این ریشه است
اینک این پرچم که در دست شماس
ریشه در خون دل ما داشته

خون ما، خود پشـتوانهٔ پرچم است
 پرچم این عشق را نتوان شکست
 (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۵۸)

در سنگ‌رحق هماره پیکار خوش است
 منصور صفت، عروج بردار خوش است
 آن جا که رسد بانگ محمد (ص) برگوش
 رفتن به ره بوذر و عمار خوش است
 (حسینی به نقل از اکبری، ۱۳۷۷: ۳۰۸)

در این دوبیت، ما اسطوره‌های دینی و مذهبی را شاهد هستیم. اینها، نماد پاکی و حقیقت و درستی هستند، که در اندیشهٔ ایرانیان و در هویت ایرانی-تاریخی ما وجود دارند.

۲-۹-۲- آثار و بناهای تاریخی

وصف تخت جمشید و توضیح آن از ویژگی‌های هویت فرهنگی ماست، و همچنین هویت تاریخی را هم شامل می‌شود. بناهای تاریخی و همچنین فرهنگی و مذهبی؛ هویتی از ریشه‌های فرهنگ و تاریخ ما ایرانیان هستند.

بر ستون‌های ساکت سنگی
 شعله ورمانده خیمهٔ خورشید
 با غروری سترگ شاهانه
 می روم نرم و ساکت و سنگین
 زیر پا فرش سایه‌ها، کشدار
 نیزه در دست، نقش بر دیوار
 ایستاده ست لشکری سنگی
 گنجی از یاد رفته را ماند
 مانده تاریخ راز مُردهٔ من
 این سرای مجلل عریان
 دردل این تمدن ویران
 نیمهٔ شب که خیمهٔ خورشید
 می نشیند به کوه خاکستر
 قصر خواب مرا می آشوبند
 کورش و داریوش و اسکندر
 (بیابانکی، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

۲-۹-۳- حماسهٔ تاریخ شیعه (کربلا)

کربلا، حماسهٔ خونین تاریخ که عزت و افتخار ارزش‌های دینی را با شهادت بزرگان دین برابمان به جا گذاشت. شهادتی که تنها اصل برای آن، رسیدن به حقیقت واقعی است. حقیقتی که نابودگر تمام ظلمت‌ها و تاریکی‌هاست با پاسداری از راه و هدف بزرگان دین می‌توانیم دنباله‌رو

راه و عقیده ایشان باشیم.

لاله، لال لب گشودن از شکوه کربلایت / می دود در رگ رگ خاک / گل به گل خون صدایت /
ای ذبیح ظهر تاریخ / یا حسین! / جانها فدایت (کافی، ۱۳۸۷: ۲۲۱)
نامت، برستیغ کدام قلّه‌ی عشق / بر کدامین رفیع خیمه زده است؟ / که ققنوس، در
سایه سارت آسوده است؟ / و خون عاشق تو در کدام عاشورا / در آرزوی کدامین وصال / این چنین
به سجده نشست / که بر صلاى «هل من ..» مولا / حریر پاسخ تو / عاشقانه پیچیده است؟
(اسرافیلی، ۱۳۸۱: ص ۱۲)

۲-۱۰-۱- هویت جغرافیایی

هویت جغرافیایی «عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که «ما» ساکن
یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر
سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می‌سازد.
به این معنی که تنها با وجود آن سرزمین مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور
خواهد بود، دل‌بستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می‌شود.»
(شمشیری، ۱۳۸۷: ص ۶۰-۵۹)

۲-۱۰-۱- دل‌بستگی و تعلق به سرزمین ایران

عشق به وطن و گذشتن از جان برای سرزمین، ریشه در جایگاه ارزشمند آن در بین مردم دارد که
دل‌بستگی و تعلق خاطر و علاقه‌مندی نسبت به آن را نشان می‌دهد.

ای وطن! ای همیشه سرافرازا! باز می خوانمت عاشقانه
فصل هایت پُر از عشق و اعجاز فصل هایی که شد جاودانه
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۷: ص ۱۳۹)

به خون گرکشی خاک من، دشمن من
تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی
کجا می توانی، ز قلبم زبایی
مسلمانم و آرمانم شهادت
بجوشد گل اندر گل از گلشن من
جدا سازی ای خصم، سرازتن من
تو عشق میان من و میهن من
تجلّی هستی است، جان‌کندن من
(سپیده کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۲۸؛ ۱۳۸۹: ۱۰۴)

۲-۱۰-۲- نگرش مثبت نسبت به آب و خاک

شاعر دفاع مقدّس، عشق و علاقه خود را نسبت به سرزمینش ایران بیان می‌کند سرزمینی که معنویات در آن جاری است و سرشار از نورانیت است و سرزمینی که مهد دانش و علم می‌باشد؛ ایران بهترین جایگاه برای زندگی و رسیدن به خوشبختی است. ارزش‌ها و آرمان‌هایش رامی ستاید.

عشق، با خاک سرزمین کهن / ریشه در ریشه، می‌خورد پیوند / وطنم سرزمین شهر و هنر / وطنم اعتبار دانش و دین / وطنم اعتبار کعبه خلوص و وفا / وطنم، قبله‌گاه اهل یقین / گر جهان گل شود، بهار شود / من، تو را دوست دارم، ای میهن! / وطنم! روح و ریشه‌ام! ایران! / تو بمان سر بلند و جاویدان (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۳۲۰-۳۱۹)

اینجا هر دریچه / تکرار گشایشی است / به دشت متنوع عشق / وطن سید بزرگواری است / که با دستاری سبز / چون موجی در سواحل طوفان / حماسه می‌خواند / اینجا همه امام را دوست دارند / امام همه را دوست دارد / پنجره چشمه‌ایمان را می‌گشاییم / با قلبه‌امان نگاه می‌کنیم / و سپس عشق / و سپس رنج و صبر / و خم شدن درخون خویش / و بدینسان / ما برای گسترش عشق / به دنیا می‌آییم / و از دنیا می‌رویم. (هراتی، ۱۳۹۰: ۲۵۱-۲۵۰)

وطن، سرزمین مادری است. مکانی که تمام مردمانش، برای حفظ جایگاه آن ایستادگی و پایداری می‌کنند. برای اینکه پابرجایی آن را شاهد باشند در این راه رنج و صبر بسیاری می‌کشند تا عشق و علاقه‌شان را با خدمت کردن به سرزمینشان نشان دهند.

۲-۱۰-۳- آمادگی برای دفاع از آب و خاک

شاعر، طمع ورزیدن به خاک وطن را به بیگانگان و دشمنان اخطار می‌دهد که اگر چنین کنند جهاد و پایداری مسلمانان همیشه وجود خواهد داشت و وطن (کشور اسلامی) همیشه در پناه عنایات الهی پیروز خواهد شد.

مردان بی سَرِما، سامان شدند دین را	آوای این عزیزان، از مرزها برون است
پاشید خون پاکان بر آسمان میهن	آنجا نوشت، یاران، اسلام رهنمون است!
فریاد کن مؤذّن، کالله اکبر ما	ویرانگر نظام ننگینِ خصم دون است
ای خاک لاله پرور، برسینه صبور	طغیان رود ایشار، در اوج آزمون است

(سپیده کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹)

به خاک میهن ما چشمی مبادا آنکه طمع ورزد

که برهلاک طمع ورزان، جهاد سرخ مکرر هست

مخواه از من و از چشمم به غیر شیوه بیداری

که هرکجای وطن ما را حریم قدسی سنگر هست

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

۲-۱۰-۴- مرجح دانستن زندگی در کشور خود

مرجح دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر و عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور و همچنین دل بستگی نسبت به آن داشتن از نشانه‌های هویت جغرافیایی است.

به سرزمینم بازخواهم گشت / به سرزمین اساطیر آفتاب و زمین / و مهربانی باران زادگاهم را / در تمامی شب‌ها / خواهم گریست (مردانی ۱۳۶۷: ۳۰۴)

هماره در دلم ، حماسه وطن	شراره می زند، به جان اهرمن
تورا به لوح عشق، به دل نوشته ام	تورا به خون خویش، به جان سرشته ام
وطن! به راه تو گذشته ام زجان	به جان عاشقان ، برای من بمان
به نام نامی ات، قسم که هر زمان	اگر طلب کنی ، مرا به نقد جان
نه من در این سرا، که جمله مرد وزن	برای حفظ تو، به تن کند کفن
بخوان بخوان مرا، بخوان در این مدار	به نام تو کنم، همیشه افتخار

(پرویزیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۴)

وطن و سرزمین که از نمادها و بنیادهای اصلی هویت است. به خصوص هویت جغرافیایی و در واقع تداوم و ثبات هویتی را بر ایمان القامی کند، پس ارزش بسیار در شکل‌گیری هویت شخص چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی را دارد. شاعران دفاع مقدس، در اشعار هویتی خویش، عشق و علاقه خویش را به خوبی در تمامی زمینه‌ها به تصویر کشیده اند و این خود نشان از جایگاه ویژه هویت در اشعار دفاع مقدس می باشد.

۳- نتیجه‌گیری

هویت خود باوری که در جریان جنگ هشت ساله برای کشور ایران به وجود آمد. تنها از

طریق دفاع و پاسداشت اندیشه‌ها و باورهای مذهبی - معنوی و همچنین سرزمین زادگاه انسان هاست، که دوام و ثبات یافت و این خود باوری هویت در ایران باعث شد، آن واکنش‌هایی که بعد از هرسکست برای هرملت و دولتی پیش می‌آید در کنار ارزش و اندیشه‌های دینی و مذهبی جای خویش را به واکنش‌های مثبتی چون اتحاد، وحدت، ایثار، گذشت، جهاد، پیوستگی، اخلاص، ایمان و... تبدیل سازد. پس تنها از طریق اهمیت و ارج نهادن به ارزش‌های معنوی است که می‌توان جامعه و ملت را در تحمل شکست‌های بعد از جنگ، بردبار و استوار ساخت. ایرانیان نسبت به هویت ملی خود کاملاً حساس بوده و آن را بخشی از موجودیت و بقای ملی خود تلقی می‌کنند زیرا در ادوار گذشته تاریخ، جایگاه ویژه‌ای در نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جهان داشته‌اند؛ بنابراین خود را وارث دوران باشکوه گذشته می‌دانند و قادر به نادیده انگاشتن تجربه و هویت تاریخی خود نیستند. به همین دلیل، نسبت به بنیادهای فرهنگی و هویتی خود تأکید دارند و نتایج آن را می‌توان در اشعار هویتی چنین برشمرد:

۱) هویت ملی، کلان‌ترین و عالی‌ترین سطح هویتی برای فرد است، ملت‌ها هرکدام به دنبال راه‌کاری هستند که هویت خود به خصوص هویت ملی خود را حفظ کنند. در نتیجه بالاترین سطح هویت، هویت ملی است که در حقیقت وابستگی و تعلق یک فرد به یک «جامعه ملی» را نشان می‌دهد.

۲) مؤلفه سرزمین و وطن به عنوان مهم‌ترین رکن هویت ایرانی - ملی است. احساس تعلق و تعهد شاعران به زادگاه و سرزمین مادری در اشعار هویت جغرافیایی حائز اهمیت بسیار است.

۳) اسطوره‌های ملی، تاریخی و مذهبی، نقش ویژه‌ای در زنده نگه داشتن هویت تاریخی - ایرانی دارند. علاوه بر این که نقش هویت بخشی در تقویت روحیه رزمندگان اسلام و حفظ و حراست از شرافت ملی و پاسداری از ارزش‌های دینی را در هویت ملی نشان می‌دهند.

۴) هدف اصلی این نوع سروده‌ها، پایبندی به دین و ارزش‌های معنوی، دفاع از وطن و داشتن عرق ملی نسبت به آن، همراه با حس همدلی و اتحاد مردمی برای تقویت نیروهای خودی می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۷۴)؛ مترجم: آیه الله مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن کریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».
۲. احمدی، حمید، (۱۳۸۸)؛ بنیادهای هویت ملی ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر ارتباطات اسلامی.
۳. اسرافیلی، حسین، (۱۳۸۵)؛ کوه‌ها سنگ می‌زاینند، چاپ اول، تهران: صبریر.
۴. اسرافیلی، حسین، (۱۳۸۶)؛ ردپای صدا (گزیده اشعار)؛ چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۵. اکبری، منوچهر، (۱۳۷۷)؛ نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. بیابانکی، سعید، (۱۳۸۷)؛ باغ دوردست (گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۷. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز، (۱۳۸۷)؛ فصل سوم، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۸. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)؛ جامعه‌شناسی هویت ایرانی، به سفارش: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی، زیر نظر: دکتر سیدرضا صالحی، چاپ اول، تهران: نشر کمیل.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)؛ لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. راکعی، فاطمه، (۱۳۸۷)؛ آواز گل‌سنگ، چاپ چهارم، تهران: اطلاعات.
۱۱. سبزواری، حمید، (۱۳۸۸)؛ سرودی دیگر، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
۱۲. شاه‌رخی، محمود؛ کاشانی، مشفق، (۱۳۶۷)؛ مجموعه اشعار جنگ، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۳. شمشیری، بابک، (۱۳۸۷)؛ درآمدی بر هویت ملی، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
۱۴. صادقی، هدایت‌الله، (۱۳۸۹)؛ ابعاد بحران هویت در ایران، چاپ اول، کرمان: ارشیا.
۱۵. صدر، ضیاء، (۱۳۷۷)؛ کثرت قومی و هویت ملی، چاپ اول، تهران: اندیشه نو.
۱۶. عبدالملکیان، محمدرضا، (۱۳۷۸)؛ گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)، چاپ اول، تهران: کتاب نیستان.
۱۷. عزیزی، احمد، (۱۳۸۷)؛ خواب میخک (گزیده اشعار)، چاپ دوم، تهران: نشر تکا.
۱۸. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۰)؛ «هویت دینی و چالش‌های آن»، پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتب

- اطات، سالششم، شماره (۲۳-۲۲).
۱۹. قزوه، علی رضا، (۱۳۸۷)؛ سوره انگور (گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۲۰. قزوه، علی رضا، (۱۳۹۲)؛ صبح بنارس، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری شهرستان ادب.
۲۱. کاشانی، سپیده، (۱۳۸۹)؛ مجموعه آثار، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه انجمن قلم ایران.
۲۲. کاشانی، مشفق، (۱۳۷۳)؛ سرود سرخ، چاپ دوم، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. کافی، غلامرضا، (۱۳۸۷)؛ همین زنجره تا صبح (گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۲۴. کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۸۰)؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، چاپ اول، تهران: پالیزان.
۲۵. کریمی مله، علی، (۱۳۷۹)؛ سخن سردبیر در مورد هویت، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، (۷-۸).
۲۶. گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱)؛ «جهانی شدن، فرهنگ، هویت»، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۲۷. گلمرادی، شیرینعلی، (۱۳۸۱)؛ آوازه‌های گل محمدی (مجموعه اشعار)، چاپ اول، تهران: فرهنگ گستر.
۲۸. لک، منوچهر، (۱۳۸۴)؛ «درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت بخش آن در شعر جنگ، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳ (ص ۸۴-۶۳).
۲۹. مدرسی، فاطمه؛ خجسته مقال، زهرا، (۱۳۹۲)؛ «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، سال پنجم، شماره ۹ (۳۸۲-۳۶۳).
۳۰. مردانی، نصرالله، (۱۳۸۱)؛ چهارده نور ازلی (اشعاری پیرامون چهارده معصوم (ع))، چاپ اول، تهران: نشر شاهد.
۳۱. موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۶)؛ باغ سنگ (گزیده اشعار)، چاپ اول، تهران: نشر تکا.
۳۲. میرمحمدی، داوود، (۱۳۸۳)؛ خلاصه و جمع‌بندی مباحث هویت ملی، در مجموعه هویت ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳۳. وحیدی، سیمین دخت، (۱۳۸۱)؛ هشت فصل سرخ و سبز (مجموعه اشعار دفاع مقدس)، چاپ اول، تهران: برگ زیتون.
۳۴. هراتی، سلمان، (۱۳۹۰)؛ مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، چاپ چهارم، تهران: شعر جوان.

هویت ملی در آینه شعر دفاع مقدّس

دکتر اسماعیل صادقی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

حبيب الله طایبی سمیرمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

امروزه موضوع هویت از جنبه های گوناگون از سوی متفکران و نظریه پردازان در منابع علمی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به جمعیت جوان کشور و تاثیر قابل ملاحظه این قشر بر آینده جامعه، مطالعه پیرامون چگونگی شکل گیری شخصیت اجتماعی آنان و به طور مشخص هویت ملی آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. هویت ملی را می توان یک حس بالنده میان مردمی دانست که بطور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و از منافع و سرنوشت مشترک برخوردارند. این هویت، مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد؛ از یک سو با تاکید بر مشترکات و ملاک های پیوند دهنده، ما را پیرامون محوری واحد متعهد و متحد می کند و از سوی دیگر این «ما» را در مقابل «غیر» یا «دیگری» قرار می دهد و بدین صورت «ما» را در وجود تشابهات داخلی و تمایزاتش با دیگری شناسایی می کند. هم عامل همبستگی و شکل گیری روح جمعی در يك ملت و هم وجه معرفه آن در میدان ملل دیگر است. ابعاد مختلف جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و... زیربنای هویت ملی را می سازند. در این پژوهش، ضمن ارائه تعریف جامع از هویت و شناخت انواع آن، به ابعاد چندگانه هویت ملی در شعر دفاع مقدّس پرداخته ایم.

واژه های کلیدی: هویت ملی، ابعاد هویت ملی، شعر دفاع مقدّس، هویت فرهنگی، خودآگاهی

دینی.

۱- مقدمه

ادبیات پایداری در کشور ما که سابقه فرهنگی و دینی کهن دارد، از جنبه های مختلف قابل بررسی است. هویت، از اصطلاحات جامعه شناسی است که برای بررسی آن در گذر تاریخ ایران، می توان به منابع غنی ادبیات کشور رجوع کرد. در این دریای بی کران است که رویکرد شاعران و نویسندگان به جامعه و مسائل آن و تلاش آنان جهت معرفی ابعاد مختلف هویت کشور به جهان مشخص می شود.

۱-۱- بیان مسأله:

کوشیده ایم تا در این پژوهش به این پرسش پاسخ دهیم:
- پهنیت ملی و ابعاد مختلف آن چگونه در شعر دفاع مقدس نمود پیدا کرده است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق:

کشور عزیز ما ایران، از دیرباز مورد هجوم دشمنان زیادی بوده است. دشمنانی که سرسختانه با عقاید دینی و آداب و فرهنگ و تاریخ ما مبارزه می کنند. هر فرصتی را غنیمت شمرده و هر سلاحی را در این راه بکار می گیرند. خوشبختانه تا این زمان، مردم ایران اسلامی هرگز سزدلت پیش متجاوزان فرود نیاورده اند و تا آخر، پای آرمان و عقیده خویش ایستاده اند. یکی از مراتب افتخار ایران زمین، جنگ تحمیلی هشت ساله است که نام آن همواره ذکر سرافکندگی دشمنان این مرز و بوم است که البته هم سعی دشمنان و هم دفاع مردم ما به روش های گوناگون همچنان ادامه دارد. این برهه از تاریخ، به لحاظ صبر و ایثار ملی و جنبه دینی و اعتقادی که داراست، به عنوان «دفاع مقدس» شناخته می شود. ادبیات دفاع مقدس، تجلی گاه این عزم ملی در دفع متجاوزان است و بررسی آن از دیدگاه علوم جدید همچون جامعه شناسی و نیز معرفی این بخش از ادبیات به جهانیان، راهی طولانی است که ما در آغاز آن قرار داریم. امید است که با انجام این پژوهش توانسته باشیم گامی در راه تحقق آرمان های ایران اسلامی و رزمندگان و شهدای کشور برداشته باشیم.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در مورد تحلیل کاربرد غیر نظامی شعر جنگ، مرحوم سید حسن حسینی در «گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس» مطالبی را ذکر کرده است. وی اشعاری که بعد از معاهده ۵۹۸، سروده شده اند را شعر دفاع مقدس می داند: «سروده هایی که از این زمان به بعد (قبول قطعنامه ۵۹۸) با ویژگی تشویق و

تکریم دوست و تحقیر و تهدید دشمن، همچنین انتقاد از خود و دیگران و انتقاد از برخی کارگردانان جنگ شکل گرفته و می‌گیرد به دوره سیاسی جنگ یعنی دوره دفاع مقدس تعلق دارند.» (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳)

منوچهر لک در مقاله «هویت ملی در شعر دفاع مقدس»، با بررسی رابطه بین هویت و شعر، بروز هویت ملی در شعر دفاع مقدس را مورد پژوهش قرار داده که البته ایشان بیشتر بر دو بُعد جغرافیایی و تاریخی هویت ملی تأکید دارد و از جنبه های مهم دیگر غافل مانده است. (لک، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۱۱). احمد رضایی در مقاله «نوستالژی، دلتنگی و حسرت عارفانه در شعر سالهای نخستین پس از جنگ تحمیلی» علاوه بر آنکه موضوع نوستالژی که اصطلاح روانشناسی است را بررسی کرده، «حسرت توأم با اعتراض» را مطرح می‌کند. (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۲)

سعید یوسف نیا در مقاله «خودآگاهی دینی و شعر انقلاب» به موضوعات دینی شعر دفاع مقدس پرداخته از جمله ایمان به امدادهای غیبی و فرهنگ انتظار. او معتقد است که شعر جنگ باید از دریچه دین به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بنگرد.

۲- بحث

در این بخش، ابتدا به معرفی هویت می‌پردازیم.

۲-۱- هویت

هویت، شناسنامه فرد یا گروه است، همه جا همراه فرد است و گروه با آن شناخته می‌شود.

۲-۱-۱- تعریف هویت

«هویت از نظر لغوی معادل (identity) است که از (identities) مشتق می‌شود و دو معنای تداوم و تمایز را می‌رساند که مکمل و متضاد هم هستند؛ هویت داشتن یعنی احساس تمایز و تداوم و استقلال، داشتن این احساس که «خودش است و همان است که بوده و دیگران نیستند.» (گل محمدی، ۱۳۸۳، ۶۱).

از نظر ریچارد جنکینز، هویت دو معنای اصلی دارد، «معنای اولی آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق و معنای دوم آن مفهوم تمایز را می‌رساند.» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۰۸) جرج هربرت مید یکی از مشهورترین نظریه پردازانی بود که به جریان اجتماعی شدن و راه هایی که تعامل اجتماعی به پرورش

درک از خود کمک می‌کند، توجه کرده است. شخص از طریق عملکرد ذهن می‌تواند موضوع اندیشه‌های خود شود. همین فرایند است که زیربنای ایجاد «خود» می‌شود و وقتی خود را مورد مطالعه قرار می‌دهد- تعامل درونی- دو نوع خود را شناسایی می‌کند.

۲-۱-۲- کارکرد هویت

مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. در شکل دهی، سامان‌دهی و سازمان‌دهی هویت هر فرد، دو عنصر دخالت دارد که عبارتند از «تعریف ما از خود» و «تعریف ما از دیگران». نکته قابل توجه آن است که هویت در هر سطحی در مقابل «غیر» مطرح می‌شود. ویژگی دیگر هویت چند لایه ای بودن است. «برخورداری از هویتی منسجم سبب می‌شود تا فرد نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود موضع واحدی را با در دست داشتن معیارهای واحد، در پیش بگیرد». (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۹۶). ۱۴.

۳-۱-۲- انواع هویت

هویت، ابعاد گوناگونی دارد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۳-۱-۲- هویت فرهنگی

ساخت هویت فرهنگی، عمدتاً از خلال فرایندهای آموزش غیررسمی (خانواده و جامعه) و رسمی (نظام آموزشی) انجام می‌گیرد. در طول این فرایند، مجموعه گسترده‌ای از نظام‌های زبان شناختی، شناختی و بازنمایی وارد عمل می‌شوند، اما پیچیدگی فرایند به حدی است که تقریباً امکان ندارد که از پیش بتوان نتیجه نهایی شکل‌گیری هویت و تحول آن را پیش بینی کرد. «هویت فرهنگی، برآیند کنش‌های متقابل گوناگونی را که بین شخص و محیط اجتماعی دور و نزدیک او صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد. هویت فرهنگی شکلی از مقوله بندی تمایز «ما آنان» که بر تفاوت فرهنگی مبتنی است.» (کوش، دنی، ۱۳۸۱: ۱۴ و ۲۷). ما همگی باید پاسدار فرهنگ و میراث فرهنگی غنی کشورمان باشیم از این روست که برخی از جوانان در دامان سرزمین ستر خود، همچون شهروندی بیگانه (Alien) رفتار می‌کنند و آمال و آرزوهای خود را در فرهنگ نوپا و پرتناقض سرزمین‌های نوپا و نو ساخته جستجو می‌کنند. فراهم کردن این زمینه که شهروند فرهیخته (cultured) به جامعه تحویل دهیم، جز از راه افزایش دانش و معرفت بشری میسر نخواهد شد. تلاشگر فرهنگی

بودن، تفاوت بسیار با شهروند بی تفاوت و مصرف کننده دارد. آن، خود را در برابر امروزیان و آیندگان مسئول می داند و این بی دغدغه، تنها مصرف کننده فرهنگی است و مصداق بدون تردید این شعر حافظ هم هستند که آن چه در درون خود دارند از بیگانگان می خواهند:

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت زیبگانه تمنا می کرد

۲-۱-۳-۲- هویت اجتماعی

هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است و بردرک افراد از خود، استوار بوده و ذاتی نیست؛ بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آن چه یک گروه انسانی را هویت می بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آن ها از گروه های دیگر می شود. فرهنگ جوامع بشری نیز، فرایند تفاوت و شباهت را عینیت می بخشد. بدین ترتیب، ابزارهای فرهنگی هویت ساز هم به نوبه خود، باعث شکل گیری مقوله های هویتی در بین جوامع بشری می شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و غیره، مواردی هستند که باعث شباهت درون گروهی و تفاوت برون گروهی می شوند.

هویت اجتماعی افراد، براساس عضویت آن ها در گروه های اجتماعی تعیین می شود؛ زیرا هویت به وسیله روابط میان نیروهای فرهنگی و اجتماعی ساخته می شود. بنابراین «افراد مانند ابزاری در دست جامعه و فرهنگ اند؛ که به واسطه آن ها وجود خود را نمایان می سازند. این مقوله به طور مداوم و روزمره، در زندگی افراد ایجاد شده و در فعالیتهای بازتابی انسان، مورد حفاظت و پشتیبانی قرار می گیرد.» (فی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۴).

همچنین جنکینز معتقد است که هویت فردی بر تفاوت ها و هویت جمعی بر شباهت ها تاکید دارد و می گوید «هویت اجتماعی از هویت فردی جدا نیست. افراد بیگانه و متفاوت هستند اما خویشتن به طور کامل در اجتماع ساخته می شود، یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و در فرایند جاری تعامل اجتماعی است که در چارچوب آنها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می کنند.» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵).

۲-۱-۳-۳- هویت مذهبی (دینی):

هویت مذهبی نیز یکی از عناصر هویت جمعی است و منظور از آن هویتی است که از منشاء دین کسب تعریف می کند و در واقع به تبع دین، خود را تعریف و مشخص می سازد گرایشهای هویت

- مذهبی را نیز می‌توان در تعلق خاطر به عناصر زیر بیان نمود :
۱. اهمیت دادن به مذهب و تسری نقش آن در همه امور زندگی
 ۲. ارجاع به مذهب در اغلب امور زندگی جاری
 ۳. تعریف خود به عنوان شخص مذهبی
 ۴. تعلق به اجتماعات دینی

۲-۱-۳-۴- هویت ملی

باید گفت مهم‌ترین نوع از انواع هویت، هویت ملی است. زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد، تقشی تعیین کننده دارد. به عبارت دیگر هویت ملی، فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است. اهمیت هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت جمعی، در تاثیر بسیار آن بر حوزه‌های متفاوت زندگی در هر نظام اجتماعی است و یا به قدرت حاکم مشروعیت می‌دهد و بر میزان نفوذ آن می‌افزاید.

تعریف: برای تعریف هویت ملی، ابتدا باید واژه ملت را تعریف کرد. ملت به مفهوم قدیمی آن، معادل امت، آیین، راه و رسم زندگی بود ولی امروزه ملت به مفهوم ناسیون (nation)، جماعتی از انسان‌هایی است که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، دارای منافع، آداب رسوم و معمولاً زبان مشترک هستند. «واژه «ملّه» عربی در برخورد با واژه ناسیون (nation) غرب، به تدریج معنای جدید به خود گرفت. واژه «ملّه» در عربی کلاسیک، معنای مذهبی دارد. تقریباً مترادف «امت» و «فرقه مذهبی» است که معنای دنیوی به آن بخشیدند و آن را مترادف ناسیون قرار دادند.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷۵).

نام‌گذاری خیابان‌ها، مدارس، بزرگراه‌ها، دانشگاه‌ها، تأکید بر پرچم، سرود ملی و تقویم رسمی، مکان‌های تاریخی، جشن‌های ملی توسط نظام‌های سیاسی، از راه‌های تقویت هویت ملی است. به عبارتی، جامع‌ترین هویت جمعی نزد مردم، هویت ملی نامیده می‌شود و نوعی احساس پابندی، دل‌بستگی و تعهد به اجتماع ملی (عام) است و جزئی از هویت فرد است.

طبق تعریف زیر، هویت، نیاز فلسفی وجود انسان را تأمین می‌کند؛ انسان، همواره سولاتی از چیستی خود و محیط اطراف در ذهن دارد:

«هویت ملی، فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مله از هویت تاریخی خود است.» (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۹۷). در هویت ملی، بر وفاداری به

دولت ملی، زبان، تاریخ و دین مشترک تأکید می‌شود. برای نمونه در هویت ملی یک نفر ایرانی با وفاداری به دولت ملی، تاریخ مشترک، زبان فارسی، دین اسلام و آداب و سنن مشترک مانند عید نوروز، مشخص می‌شود.

در ایران نیز، همواره گفتمان‌های هویتی به شکل‌های مختلف وجود داشته است. «اکثریت متفکرین و علما، مانند محمد بن جریر طبری، حمزه اصفهانی، ابن بلخی و دینوری به طور ماهرانه به تلفیق تاریخ ملی و دینی، تأکید کرده اند. شکل‌گیری دولت شیعی صفوی نیز براساس هویت ایرانی و اسلامی بوده است. صفویه در کنار توجه به شیعه، اهمیت زیادی به ملیت ایرانی داشته اند... شاه اسماعیل می‌گفت: من فرزند حیدرم، فریدونم و کیخسرو هستم، جمشید هستم، رستم پسر زال هستم.» (احمدی، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۷)

۱-۲-۳-۴-۱- کارکردهای ویژه هویت ملی

هویت ملی، کارکردهای متعددی دارد که در اینجا به دو کارکرد مهم آن اشاره می‌گردد.

الف- همبستگی ملی

در جوامع در حال توسعه و نوسازی که با تغییر و تحول اجتماعی همراه هستند، طبعاً شکافهای اجتماعی فعال بوده و فرایند توسعه را با چالش مواجه می‌سازد. حال برای حل و رفع چالش‌های ناشی از این گسست‌ها در سطح ملی، چه باید کرد؟ و به چه ابزاری باید توسل جست تا از یک سو، حس همبستگی ملی را تقویت نموده و تمام گروه‌های اجتماعی را در برابر تهدیدها یکپارچه و متحد سازد و از سوی دیگر روند توسعه و نوسازی را کند یا مختل نسازد؟ این ابزار و راه حل، در شرایط کنونی، چیزی نیست جز هویت ملی که با بهره‌گیری از شاخصه‌های نمادین آن همچون دین مشترک، تاریخ مشترک، منافع مشترک، سرزمین مشترک و... می‌توان به همبستگی ملی مدد رساند؛ یعنی با مجتمع ساختن اجزا و واحدهای کوچک جامعه تحت عنوان یک کل، تمام نیرو و توان اجزای پراکنده را متحد و متمرکز ساخته و با همکاری آحاد جامعه، گسست‌ها و بحران‌های حاصل از مرحله گذار را حل و فصل کرد.

بنابراین، هویت ملی با توجه به نقش مؤثر و تعیین‌کننده که امروزه در عرصه‌های مختلف اجتماعی دارد، از مفاهیم اساسی و مشروعیت بخش نظم سیاسی - اجتماعی است که همبستگی ملی و انسجام نظام سیاسی را در پی دارد.

ب- جهت دهی به زندگی سیاسی. اجتماعی

بُعد فرهنگی هویت ملی نیز از مهم ترین اجزای هویت ملی یک جامعه است که سبب توافق فرهنگی می شود؛ زیرا فرهنگ و میراث فرهنگی یک ملت، کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی آن ملت است، که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، آن ملت را تحت تأثیر قرار می دهد. شاخص های مهم این بُعد شامل: آیین ها و سنت های عام؛ جشن ها و اعیاد، ارزش های سنتی؛ لباس و طرز پوشش؛ معماری بناها و مکان ها؛ رسوم؛ عرف و هنرهای ملی و بومی هستند (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۶۶ و ۶۷).

«هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت های دیگر، دارای مؤلفه های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه هایی چون: زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه ای ترین مؤلفه هویت ایرانی یاد می کنند؛ زبانی که علی رغم آمیختگی هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه بنیادی هویت ملی به حساب می آورند. طبق نظریه ای دیگر، «وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم ترین مؤلفه هویت ملی ایران است.» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۵).

«هویت ملی را می توان در تعلق خاطر به عناصر زیر بیان نمود:

۱. تعلق به جغرافیای ایران و سرزمین
۲. تعلق خاطر به سرگذشت مشترک تاریخی و احساس سرنوشت یکسان
۳. توجه به زبان و ادبیات فارسی
۴. تعلق به موسیقی، معماری، مشاهیر و میراث فرهنگی ایرانی
۵. تاکید بر ایران باستان» (منصور نژاد، ۱۳۸۵: ۱۵)

۲-۱-۳-۴-۲-ابعاد هویت ملی

برخی از محققان بر این اعتقادند که هویت ملی را می توان مترادف خلق و خوی طبیعت ثانوی و ویژگی و یا منش ملی دانست.

الف- بعد اجتماعی هویت ملی:

هر شخصی از طریق محیط اجتماعی که به آن تعلق دارد، هویت خود را می سازد و توسعه می

دهد. از دیدگاه اریکسون، شرایط اجتماعی سومین عامل در شکل دادن و سازمان دادن به شخصیت افراد می باشد. بعد اجتماعی هویت ملی، در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می گیرد و اصطلاحاً «ما»ی ملی تحقق می یابد.

می توان گفت که: احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا مای ملی، به افراد هویت جمعی می بخشد.

ارتباطات گسترده موجب تقویت بعد اجتماعی هویت ملی می شود و هر قدر بعد اجتماعی هویت در سطح کلی ترقوی تر باشد، شخصیت اجتماعی شهروندان نیز منسجم تر و جدی تری ریزی می شود.

ب- بعد تاریخی هویت ملی:

می توان گفت که تحولات و فرایندهای دراز مدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور موثر است. خاطرات، رخدادها، حوادث، شخصیت ها و فرازونشیب های تاریخی در شکل دادن به انگاره های جمعی بسیار موثر هستند. بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ پنداری پیوند دهنده نسل های مختلف به یکدیگر است که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می شود. زیرا هر جامعه، با هویت تاریخی خود تعریف و ترمیم می شود. هویت تاریخی را می توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست.

ج- بعد جغرافیایی هویت ملی:

هویت ملی در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی هر ملت است. محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید. برای شکل گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت نام دارد. تعریف هویت در این بعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم.

دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می شود، شاخص های متعددی دارد که از آن جمله اند: آمادگی دفاع از سرزمین در هنگام بروز خطر، ترجیح دادن زندگی در

کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرش سرزمین مشخص به عنوان کشور خود.

د- بعد سیاسی هویت ملی:

تعلق به یک واحد سیاسی به عنوان یک عنصر ملی، مستلزم تعلق به دولت، نظام سیاسی و ارزش‌های مشروعیت بخش حکومت در هویت ملی است و امروزه دولت ملی بزرگ‌ترین و رایج‌ترین نوع شکل بندی جامعه بشری محسوب می‌شود. لذا مسائلی نظیر اینکه دولت در یک کشور تا چه اندازه از مقبولیت نزد اعضای آن برخوردار است و اینکه میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌های سیاسی و مرزهای کشور چقدر است، بسیار مهم می‌باشد.

هویت ملی در بعد سیاسی و در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند، از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند. فرد با داشتن هویت دینی قوی علی‌رغم وجود مشکلات همچنان در راه رسیدن به هدف خود تلاش نموده و ناامید نمی‌شود چرا که او معتقد است که در سخت‌ترین شرایط کسی هست که نام و یادش آرامش‌دهنده قلبش بوده و به او یاری می‌رساند و این همان هسته اصلی هویت دینی یعنی خداپرستی است.

در جامعه متنوع و گوناگونی (از نظر قومی و مذهبی و فرهنگی) مثل ایران، هویتی موفق و کارساز است که صفت «ملی» آن در حقیقت در برگیرنده تمام هویت‌های قومی و مذهبی و فرهنگی این سرزمین باشد و نه نافی آنها. لذا از این رو است که چنانچه فرآیند هویت‌سازی در ایران بر پایه بنیادگرایی صورت گیرد، این فرآیند به بن بست خواهد رسید. یعنی هیچگاه نباید تصور کرد که هویت‌های گوناگون نمی‌توانند هویت ملی واحدی را تشکیل دهند یا نباید تصور کرد وجود هویت‌های مختلف جامعه در تضاد با مفهوم هویت ملی و منافی با آن هستند، چرا که سیر تحول و ضرورت هویت ملی جامعه ایران بیانگر این واقعیت است که همه گروه‌های فرهنگی و دینی برای شکل‌دهی و سامان بخشیدن به هویت ملی مشارکت داشته‌اند.

۲-۲- هویت ملی در دوره‌های پیشین

شاید این از عدم دانش باشد که ریشه‌های ادب‌پایداری را از دوره مشروطه به بعد مورد بررسی قرار دهیم و قرن‌ها مبارزات وطن‌پرستانه در قالب نظم و نثر نادیده بگیریم. شاهنامه حکیم توس،

که معمولاً آن را «سند هویت ایرانیان» می نامند، خود سرآغازی جامع و جاویدان برای ادبیات پایداری ایران است. تنها مبارزه با انسان های بد ذات و دیوصفت که در قالب داستانهای منظوم آورده، قابل تفصیل در چندین کتاب است. خود او غرض از دیورا انسان های بی هویت و خدانشناس می داند:

تو مر دیو را مردم بدشناس
هر آن کو ندارد ز یزدان سپاس
(فردوسی ۱۳۷۶: ۳۷)

و در داستان فریدون، دیورا موجودی می داند که ترس از خدای جهان آفرین را از دل می برد و پیوسته برای گزند و آسیب به جامعه کمر بسته است.

از دیگر موارد پایداری، قیام کاوه آهنگر بر علیه ضحاک است. قیام چهره ای ایرانی بر علیه پادشاه بیگانه که سال ها در ایران به خونخواری و فساد مشغول بوده است. کاوه سرانجام برای مردم سرزمینش به یک اسطوره و نماد بدل می شود. پس از آن که ضحاک را دست بسته به کوه دماوند برده و می کشند، شاعر می گوید:

بیستش بر آن گونه آویخته
وز آن خون دل بر زمین ریخته
از او نام ضحاک چون خاک شد
جهان از بد او همه پاک شد
(همان: ۵۹)

شاعر متعهد، درد انسانها را احساس کرده و خود را شریک آلام و مصائب آنان می داند و برای آگاهی انسان ها تلاش می کند و می کوشد تا انسان ها را از ورطه جهل و نادانی رهایی بخشد و وظیفه ای که بر عهده دارد، ادا نماید. او با سرودن شعرش، فهم و شعور مردم را نسبت به مسائل بالا می برد و انسان ها را به کسب علم و معرفت تشویق می نماید و می داند که آدمی چون آگاه شود، دیگر نمی توان به سادگی او را تحت سیطره درآورد و از او بهره کشی کرد. او می داند که یکی از مصیبت های بزرگ بشر در طول تاریخ، جهل و نادانی او بوده که زورگویان و چپاولگران با استفاده از آن هستی انسان ها را تباه کرده اند.

۲-۳- ابعاد هویت ملی در شعر دفاع مقدس

در این بخش، ابعاد هویت ملی را در شعر دفاع مقدس مورد بررسی قرار می دهیم

۲-۳-۱- بعد اجتماعی:

عشق به هم نوع و هم وطن، موجب بطلان تمام تفرقه های قومیتی و نژادی در دوران دفاع مقدس می

شود. مقصد و مسیریکی می شود و همه در سایه ولایت امام (ره) به سوی پیروزی واقعی به پیش می روند. شعر دفاع مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیست و در آن حس عمیق همنوع دوستی موج می زند. چنانکه در لحن سلمان هراتی در شعر زیر دیده می شود، در پردازش واژگان، از «من» به «ما» می رسد و این خود پیغامی بزرگ در بردارد:

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای توانا ترین مظلوم! / تو را دوست دارم / ای آفتاب شمایل دریا دل / مرگ در کنار تو، زندگی است / ای منظومه نفیس غم و لبخند / ای فروتن نیرومند! / ایستاده ایم در کنار تو سبز و سربلند (هراتی، ۱۳۷۶: ۹)

بسیاری از شاعران، خرمشهر را شهر خویش خطاب قرار می دهند و از مشاهده ویرانی شهرهای جنگ زده آن چنان اندوهگین می شوند که از ویرانی خانه خویش. زندیاد محمود شاهرخی در مثنوی حماسی «نوید پیروزی» که هم زمان با حمله به خرمشهر سروده شده، بعد از خطاب قرار دادن شهر خرمشهر، آزادی این خاک مقدس، توسط سربازان حضرت امام خمینی (ره) را بشارت می دهد:

الا شهر خرم،	الا شهر خون	که شد از ستم، خاک توالله گون
الا خطه نغز و پدram و پاک	الا نامور شهر ایران زمین	درخشنده چون گوهر تابناک
... همه نخل های تو از پا فتاد	... همه خاکت ای کوی دل دادگان	قوی پایه چون بازوی آهنین
... تو را باد ای شهر غمگین نوید	... تو را باد ای شهر غمگین نوید	از این رنج، خون در دل ما فتاد
		عجین گشت با خون آزادگان
		که اینک سپاه خمینی رسید

(شاهرخی، ۱۳۷۰: ۵۶۳، ۵۶۱)

۲-۳-۲- بُعد دینی:

مهم ترین ویژگی شعر انقلاب اسلامی که در این روزگار هم ادامه دارد، «خودآگاهی دینی» است. شاعر انقلاب، شاعر عشق و معشوقه و عرفان و حماسه و تغزل و سیاست نیست و در عین حال به همه این مفاهیم هم دل بسته است و معتقد است که همه مقولات مادی و معنوی هنگامی که از دریچه دین نگریسته شوند به هم پیوندی قوی و ناگسستنی می یابند و شاعر را تشویق می کنند که یک سویه نیاندیشد.

انقلاب اسلامی هم خود محصول خودآگاهی دینی است و هم به خودآگاهی عمیق تر و بیشتر

انجامید. شاعر اصیل انقلاب نیز که این رمز را دریافته بود دل به این حرکت تکاملی سپرد و مومنانه به این مسیر ادامه داد. خودآگاهی دینی شاعر انقلاب آن هم در زمانه ای که از خود بیگانگی جهانی بیداد می کند رسالتی بزرگ است که همت بلند می طلبد

۲-۳-۱- حضرت علی (ع):

شاعران در طول تاریخ به عناوین و مناسبت های مختلف ارادت خود را به حضرت علی نشان داده اند. «جامعه و انقلاب ما نیز به خاطر شیعی بودن، همیشه به حضرت علی (ع) و الگوگیری از زندگی این شخصیت بی نظیر به خود بالیده و افتخار کرده است. ابعاد شخصیت حضرت علی (ع) در شعر دفاع مقدس شامل مدح و منقبت، مرثیه و اشعاری است که به حوادث زندگی ایشان از جمله غدیر خم، ماجرای خیبر و... اشاره می کند. اما از برجسته ترین ابعاد آن، اشعاری است که حضرت را به عنوان نماد و سمبل مبارزه با ظلم و ستم، جهاد و برانندۀ رایت عدل و مساوات معرفی می کند.» (امیری خراسانی و آخشن، ۱۳۹۱: ۴۳)

دلیرانه بر شط کارون زدند نه بر آب، بر موجی از خون زدند
به پیکار با شیوۀ حیدری گشودند تا بارۀ خیبری
و یا:

ای علی صولت! ضربتی دیگر بازویت نازم، نوبت یاری است
(شاهرخی، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

۲-۳-۲- حضرت فاطمه (س):

«شعر فاطمی که پیرامون زندگی، سیره و شخصیت حضرت فاطمه است، بعد از انقلاب و به ویژه در شعر دفاع مقدس رشد قابل توجهی داشته است و این شاعران، سیمای حضرت فاطمه را در تعابیر و تصاویر متعدّد و متنوعی منعکس کرده اند.» (امیری خراسانی و آخشن، ۱۳۹۱: ۴۵)

عباس کی منش، شاعر انقلاب در وصف آن حضرت می گوید:

پاکی سرشته است در فطرت او قرآن گواه است بر عصمت او
ای زن به اخلاص در راه او باش گر راه جویی، او رهبر توست
گنجینه لطف، آن آیت حق فرزند احمد پیغمبر توست
(کی منش، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۰)

۲-۳-۲-۳- کربلا

از مضامین پربسامدی که شاعران دفاع مقدس به آن توجه وافر داشته اند واقعه کربلا و ذکر همگونی شهدای دفاع مقدس با شهدای کربلاست، شاعران با الگوسازی از قهرمانان حادثه کربلا به ذکر مشابیهت های این دو نبرد مقدس پرداخته و قهرمانان هر دو نبرد را دارای بینشی عمیق و انسانی می دانند. «در شعر دفاع مقدس، هیچ موضوعی روشن تر و درخشان تر از عاشورا و پیوستارهای مربوط به آن حضور ندارد. کربلا، عاشورا، عطش، حسین، خون، نام یاران، نمادها و نمودهای این حادثه بزرگ، مثل خون در رگ شعر جاری است.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۳)

گاه شاعر، مکان نبرد را که جنوب ایران است به صراحت کربلامی داند:

این راه شهر نیست، عبوری ز کربلاست اینجا جنوب نیست، حضوری ز کربلاست
بیگی حبیب آبادی، (۱۳۸۳: ۴۳)

سید حسن حسینی:

ای نامتان بلندی بالای آفتاب پیغامتان به روشنی شعله شهاب
در امتداد پرسش تاریخی حسین فواره های خون شما بهترین جواب
(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۱)

حسین اسرافیلی در شعر «پاسدار حریم ایمان باش»، هشدار می دهد که جنگ تحمیلی، تجلی واقعه بزرگ عاشورا است و مبادا مردم، در راه حفظ مرزهای آرمان و هوی ت خویش، دچار تفرقه شوند و اصل را فراموش کنند و به فرع ها بپردازند تا خدای ناکرده، این اختلافات به چیرگی دشمن بر خاک ما انجامد و روزگار به کام مستکبران شود:

باز سرها به نیزه می خواهند خولیان در پناه جوشن ها
هان مبادا حسین، دیگر بار در مصاف یزیدیان تنها
(سوره، جنگ ششم: ۱۶۲)

تقدس خاک جبهه و ارج و اهمیت جهاد در جنگ تحمیلی موجب شد تا حضور در این سرزمین مقدس و مبارزه با شیطان استبدادگر، همچون سفر به کربلا باشد و شهادت در جبهه، پیوستن به خیل شهدای عاشورا محسوب گردد.

ساعد باقری زندگی در فراغ یاران سفر کرده و به خواب دیدن کربلا را سرنوشتی بسیار غم انگیز می

داند:

آید گرانم از خود این ماندن و ز یازان
یا رب! به فتح یازان تعبیر خونشان کن
چونین سبک به رفتن، پای شتاب دیدن
دیدار کربلا را تا کی به خواب دیدن؟
(باقری، ۱۳۶۸: ۳۶)

مرحوم سید حسن حسینی، در کتاب «همصدا با حلق اسماعیل» بخشی را به طور مجزاً به عنوان «رباعیات عاشورایی» نامیده و در آن به شرح رشادت های رزمندگان دفاع مقدس در سایه قیام عاشورا پرداخته است. قیامی که الگویی بزرگ برای قیام آزادی خواهانه و صلح طلبانه تمام مسلمانان بوده و هست. این بخش از سروده ها از صفحه ۱۰۲ تا ۱۷۵ کتاب است. از این رباعیات، ۵۱ رباعی اختصاصاً به موضوع کربلا و شهادت متعلق است. برای نمونه دو رباعی را ذکر می کنیم:

رباعی «مقتدا»:

عالم همه خاک کربلا بایدمان
تا پاک شود زمین ز ابنای یزید
پیوسته به لب خدا خدا بایدمان
همواره حسین مقتدا بایدمان
(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۰۲)

در رباعی «لهجه خون» هدف امام حسین (ع) را از قیام کربلا، بیداری و مقاومت تمام ملت های مظلوم در برابر ظالمان جهان می داند:

گر بر ستم قرون بر آشفست حسین
آنجا که زبان محرم اسرار نبود
بیداری ما خواست به خون خفت حسین
با لهجه خون، سر مگو گفت حسین
(همان)

۲-۳-۲-۴- انتظار موعود

مرحوم حسن حسینی در غزل «وارث نور»:

صبحی دگر می آید ای شب زنده داران
از بیکران سبز اقیانوس غیبت
آید به گوش از آسمان: این است مهدی (عج)
با تیغ آتش می درد آن وارث نور
از بیشه زار عطرهاى تازه آید
آهنگ میدان تا کند او، بازماند

از قله های پر غبار روزگاران
می آید او تا ساحل چشم انتظاران
خیزد خروش از تشنگان: این است باران
در انتهای شب گلوی نابکاران
چون سرخ گل بر اسب رهوار بهاران
در گرد راهش مرکب چابک سواران

(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۹، ۲۸)

و در دو بیت بعد، دردمندانه و بی قرار، آرزوی ظهور امام زمان (عج) را بیان می‌کند:
 آئینه آیین حق، ای صبح موعود! ماییم سیمای تو را آئینه داران
 دیگر قرار بی تو ماندن نیست در دل کی می‌شود روشن به رویت چشم یاران؟
 (همان: ۲۹)

و در پایان، تاکید می‌کند که حضرت امام خمینی (ره)، تنها نماینده و امانت دار ولایت امام زمان (عج) است:

ای باغبان باغ پر بار امانت! بوی تو دارد پیر بیدار جماران
 (همان)

زنده یاد امین پور در غزل «صبح بی تو»، با به کارگیری عناصر ملموس و «دم دست» و عامیانه، از دوری امام زمان می‌سراید؛ عناصری همچون: بعد از ظهر، تعطیل، شنبه، خویشاوندی، قفل و کلید و کبوتر چاهی، عناصری هستند که خواننده امروزی در تجزیه و تحلیل مفهوم شعر، با مشکلی روبرو نیست ابیاتی از این غزل را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

صبح بی تورنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد	بی تو حتی مهربانی، حالتی از کینه دارد
بی تومی گویند تعطیل است کار عشق یازی	عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟
... خواستم از رنجش دوری بگویم یاد آمد	عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد
در هوای عاشقان پرمی کشد با بی قراری	آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید	آنکه در دستش کلید شهر پر آئینه دارد

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹)

غزل «سیل نور» از سهیل محمودی، دعای ظهور امام عصر (عج) است:

ای صدایت خوش تر از آواز آب!	تشنگان را نیست دیگر صبر و تاب
از حجاب ابر غیبت، ماه من!	پای رجعت نه به چشمان رکاب
دست خود از آستین حق برآر	تا که تیغت را ببوسد آفتاب
بر تن شب ریز، سیل نور را	آفتابا! بر دلم لختی بتاب
اینک این آغوش باز جاده‌ها	ای سوار عشق! بگذر با شتاب
هجرت، ای از ما به ما نزدیکتر	می برد از دل قرار، از دیده خواب

(محمودی، ۱۳۷۷: ۶۶-۶۵)

نصراالله مردانی در غزل «آن مرد همیشه قهرمان می آید» مژده آمدن پیری با جذبۀ عشقِ جوان را می دهد که زبان آفرینش را می داند و او خود، این بشارت را از زبان دلاور مردان و سربداران شهیدی شنیده که در گلشن شعله به شهادت رسیده اند و با شکوفایی خویش، مژده ظهور امام زمان (عج) را به همه جهان ابلاغ کرده اند:

... پیری که دلش آینه بیناییست با جذبۀ عشق جوان می آید
یاری که زبان آفرینش داند از وادی بی حد گمان می آید
... بر بام فلک، منادی بیداری گوید که امیر عاشقان می آید
ای شب زدگان خفته! بیدار شوید خورشید شب از مشرق جان می آید
در گلشن شعله، سربداران شهید گفتند که: صاحب الزمان می آید
(مردانی، ۱۳۷۰: ۵۱)

۲-۳-۳- بُعد سیاسی

اتحاد و انسجام در بین تابعین یک نظام سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. در ظاهر پیر و یک نظام بودن و در باطن نیت ناپاک داشتن به هیچ روی قابل پذیرش نیست. به ویژه در شرایط بحرانی جنگ همه باید پشت و پناه یکدیگر باشند و به نظام سیاسی خویش تکیه کنند و فرامین رهبری نظام را با گوش جان اطاعت کنند تا خللی و خدشه ای بر پیکر نظام وارد نشده و دشمنان نظام خرسند نشوند. در طول جنگ تحمیلی نیز گاهی افرادی از روی جهل و نابخردی و یا در راه منافع ناچیز شخصی، با دشمن بدخواه ما هم کاسه شده بودند و در گوشه و کنار این مرز و بوم دست به اعمال ناپسندی می زدند که از هم وطن انتظار نمی رفت و همین موضوع، خاطر شاعران را ملول می کرد و گاهی شاعر مجبور می شد از لحنی زمخت استفاده کند و با زبان شاعرانه به این افراد بتازد.

ما را بردار! بیمی از خصم برون نیست گر هست در دیمان جز از زخم درون نیست
باید که این زخم نهان با اشک شستن باید که این سر نهان با خویش گفتن
باید که مولا وار سر به چه برآریم آنجا زرد آشنا فریاد آریم
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۷)

حمید سبزواری در انتقاد از تفرقه و چند دستگی می گوید:

آن یک که حکم فتنه از بیگانه دارد دعوی گرد و فارس در این خانه دارد
و آن یک لوای ترکمن بر می فرزند آهنگ ناساز جدایی می نوازند
بس خانه ویران می شود، بس خانمانها هر سو به نام ترک و کرد و ترکمانها
برخاک می افتند نهانی آشنایی با تیشه قومیت و ملی گرایی
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۱۷۱).

۲-۳-۱- ملت و ملیت

هویت ملی با مفاهیم دیگری نیز مرتبط است. زمانی می توان از هویت ملی یک جمع سخن به میان آورد که قبلاً به ملت تبدیل شده باشند. مفهوم ملت با توجه به ویژگی های عینی و مشترک یک جامعه و تصورات ذهنی اعضای آن، تعاریف متعددی دارد این واژه گاهی به گروهی از مردم اطلاق شده است، که دارای وحدت زبانی یا نژاد یا مذهب یا ترکیبی از آن ها باشند، در نظر گروهی دیگر، اعتقادات، منافع مشترک و رخدادهای تاریخی، عوامل موثر در ایجاد ملت هستند؛ و لذا، می توان گفت ناسیونالیسم یا ملت گرایی نوعی احساس وفاداری و تعلق به ملتی خاص است که برای خود صفات ویژه ای قایل بوده، در تلاش برای حفظ منافع ملی و فرهنگ ملی خود از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. در این دیدگاه، ملت به گروهی اطلاق می شود که خود را دارای پیوندها و علقه هایی می بیند که این پیوندها و علقه ها شرط لازم آن است، اما آگاهی و اذعان به آن پیوند، شرط کافی است (زهیری، ۱۳۸۱: ۳۳).

حسن حسینی:

...این خنده دار نیست؟/ هنگام فجر و رویش خورشید بی زوال/ بوزینگان/ به کرم شب تاب/ دل خوشند. (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۳).

۲-۳-۴- بُعد جغرافیایی:

بدون شک اولین مفهومی که از اصطلاح وطن به ذهن ما خطور می کند، حد و مرزهای جغرافیایی است. همچنین در صحنه نبرد، اولین و مهم ترین تلاشها برای صیانت از همین مرزهاست و تا زمانی که دشمن متجاوز، از این مرزها عقب رانده نشود نبرد فیزیکی جریان خواهد داشت و خاطر هیچ کس آسوده نیست. ایرانیان در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود همواره حراست از مرزهای خاکی و آبی میهن را مهم ترین وظیفه ملی خود می دانسته اند.

شاعران، در همدردی با شهرهای جنگ زده، سنگ تمام گذاشتند و بدون نادیده گرفتن تمایزهای زبانی و قومی، همه جای میهن عزیز را وطن و شهر خود خطاب کرده و آبادانی و آزادی را برای آنها از خدا طلب می کردند. «کرامت آبی»، غزلی از سهیل محمودی است که در آن ضمن توصیف ویرانی شهرهای جنگ زده، به صبر و استقامت مردم میهن خود می بالد.

دلم شکسته تراز شیشه های شهر شماس
شما چقدر صبور و چقدر خشم آگین
شما به استواری معیار تازه بخشیدید
بیا که از همه دشت ها سوال کنیم
میان معرکه لبخند می زنید به عشق
شما که اید؟ صفی از گرسنگی و غرور
شکسته باد کسی کاین چنین مان می خواست
حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست
شما نه مثل دماوند، او به مثل شماس
کدام قله چنین سرفراز و پا برجاست؟
حماسه چون به غزل ختم می شود زیباست
که استقامت و خشم از نگاهتان پیدا است
(محمودی، ۱۳۷۷: ۱۱۰: ۱۰۹)

۲-۲-۴-۱- جهان وطنی

یکی از خصایص ملی ایرانیان، همواره نوع دوستی و کمک به هم نوع بوده است. در طول جنگ تحمیلی نیز بحران جنگ، تنها دغدغه موجود نبود؛ بلکه مشاهده وضع سایر ملل ستمدیده قلب همه ایرانیان را آزرده می کرد و همگان را بر آن می داشت که ضمن هم دردی با این ملتها، پیوسته به آنان امید داده و برای آنها پیروزی بردشمن متجاوز را از درگاه خداوند درخواست کند.

«پیش از شعر انقلاب، رگه هایی از ستم ستیزی و حمایت از مظلوم را می توان در شعر مشروطه دید، اما تفاوت آن با شعر مقاومت در این است که در شعر پس از انقلاب، تنها ایران منظور نیست؛ بلکه تمام مستضعفان و مظلومان جهان مورد توجه اند و تمام ستم کاران دنیا مغضوب و مذموم، به همین دلیل، مردم مظلوم فلسطین و افغانستان و بوسنی و عراق در شعر مقاومت مورد حمایت اند؛ همچنان که دشمنان ستمکار آنها مورد غضب واقع شده اند.» (کافی، ۱۳۸۸: ۳۹۰)

به عقیده مرتضی صداقتگو، برادری و دوستی در این جهان، تنها با ریختن خون ما حاصل می شود و اگر خواهان صلح و دوستی هستیم، باید در راه آرمان هایمان کشته شویم:

اینک آن سوی زمین / فلسطین است و / این سوی زمین / هویزه و بستان و خرمشهر قهرمان ما / انگار
در این جغرافیای کوچک / برادری، واژه ای است که تنها باید با خون نوشت. (صداقتگو کیاسری،

طاهره صفارزاده، همه مبارزان جهان را عابران یک راه می‌داند که از معبر سکوت و شکنجه می‌گذرند:

راه شما و ما و خلق فلسطین / راه تمام خلق های تحت ستم / از معبر سکوت و شکنجه سلطه گران به هم پیوسته است. (صفارزاده، سروش ش ۴: ۱۳۶۰، به نقل از کافی، ۱۳۸۸: ۳۹۰)

ضیاءالدین ترابی در شعر «تا قلب پاک فلسطین»، راهی قرمز برای تمام جهان ترسیم می‌کند که با خون شهید امتداد یافته است:

... آن جاده ای / که تو با خون / بر روی خاک پاک کشیدی / تا قلب غرب / تا قلب پر توان فلسطین / و تا نهایت دنیا / باری / ادامه دارد / و جاده، / تا تمام جاده / خطی است سرخ / هم رنگ خون تو / خونی که در رگان شقایق می جوشد. (سوره، جنگ ششم: ۱۸۳).

۲-۳-۵- بعد فرهنگی

فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه، از جامعه خویش فرامی‌گیرد، تعریف می‌کنند. هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگی متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ در حالی که ژنتیک به وسیله وراثت منتقل می‌شود.

فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان است. فرهنگ در برگیرنده این چیزهاست:

۱. سازگاری کلی با نیازهای اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون.
۲. سازمان مشترکی که برای فرو نشانیدن نیازهای اجتماعی و سیاسی که از محیط پیرامون بر خواسته‌اند، پیدا شده است.
۳. مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها.

فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. انقلاب اسلامی ایران، در بعد فرهنگی تحولی شگرف و بی سابقه در کشور و منطقه ایجاد کرد، تاکید بر فرهنگ غنی کشور، مبارزه با ترویج دهندگان بی فرهنگی، نفی تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب و... از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. شاعر دفاع مقدس نیز در راستای رسالت شعری خود همچون حافظ و فردوسی و شاعران و نویسندگان بی شمار دیگر، دست به آفرینش آثاری می‌زند که همچون سپری پولادین

از فرهنگ این مرز و بوم محافظت می نماید و گاهی کاستی ها و ضعف های فرهنگی جامعه را به اعضای آن گوشزد می کند.

۲-۲-۱- انتقاد از تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی عبارت از تلاش هدفمند، سازمان یافته و برنامه ریزی شده یک فرد طبقه، یا ملت و دولت خاصی برای تحصیل باورها، ارزشها، اعتقادات، و رفتارهای سلطه گرایانه خود به دیگران (مجموعه مقالات فرهنگ، ایثار و شهادت ۱۳۸۴: ۲۳۸). آثار مخرب تهاجم فرهنگی در همه زمینه ها مشهود است و حتی جامعه دانشگاهی و هنری را تحت تاثیر خود قرار داده است. در تعریف پدیده تهاجم فرهنگی، دیدگاه رهبر معظم انقلاب قابل توجه است. «از نظر ایشان در تهاجم فرهنگی یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد. در این هجوم، باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می کنند.» (www.hawzah.net)

تهاجم فرهنگی، نظام آموزشی کشور را نیز تحت شعاع خود قرار داده است. گرایش مردم به مدرک گرایی و کسب مدارج رفاه طلبی و منصب جویی، نوعی مسابقه نیز برای کسب مدرک، حتی با شهریه های سنگین، بین افراد متمول صورت می گیرد. و به این ترتیب فاصله طبقاتی میان این دو گروه از جامعه باز افزایش می یابد:

پسر خوانده های مایکل جاکسون به دانشگاه می روند/ انیشتن بی خواب می ماند/ دیوار مسافرخانه های ناصر خسرو/ فرمول نسبیت را از بر می کنند (قزوه، ۱۳۷۶: ۸۷)

۳- نتیجه گیری:

شعر فارسی، سند هویت ملی ماست، این ویژگی شعر فارسی در طول تاریخ ادبیات، روندی تکمیلی را طی کرده است. در اشعار سبک خراسانی، توجه عمده به ایران باستان بوده و شاعران با توجه به اساطیر باستانی، حماسه های بزرگ و ماندگاری سروده اند. در دوره های بعد، عنصر دین پررنگ تر شده و قهرمانان و شخصیت های شعری، بیشتر از میان بزرگان دین انتخاب می شده اند. در دوره مشروطه، دوباره شعر، حال و هوای حماسی و باستانی به خود می گیرد. اما دوران دفاع مقدس دوره طلایی پرداختن به هویت ملی است. در شعر این دوره، مبانی و مضامین دین مبین اسلام همچون مکتب کربلا، انتظار ظهور امام زمان (عج)، توجه به آیات قرآن و ... شانه به شانه مصادیق و

افتخارات ملی گنجانده شده است. ابعاد مختلف هویت ملی در شعر دفاع مقدس نمایان است. در بعد جغرافیایی، شاعر دفاع مقدس، وطن خاکی و مرزهای مشهود را مضمون شعر خود قرار می دهد. در بعد سیاسی، دشمنان دیرینه و ددمنش پیوسته مورد خطاب شاعر دفاع مقدس است و ناجوانمردی ها و خیانت های بین المللی به ویژه از سوی آمریکا و سایر استعمارگران، همواره در این اشعار مورد تاکید است. در بعد اجتماعی، نوع دوستی و عشق به هم وطن را می توان مثال زد، همچنین همدردی با سایر ملل مسلمان و غیر مسلمان که به نوعی تحت ظلم مستبدان قرار دارند، آن هم در شرایطی که سرزمین خود شاعر در وضعیت قرمز و شرایط جنگ قرار دارد، موردی است که در کمتر ادبیاتی در سراسر جهان بتوان به آن اشاره کرد. در بعد تاریخی نیز شاعر دفاع مقدس، با کمک عناصر اسطوره ای و یا شخصیت های بزرگ تاریخ اسلام و ایران قدیم، همواره به آب و خاک خویش می بالد و به قهرمانان وطن دلگرمی می دهد. در بعد فرهنگی هویت، باید گفت که شاعر دفاع مقدس آگاهانه و هوشیار به مردمان کشور خود گوشزد می کند که مراقب دستان پنهان دشمنان باشند که ریشه های فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی را ناجوانمردانه تیر می زنند.

فهرست منابع و مآخذ:

(الف) - کتاب

- ۱- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). دین و ملیت در ایران (همیاری یا کشمکش؛ ایران، هویت، ملیت و قومیت)؛ به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۲- اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۶). رد پای صدا. چاپ اول، تهران: تکا.
- ۳- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج احمدی. چاپ اول. تهران: شیرازه.
- ۴- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۸). هویت ایرانی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه مطالعات استراتژیک.
- ۵- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). هم صدا با حلق اسماعیل. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
- ۶- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۷). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- ۷- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره المعارف جامعه شناسی. چاپ اول. تهران: کیهان.
- ۸- سبزواری، حمید. (۱۳۷۳). کاروان سپیده. چاپ اول. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۹- شاهرخی، محمود. (۱۳۸۶). اعجاز درد. چاپ اول. تهران: تکا.
- ۱۰- صداقتگو کیاسری، مرتضی. (۱۳۷۳). زیتون و سنگ. چاپ اول. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۱- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). شاهنامه. چاپ مسکو. تصحیح سعید حمیدیان. چاپ چهارم. تهران: قطره.
- ۱۲- قزوه، علی رضا. (۱۳۷۶). از نخلستان تا خیابان. چاپ پنجم. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۳- کاشانی، سپیده. (۱۳۷۳). هزار دامن گل سرخ. چاپ اول. تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). آشنایی با ادبیات انقلاب اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۵- کوش، دنی. (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. ترجمه فریدون وحیدا. تهران: سروش.
- ۱۶- کی منش، عباس. (۱۳۸۶). کهکشان آبی. چاپ اول. تهران: تکا.
- ۱۷- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۳). تجدد، جهانی شدن و هویت خاص گرایی های فرهنگی در جهان معاصر. پایان نامه دکتری. رشته حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.

۱۸- ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۸). پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب)- مقالات:

- ۱- امیری خراسانی، احمد و قدرت آخسن، «اسوه های مذهبی در شعر دفاع مقدس». نشریه ادبیات پایداری. سال ۴. ش ۷. (ص ۲۹ تا ص ۵۸).
- ۳- تاجیک، محمدرضا، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالشها». فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴، (ص ۱۱ تا ص ۶۱)
- ۴- رضایی، احمد. «نوستالژی، دلتنگی و حسرت عارفانه در شعر سالهای نخستین پس از جنگ تحمیلی». کتاب ماه ادبیات. ش ۲۲. پیاپی ۱۳۶. (ص ۴۲ تا ص ۴۶)
- ۵- لک، منوچهر. «هویت ملی در شعر دفاع مقدس». فصلنامه مطالعات ملی. ش ۲. سال ششم. (ص ۱۱۱ تا ص ۱۳۲)

ج)- سایت

۱- اسماعیل ولی زاده، بخش مجلات سایت حوزه، مهرماه ۱۳۸۸، تهاجم فرهنگی و راههای مقابله با آن www.hawzah.com.

شعر عرفانی دفاع مقدس، تجلی گاه هویت ملی

دکتر اسماعیل صادقی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

حبيب الله طایبی سمیرمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

شعر دفاع مقدس، چه در سالهای جنگ چه پس از جنگ، سلاح گرم و کارساز شاعرانی است که آثار آنان برای همیشه در دیوان اشعار و جان و دل این سرزمین ثبت و ضبط شده است. سرایندگانی که گاه با وجود ناشناس بودن، دست به خلق اشعاری می زدند که به اقتضای رسالت شعری، همچون جنگ افزاری کارآمد در مقابل تجاوز می ایستند. بسیاری از شاعران این دوران با اتکا بر متون ادبی گذشته اشعاری می سرودند که از عرفان و معنویت لبریز بود. شعر عرفانی دفاع مقدس، تجلی گاه هویت ایرانی-اسلامی است. بررسی هویت ملی ایران بدون در نظر گرفتن جنبه دینی و اسلامی، کاری عبث است؛ چرا که دین و ملیت، در راستای یکدیگر، هویت ایرانی را تشکیل می دهند. «ستایش وطن»، «خودآگاهی دینی»، «اطاعت از پیر و مرید»، «شادمانی و امید فتح در روزهای سخت مبارزه»، «تلفیق عرفان با حماسه»، «همدردی با ملل مظلوم جهان» و... از موارد انعکاس هویت ملی در شعر دفاع مقدس است که از لحنی عرفانی برخوردار است. در این مقاله، پس از معرفی «عرفان» و نیز آشنایی با شعر عرفانی فارسی، به بررسی شعر دفاع مقدس پرداخته ایم و ابعاد هویت ملی را در اشعار عرفانی دفاع مقدس مورد پژوهش قرار داده ایم.

واژه های کلیدی: شعر دفاع مقدس، شعر عرفانی، هویت ملی، خودآگاهی دینی، هویت ایرانی-

اسلامی.

۱- مقدمه:

شعر فارسی و عرفان، پیوندی ناگسستنی دارند. شعر عرفانی به شناخت انسان از خود، پروردگار و جهان آفرینش مربوط است. عشقی که در این دریای ژرف موج می زند، بر خلاف عشق زمینی، پایدار است و انسان را به کمال مقصد خویش می رساند. این مضمون، همواره پیوست ادبیات منظوم و مثنوی دفاع مقدس ماست. همین امر باعث شد اشعار دفاع مقدس از انحطاط، یکنواختی و خسته کنندگی برهد و با پذیرفتن چاشنی خاص عرفان، طراوت، تازگی و دلربایی بیابد. شاعران متعهد این سرزمین، تمام هنر و استعداد خدادادیشان را صرف به تصویر کشیدن حماسه آفرینی های این دوره کردند و با تلاش آنان، شعری ایجاد شد که به «شعر دفاع مقدس»، معروف است. این جنگ، جنگ حق علیه باطل، خط مشی گرفته از عاشورای حسینی و مملو از احوال و اعمال لطیف عرفانی بود؛ رزمندگان اسلام، فارغ از نعیم و جحیم، کسب رضایت باری تعالی را وجهه همت ساختند و با برهنگی دل خود از غیر حق، پروانه وار به سوی شهادت می شتافتند تا با فنای خود در وجود حق، بقای ابدی بیابند. هویت نیز از مسائل مربوط به علم جامعه شناسی است که در شعر دفاع مقدس مد نظر شاعران بوده است.

۱-۱- بیان مسأله

در این مقاله کوشیده ایم تا به این پرسش پاسخ دهیم:
هویت ملی، چگونه در شعر عرفانی دفاع مقدس تجلی یافته است؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

شعر عرفانی، شرح لحظات ناب عشق ازلی است. غم هجران یار، دلتنگی برای محبوب، سوز و گداز درونی عاشق و ... ادبیات فارسی در این بخش به ویژه در شعر عرفانی از غنای بی مانندی در سراسر گیتی برخوردار است. جهانیان با مرور اشعار عرفانی فارسی به توانمندی شگرف بزرگان ادبیات و دارایی های فرهنگی این مرز و بوم پی می برند، هرچند درک عمیق مفاهیم شعر عارفانی همچون حافظ و مولانا ... نیازمند آشنایی کامل با مباحث عرفانی است و خود فارسی زبانان نیز در بسیاری از موارد از این دانش محرومند. در شرایط جنگ نیز بیاد معبود سرودن و استمداد از درگاه باری تعالی جایگاهی ویژه دارد. در شعر دفاع مقدس به این مقوله به طرز شگفت انگیزی توجه شده است. چه در زمان جنگ و چه دوران بعد از جنگ، عرفان در شعر متجلی است. عرفان ایرانی، به سبب امتزاج

با مبانی دین مبین اسلام، به نیکویی هویت ایرانی- اسلامی را به نمایش می گذارد. لذا ضروری است تا با شناخت شعر دفاع مقدس به جنبه های معنوی و عرفانی آن پی برده و بدانیم که شاعران تا چه اندازه مسائل اجتماعی از جمله هویت ملی را در شعر خود بازتاب داده اند.

۱-۳- پیشینه تحقیق

عنایت الله شریف پور و نرگس موحدی در مقاله «بررسی مضامین عرفانی شعر دفاع مقدس» مضامینی چون: «عشق»، «مستی»، «شوق»، «وصال»، «قرب الی الله» و... را بررسی کرده اند. (شریف پور و موحدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۸۹)

پرنده فیاض منش، در مقاله «بررسی موضوعات، مضامین و قالب های شعر جنگ»، در بیان مضامین شعر دفاع مقدس، گذرا به مضامین عاشورایی و عرفانی در این اشعار اشاره می کند. (فیاض منش، ۱۳۸۱: ۱۲۸-۱۱۳)

نجمه نظری در مقاله «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه های شعر دفاع مقدس»، خودآگاهی دینی شاعران را در شرح اینار، ترجیح مرگ با عزت، استقامت در راه خدا تا پای جان و... مورد بررسی قرار داده است. (نظری و جعفرنیا، ۱۳۸۹: ۷۷-۶۱)

احمد زارعی در مقاله ای کوتاه، به عنوان «شعرانقلاب از منظر محتوی»، بر این عقیده است که شعرانقلاب و دفاع مقدس، علاوه برآنکه قالب های اصیل و کهن شعری را وام می گیرد، رسالت مهم ترویج فرهنگ غنی اسلامی و مکتب شیعه را بردوش می کشد. (زارعی، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۰)

لیکن ما در این پژوهش سعی کردیم تمام عناصر عرفانی را در شعر دفاع مقدس مد نظر قرار دهیم و نمونه اشعاری را بیان کنیم که به ارائه ابعاد هویت ایرانی اسلامی می پردازند.

۲- بحث

در این بخش، ابتدا به شناخت عرفان و شعر عرفانی می پردازیم و پس از آن، هویت و انواع آن را مورد بررسی قرار می دهیم:

۲-۱- عرفان

عرفان «Mysticism»، (تعبیری از «مستیسیم» یا «گنوسیس») در تعریفی جامع، به مفهوم شناختی «رازگونه و نهانی» از خمیرمایه افکار بلند و آداب تاثیرگذار است برای یافتن و پیوستن به حقیقت از

طریق «شهود»، «تجربه درونی» و «حال». مصداق حقیقت در عرفان الهی وجود خداست. کسی را که واجد مقام عرفان است عارف گویند. ادبیات عرفانی ادبیاتی غنی است که انسان را تا اوج مقام قرب الهی رهنمون می‌سازد، راه و رسم سلوک را می‌آموزد و سالک را از رمز و راز این راه پرفراز و نشیب آگاه می‌نماید، به ما گوشزد می‌کند که تنها راه رسیدن به سعادت و کمال انسانی، شکستن دیوارهای زندان دنیا است که اقامت در آن جز تباهی و حسرت ثمری ندارد. ادبیات دفاع مقدس نیز که در سایه ادبیات غنی فارسی بالیده، در ابعاد گوناگون از ساختار و درون مایه ادبیات گذشته بهره برده است. بعد از ابوسعید، سنایی در قرن ششم، با وارد کردن حال و هوا و درون مایه‌های عرفانی به ساختار مستحکم قصیده، دیپاچه‌ای نو بر ادبیات عرفانی گشود. سنایی علاوه بر غزلیاتش که سرشار از جذب و شور و حال قلندری و ملامتی است، در ساختار قصیده، تم عرفان را وارد کرد و بعد از او، عطار نیشابوری در قالب غزل و مثنوی، مفاهیم عالی عرفانی را مطرح کرد. البته ذکر یک نکته مهم اساسی است که ادبیات عرفانی، به دو نوع ادب تعلیمی و ادب عاشقانه تقسیم می‌شود. شاعران صوفی، سکر و وجد و حالات حاصل از غلبت روحانی را عموماً در قالب غزل می‌سرایند، و همچنین وعظ و تذکیر و زهد و تحقیق را عموماً در قالب مثنوی به عنوان مهارت‌ها و گوشزدهایی برای سالکان می‌سرایند. سرآمد شاعران عارف، مولانا جلال الدین محمد رومی است که هم در عرصه ادب عاشقانه عرفانی بی‌مانند است و هم در عرصه ادب تعلیمی عرفانی. مثنوی معنوی مولوی اثر گران سنگی است که از بهترین و غنی‌ترین میراث صوفیه به شمار می‌آید.

«بعد از مولوی اولین کسی که جرأت کرد در شعر تعلیمی صوفیانه، شیوه مثنوی را سرمشق خود کند، پسرش سلطان ولد (معروف به بهاء ولد) است در «ولد نامه» خود و بعد از او شیخ محمود شبستری است در «گلشن‌راز». (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۲۷۳)

به طور کلی بعد از مولوی ادبیات عرفانی شکوفایی خاصی نداشته است و آثاری که بعدها به وجود آمد بر پایه تقلید از مولوی، عطار و سنایی بوده است. در مجموع، صوفیه و عرفا تأثیر بسیار مهمی در شکل‌گیری و دگرگونی ادبیات پارسی داشته‌اند. «آنان قصیده را از لجن زار دروغ و تملق به اوج و رفعت وعظ و تحقیق کشانده‌اند و غزل را از عشق شهوانی به محبت روحانی رسانیده‌اند. مثنوی را وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت و عرفان و اخلاق کرده‌اند. رباعی را قالب بیان احوال و آلام زودگذر نفسانی نموده‌اند. نثر را عمق و سادگی بخشیده‌اند؛ و حکایت و قصه را قالب معانی و حکم کرده‌اند...». (همان: ۱۲۹)

۲-۲- هویت:

هویت در معنای لغوی یعنی حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چه گونه بودن است. «در تعریف فلسفی: هویت همان حقیقت جزئی است» (الحقیقه تسمی هویت، یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند)، و لذا، می توان گفت هویت تشخیص ماهیت در خارج است.» (کرجی، ۱۳۷۵: ۲۶۵-۲۶۶).

در تعریف دیگر، «هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی، بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند، و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آن ها متمایز سازد.» (الطایی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

هویت را نمی توان تعریف کرد، مگر این که تعریف و حدود «غیر» مشخص شود. به عبارت دیگر: هویت زمانی ظهور می یابد، که انسان با غیر مواجه شود، و این غیر عبارت است از جامعه دیگر، طرز تفکرهای مختلف و نقش های جدیدی که سازنده ی هویت او هستند.

۲-۲-۱- هویت ملی

هویت ملی (Identity National) از مقولاتی است که در قرن بیستم، و بعد از شکل گیری سیاسی نظام بین المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هرچند که همواره یکی از مشغله های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است.

هویت ملی نیز، مانند هویت، تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف: «هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است، و می توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند.» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۶).

در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه ای از نشانه ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی ترین حلقه ارتباطی بین هویت های خاص محلی و هویت های عام فراملی است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

در تعبیری کامل تر هویت ملی، مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است.

۲-۱-۱-۱- ابعاد هویت ملی:

مهمترین ابعاد هویت ملی، عبارتند از: فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و تاریخی و سایر ابعاد در مراتب بعدی قرار می‌گیرند.

الف- بُعد فرهنگی:

ایران با سابقه فرهنگی و هنری طولانی، دارای آثار گرانقدری در این زمینه است. شاعران و نویسندگان فرزانه ای که سالها در راه وطن و استیلاي فرهنگ ایران اسلامی کوشیده اند و برای این مهم، از هیچ تهدید و اربابی نرنجیده اند. بی هیچ قصد و غرض شخصی، دست به خلق تالیفات ارزشمندی زدند که تا ابد پرچم این مرز و بوم را در جهان افراشته می‌دارد. وسپورت ها، لباس، خوراک و غیره شامل این بعد هویت ملی اند.

ب- بُعد جغرافیایی:

هویت ملی در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی هر ملت است. محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت نام دارد. تعریف هویت در این بُعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم.

ج- بُعد سیاسی:

تعلق به یک واحد سیاسی به عنوان یک عنصر ملی، مستلزم تعلق به دولت، نظام سیاسی و ارزش‌های مشروعیت بخش حکومت در هویت ملی است و امروزه دولت ملی بزرگ‌ترین و رایج‌ترین نوع شکل‌بندی جامعه بشری محسوب می‌شود. لذا مسائلی نظیر اینکه دولت در یک کشور تا چه اندازه از مقبولیت نزد اعضای آن برخوردار است و اینکه میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌های سیاسی و مرزهای کشور چقدر است، بسیار مهم می‌باشد.

هویت ملی در بعد سیاسی و در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب

قوانین آن کشور هستند، از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند.

۵- بعد تاریخی:

می توان گفت که تحولات و فرایندهای دراز مدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور موثر است. خاطرات، رخدادها، حوادث، شخصیت ها و فرازونشیب های تاریخی در شکل دادن به انگاره های جمعی بسیار موثر هستند. بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ پنداری پیوند دهنده نسل های مختلف به یکدیگر است که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می شود. زیرا هر جامعه، با هویت تاریخی خود تعریف و ترمیم می شود. هویت تاریخی را می توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست.

۲-۳- ارکان و مضامین شعر عرفانی و نمود آن در شعر دفاع مقدس

در این بخش، با مرور ارکان شعر عرفانی فارسی، شعر دفاع مقدس را از نظر داشتن این ارکان مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۳-۱- عشق راستین

عرفان چنان دامنه وسیعی دارد که خود، عناصر مثبت و ماندگار نهضت های فکری و اجتماعی پیشین را هم می تواند حفظ کند. سنایی، قهرمان این میدان است، او شاعری درباری بود که بردبار و شعر درباری شورید و تمام قدرت سخنوری و ابداع خویش را در راه رشد دادن ادب نو پای عرفانی صرف کرد. بزرگانی چون ابونعمان اصفهانی، احمد غزالی و امام محمد غزالی، پیش تر، راه را کوبیده و آماده کرده بودند که شعر، مقبول اهل شرع واقع شد و سنایی، یک تنه کار را تا مقدار زیادی پیش برد و به شعر فارسی هویت بخشید. این عطار بود که فقط شعر عرفانی سرود و حتی در یک مرحله کوتاه از عمرش شاعر درباری نبود:

به عمر خویش مدح کس نگفتم دُری از بهر دنیا من نسفتم
(عطار، ۱۳۶۲: ۳۲۳)

در شعر عطار است که استقلال از دربار تحقق می یابد و چهره مردم و رویکرد مردمی شعر فارسی

آشکار می‌شود و لذا شعر از فرمالیسم هم فاصله می‌گیرد و به سمت معناگرایی حرکت می‌کند. مایه اصلی و جوهر حقیقی عرفان، عشق است. ودیعه ای ازلی از جانب خدا در دل انسان که حافظ نیز به آن اشاره می‌کند:

در ازل پرتو عشقت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
 جلوه ای کرد رُخت، دید ملک عشق نداشت / عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
 عقل می‌خواست کزین شعله چراغ افروزد / برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد
 ... دیگران، قرعه قسمت، همه برعیش زدند / دل غم دیده ما بود که هم بر غم زد
 حافظ آن روز طرب نامه عشق تونوشت / که قلم بر سر اسباب دل خرم زد
 (حافظ، ۱۳۸۴: ۱۶۰)

عشق به معبود ازلی است که همه را از خانه و دیار به نقطه پُرگار «جبهه» می‌کشاند. خاک پاک جبهه، تجلی گاه واقعی حق است. صفا و صداقت در این دریای بی پایان موج می‌زند و همه را در خود غرقه می‌سازد. عشق به وطن در آنجا با عشق ازلی عجین است و البته هرکس از خود نگذشته باشد و نفس سرکش را سرکوب نکرده باشد، هرگز خلوص خاکریزهای وصال را درک نخواهد کرد. بُعد دینی هویت ملی در این اشعار عارفانه موج می‌زند.

«در سرزمین آسمانی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشد / کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشد... /
 و ارتفاع صخره و کوه / به زیر پای دلیرانی است / که از ارتفاع عقیده / از ارتفاع ایمان می‌جنگند / از
 مرز جان چومی گذرند / پروازشان از خاک / سوی نور / از بطن آبی رگ ها / به سوی آبی بالاست...»
 (صفّارزاده، ۱۳۶۶: ۳۵).

محمود شاهرخی، فضای عرفانی جبهه را به مکتب عاشورا پیوند می‌دهد و محیط آنجا را سرشار از عشق و نور حقیقت می‌داند:

در جبهه آزادگان باشد گرت باری گذر / بینی کمال عشق را در کربلای دیگرپ
 عشق و فضیلت را ببین، نور حقیقت را ببین / شور شهادت را ببین با جلوه های دیگری
 (شاهرخی، ۱۳۷۰: ۹۶).

امین پور:

ای عقل که وامانده صدها رازی! / تا چند به چند و چون می‌پردازی؟
 یاران، سفر عشق به پایان بردند / تو مرد نه ای هنوز در آغازی

(امین پور، ۱۳۸۸: ۵۰)

شیرینعلی گلمرادی:

عقل، در اینجا نمی آید به کار عشق باید داشتن در کارزار
کفر می کوبد به طبل خویشان عشق می خواند در این میدان که : من
(گلمرادی، ۱۳۷۹: ۲۶)

۲-۳-۲- پیرعرفانی

هیچ سلوک معنوی معتبری بدون دستگیری مرشد و راهنما تحقق نمی پذیرد و یقیناً تصوف نیز از این قاعده کلی مستثنی نمی باشد. پیردر عرفان، نماینده رسالت باطنی پیامبر اسلام (ص) و از این طریق، تجلی لطف و رحمت الهی است که به طالبان آن عطا می گردد.

شریعت یا قانون الهی برای همه مسلمین نازل شده است و در معنای وسیع تر در نظرگاه اسلام برای همه بشریت آمده است، اما طریقت یا سلوکِ روحی، ویژه کسانی است که در همه حال در جستجوی خداوند و در تحرّی آن حقیقت لایتغیری هستند که هرچند در همه جا حاضر است، در عین حال، فراتر از همه و سرمنشا ازلی و ابدی همه الهامات و مکاشفات است. نقش مرشد روحانی، که در زبان های عربی و فارسی به مرشد، شیخ، مراد، یا پیرشهرت دارد، فراهم کردن زمینه تولد معنوی و تحویل احوال است. پیر با رابطه ای که از طریق سلسله معنوی با پیامبر و نقش اصلی پیام او دارد، می تواند آدمی را از محدودیت ها و قیود بی شمار مادیات رهایی بخشد و به ساحت نورانی حیات معنوی واصل گرداند.

باید نام معجزه بر این حادثه نهاد که در نهایت کوران و خفقان، مردی از جنس حقیقت و وارستگی، به یاری ملتی بی یاور و مظلوم بشتابد. مردی که به گفته امین پور، کلام و عکسی از وی کافیسست تا شهید را به سرمنزله مقصود هدایت کند:

ره توشه شهید همین بس: / یک جامه، یک کلام / تصویری از امام (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۸۱)

ضیالالدین ترابی در غزل «باران رحمت»، در وصف خصایل آن بزرگ مرد تاریخ، از پیردلیری سخن می گوید که از کسی واهمه ای ندارد و علاوه برآنکه از جان خویش مایه می گذارد، سخن و رفتارش بر پایه قرآن است:

خونی که در فیضیه بر خاک وطن ریخت / چون چشمه ای جوشید و بردشت و دمن ریخت
اشکی که جاری شد از آن چشمان معصوم / باران رحمت بود کاو بر آن چمن ریخت

نازم بر آن پیری که بی خوف حرامی با یاری یزدان به هم خوف کهن ریخت
تا بیرق اسلام و ایمان بفرزاد جان برکف و قرآن به لب، دَرَسخن ریخت
بانگی که در محراب زد با یاد یزدان چون تندری وحشت به جان اهرمن ریخت
(ترابی، ۱۳۶۹: ۸۶، ۸۵)

سلمان هراتی:

در عرصه کشمکش آفتاب و شب / مردی چونان چشمه های صاف / دلگیر از همیشه تاریکی /
فریاد را / از منتهای گلویش عبور داد / و پلک پنجره ها را / به باغ نور گشود / و بذر عشق را / به نیت
تقوی / به خاک ریخت. (هراتی، ۱۳۶۷: ۱۹، ۱۸)
اقتدا به حضرت امام و بکار بستن فرامین ایشان، که در شعر دفاع مقدس به روشنی پیداست،
بیانگر اتحاد و همبستگی ملی ایران و نشانگر بُعد سیاسی هویت ملی مردم ماست.

۲-۳-۳- حالات و مقامات

مرحوم زرین کوب در مورد منشأ اصطلاحات عرفانی می گوید: «... منشأ این اصطلاحات،
مثل منشأ عقاید و تعالیم حکمی و صوفیه متعدد و گوناگون است و شک نیست که صوفیه در هر جا
از عقاید و تعالیم حکما و اهل مذاهب و مقامات را اخذ می کرده اند، بیش و کم اصطلاحات خاص
آن را نیز می گرفته اند. اولین مأخذ عمده این اصطلاحات، قرآن است که تلاوت و ختم آن همواره نزد
زهدا و عباد متصوفه رایج بوده است و... غالباً حاکی است از طرز تأویلی که صوفیه در آیات متضمن این
الفاظ داشته اند. بعضی اصطلاحات دیگر هم مانند حال و مقام، محو و اثبات، صبر و فنا و ظاهر و باطن،
هرچند اختصاص به قرآن نداشته اند، لیکن استعمال آنها ظاهراً با آنچه متکلمین و مفسرین قدیم از قرآن
استنباط می کرده اند، ارتباط داشته است و اخذ و اقتباس آنها شاید برای آن است که صوفیه می خواسته
اند عقاید و تعالیم خود را هرچه بیشتر با قرآن مرتبط نمایند.» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۵۰-۱۴۹)
تعاریف تخصصی حال و مقام و اختلاف مابین این دو، بکرات در متون قدیم تصوف آمده
است: جرجانی در اثر معروف خود «التعریفات»، می گوید که مقام، اکتسابی و حال، موهبتی است:
«حال در زبان اهل عرفان، موهبتی است که بدون جهد و طلب بر قلب انسان وارد شود، مثل حزن،
قبض، بسط و... حال، با ظهور صفات نفس از بین می رود و هنگامی که ادامه پیدا کند، مقام
نامیده می شود... احوال، موهبت اند و مقامات، مکاسب نامیده می شوند. احوال، از چشمه جود
و مقامات با تلاش فراوان به دست می آیند.» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۵۷)

شاعران دفاع مقدس نیز در جای جای سروده های خود از اصطلاحات مرتبط با ایالات و ایام و ایام استفاده نموده اند. این حال و مقام، شرح حال مردان وارسته ای است که همچون عارفی کامل، تا جایگاه رفیع فنا پیش رفته و به منزلت شهادت دست می یابند
نصراالله مردانی:

سمند مرگ به میدان نیستی تازید به عرصه گاه فنا خنده بر عدم بزیند
سپاهیان سحر! در حضور بیداری روند بودن آینده را بهم بزیند
(مردانی، ۱۳۷۰: ۸)

عرصه گاه فنا، جبهه جنگ است که جدال انسان با نفس سرکش، به اوج می رسد، خط مقدم از خود گذشتگی است که هرکه به آن قدم گذاشت، گویی جان در کف نهاده و حلاج وار بر مرگ خویش لبخند می زند.

زنده یاد سلمان هراتی:

وقتی که از حرصِ حقیر داشتن دل می کنی / همه‌مۀ عشق را می شنوی / اینان که در پای بیستون
به صف ایستاده اند / راهیان عشق اند / (هراتی، ۱۳۷۶: ۷۸)

۲-۳-۴- وطن:

قبل از مولانا، تفسیر حب الوطن را به معنی رجوع به وطن اصلی و اتصال به عالم علوی، شهاب الدین سهروردی در کلمات ذوقیه یا رساله الابراج خود بدین گونه آورده است که: «بدانید ای برادران تجرید! که خدایتان به روشنایی توحید تأیید کند! فایده تجرید، سرعت بازگشت به وطن اصلی و اتصال به عالم علوی است و معنای سخن حضرت رسول علیه الصلوٰه والسلام که گفت: «حب الوطن من الایمان» اشارت به این معنی است و نیز معنی سخن خدای تعالی در کلام مجید: «ای نفس آرام گرفته! به سوی پروردگار خویش بازگرد در حالت خشنودی و خرسندی»؛ زیرا رجوع مقتضی آنست که در گذشته در جایی حضور بهم رسیده باشد تا بدانجا باز گردد و به کسی که مصر را ندیده نمی گویند به مصر بازگرد و زنهار تا از وطن، دمشق و بغداد و... فهم نکنی که این دواز دنیايند...» (سهروردی، ۱۳۴۸: ۶۳)

نکته قابل یادآوری در باب تصور صوفیه از وطن این است که اینان اگر از یک جهت پیوند معنوی خود را با عالم قدس مایه توجه به آن وطن الهی می دانسته اند ولی وقتی جنبه خاکی و زمینی برایشان غلبه می کرده از وطن در معنی اقلیمی آن غافل نمی شده اند. نمونه این دو نوع بینش را در عین القضاات می بینیم که چنین شیفته الوند و همدان است با آنکه در یک زاویه بینش دیگر، خود را از عالم ملکوت می داند. این خصوصیت را در بعضی از رفتارهای مولانا نیز می توان یافت، همان کسی که می گفت:

از دم حب الوطن بگذر مه ایست که وطن آن سوست، جان این سوی نیست
 گر وطن خواهی گذر آن سوی شط این حدیثِ راست را کم خوان غلط
 (مولوی، ۱۳۶۰: ج ۴: ۴۰۸)

وطن در شعر دفاع مقدس، عاشقانه یاد شده است. میهنی که با خون دل پیر و جوان بالیده و پای
 گرفته و به سمت استقلال در حرکت است، اینک سینه ای کباب دارد و بخشی از خاکش را دشمن
 در زیر آتش نابخردی خویش گرفته، هر لحظه فاجعه عمیق ترمی شود؛ هم وطنان از خانه و کاشانه
 اجدادی خود آواره می شوند یا حتی دیوار خانه، آرامگاه آنها می شود.

چنین که سرز خجالت به خاک می سایم ز تربت شهدای حلبچه می آیم
 ز متن فاجعه خاک و خون و خوف و خطر ز بطن آتش و دود از میان خاکستر
 من از تراکم انبوه دود می آیم ز انتهای فضایی کبود می آیم
 خراب و خسته و خونین و خرد و خشم آگین غریب و بی کس و غمگین و مات و زخم آجین
 ... خدا کند که نبینید آنچه من دیدم چگونه بود و چرا بود، من نفهمیدم
 شعرا ز بهروز یاسمی به نقل از (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۴ ۶۳)

«کرامت آبی»، غزلی از سهیل محمودی است که در آن ضمن توصیف ویرانی شهرهای جنگ زده،
 به صبر و استقامت مردم میهن خود می بالد. در توصیف رشادت ها و استقامت مردم، از عناصر طبیعت
 استفاده می کند. او حتی جهت همدردی با مردم داغ دیده، تخلص غزل خود را نام آنها می داند:

دلم شکسته تراز شیشه های شهر شماس ت شکسته باد کسی کاین چنین مان می خواست
 شما چقدر صبور و چقدر خشم آگین حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست
 شما به استواری معیار تازه بخشیدید شما نه مثل دماوند، او به مثل شماس ت
 ... میان معرکه لبخند می زیند به عشق حماسه چون به غزل ختم می شود زیباست
 شما که اید؟ صفی از گرسنگی و غرور که استقامت و خشم از نگاهتان پیدا است
 (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۱۰: ۱۰۹)

«بیداری این جامعه چنان بود که ارزش ها، هرگونه قوم گرایی، جزیره ای عمل کردن و شکاف های
 تفرقه آمیز در قالب منیت را از هم گسیخت و یکپارچه، ملت ایران را در رسیدن به یک هدف جمعی
 قرار داد که افتخار به ایثار و رشادت ها و شهادت ها قرار گرفت.» (حیدری دلگرم، ۱۳۹۰: ۵).
 عبدالملکیان، از حضور شیر زنان در جبهه می گوید که در هیاهوی جنگ، عاشقانه برای این آب

و خاک تلاش می کردند:

مادر! اینجا حضور ناب خدا جاری است / اینجا همیشه فرصت بیداری است / دیروز / در هر دم
آفتاب و آتش جبهه / یک زن به سن سال تو را دیدم / کلمن به دست / خط مقدم / از سنگری به سنگر
دیگرمی رفت / گفتم : سلام مادر / چرخ می زد و به شوق نگاهم کرد / (عبدالملکیان، ۱۳۷۴: ۱۰۸).
اگرچه شاعر دفاع مقدس، از شهر و دیار خاصی در شعرش نام می برد، اما وطن در این اشعار، به
مرزهای جغرافیایی محدود نمی شود و تمام شهرهای جنگ زده و ویران، خرمشهر نامیده می شوند.

۲-۳-۱- جهان وطنی:

«پیش از شعر انقلاب، رگه هایی از ستم ستیزی و حمایت از مظلوم را می توان در شعر مشروطه
دید، اما تفاوت آن با شعر مقاومت در این است که در شعر پس از انقلاب، تنها ایران منظور نیست؛
بلکه تمام مستضعفان و مظلومان جهان مورد توجه اند و تمام ستم کاران دنیا مغضوب و مذموم، به
همین دلیل، مردم مظلوم فلسطین و افغانستان و بوسنی و عراق در شعر مقاومت مورد حمایت اند؛
همچنان که دشمنان ستمکار آنها مورد غضب واقع شده اند.» (کافی، ۱۳۸۸: ۳۹۰)
اینک آن سوی زمین / فلسطین است و / این سوی زمین / هویزه و بستان و خرمشهر قهرمان ما / انگار
در این جغرافیای کوچک / برادری، واژه ای است که تنها باید با خون نوشت. (صدقاتگو کیاسری،
۱۳۷۲: ۳۶)

محمد جزینی زاده در شعر زیر، با مردم لبنان همدردی می کند و از سکوت جهانیان در مقابل
وضعیت جنگ زده لبنان به تندی گلایه می کند و بی دردان و آسودگان را در بی تحرکی و بی اعتنائی
همچون سنگ می بیند:

سیل می کوبد به هم خواب و خیال کوچه را اهل عالم همچو آهی بی اثر خوابیده است
یک نفر بر سر زنان واغربتاها می کند آن یکی گویی چوسنگی خوابتر خوابیده است
(جزینی زاده، ۱۳۸۶: ۸۳)

۲-۳-۵- نماد پردازی

«نماد، کلمه ای فارسی است که به معنی «فاعل» و ظاهرکننده و نیز به مفهوم نشان و علامتی
با معنای خاص آمده است. مثلاً صلیب نماد مسیحیت است. «رمز»، معادل عربی نماد است که
در زبان فارسی نیز به کار می رود. این کلمه در اصل مصدر مجرد از باب «رَمَزَ تَرَمَزُ»، بر وزن «صَرَبَ
يَصْرِبُ» و یا «نَصَرَ يَنْصُرُ» است. در زبان انگلیسی نیز به کلمه نماد، (Symbol) «سمبل» گفته می شود.
واژه نماد (رمز) در لغت، به معنای اشاره کردن با لبها، چشمها، ابروها، دست یا دهان و زبان است. در

حالی که برخی، رمز را به اشاره با لبها محدود کرده اند و بعضی برآنند که اصل رمز، همان صوت خفی است به طوری که فهمیده «راموز» نشود و عده ای معتقدند که اصل رمز تحرك است و به همین علت به دریا «راموز» گفته می شود.» (ناعمی، ۱۳۹۰: ۱۹)

«در واقع شاعران صوفی از خیلی قدیم، در اشعار خویش سخنانی می گفته اند که جز به عشق مجازی تعبیر نمی شده است. مثل آنکه از لب و خال و زلف و چشم معشوق یاد می کرده اند و یا درباره احوالی سخن می رانده اند که با آداب و ظواهر مسلمانی مناسب نمی نموده است؛ از جمله اینکه شراب و رباب و آواز و رقص و دیرو خرابات و زنار را وصف می کرده اند و البته پزداختن به این الفاظ که همه حکایت از عشق مجازی و دلالت بر لالابالی گری و اباحیگری دارد، نزد عامه مسلمین مکروه و منفور بوده است.» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۴۸)

بسیاری از غزلیات مولانا نیز دارای ساختار و زبان نمادین است و به جرأت می توان گفت که بدون آشنایی با زبان نمادین و جایگاه واژگان در ادبیات نمادین نمی توان از این نوع غزلیات مولانا بهره ای برد. «زبان نمادین مولانا تا حدود زیادی غزلیات وی را رمزآلود کرده و محتوای پیام و کلام وی را در هاله ای از ابهام و دشواری قرار داده است. شاید به سبب همین دشواری است که سخن شناسان و ادیبان از نزدیک شدن به حوزه غزلیات وی اجتناب کرده اند.» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۳۶)

شاعران در شعر دفاع مقدس از اقسام گوناگون نمادها بهره برده اند. سمبل های اختصاصی در شعر شاعرانی چون: محمدرضا عبدالملکیان، عبدالرضا رضایی نیا، یوسفعلی میرشکاک، حسن حسینی، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، طاهره صفارزاده، م. مؤید، علی موسوی گرمارودی و شاعران جوانتری که بعدها به کاروان شعر دفاع مقدس ملحق شدند، چشمگیرتر و از کارایی بیشتر و بهتری برخوردارند.

آن سینه سرخ مهاجر/ که در شب شلمچه نخست / چشم بر من و خاک بست و سپس / پرکشید و رفت...

۲-۳-۶- شادی و امید

در بین اشعار شاعران فارسی، به وفور به اشعاری برمی خوریم که ضمن داشتن درونمایه شور و نشاط، انسان را نیز به این خصلت پسندیده دعوت می کنند.

مولانا جلال الدین محمد بلخی، خود را «فرح بن فرح» می داند. «مولوی که ماضی و مستقبل را سوخته و فردای نسیه را گردن زده است از ساعت و تلوین رسته است و ابن الوقت و بل میراوقات و احوال شده است. او که جاننش در عروسی و عید کردن و نوشوندگی و گذار مستمر است، کجا اجازت

می دهد که خاشاک ملال در دلش بیاید؟» (سروش، ۱۳۸۰: ۲۵۳)

یکی از شاعرانی که در القای روحیه شادی و امید به مخاطب، اشعار موفقی از خود به جا گذاشته، محمدرضا عبدالملکیان است. «اغلب سروده های او رنگ عاشقانه با درون مایه اجتماعی دارد که با لحنی صمیمی و زبانی ساده و خوش آهنگ و به دور از ایهام بیان گردیده است. انسان و احوالات درونی او و عشق به تعالی، مضامین اصلی شعری او را تشکیل می دهند.» (محمّدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۵۳).

دیروز مادرم نوشته بود: «تا پیروزی چقدر مانده است؟/ کی به خانه باز می گردیم؟/ کلید خانه گم نشود/ کلید خانه زنگ نزند»/ ... برایش نوشتم: «مادر! پیروزی، نزدیک تر از گمان توست/ من هر صبح او را می بینم/ هر صبح برایش دست تکان می دهم/ و او هر صبح، به من لبخند می زند.»/ برایش نوشتم: «اندوه تودیری نمی پاید/ به خانه باز می گردیم»/ برایش نوشتم: «کلید خانه گم نمی شود/ کلید خانه را برگردن آویخته ام/ تا با هر تپش قلبم/ کلید پیروزی را در وجودم احساس کنم» (عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۵۶ ۵۴)

باز هم عبدالملکیان در شعرزیر، تمام عناصر جنگ را نوید شادی و امیدوار کننده می داند و حتی صدای آژیر آمبولانس ها را آواز شادی فتح خرمشهر می داند:

مژده فتح خرمشهر / در ساعت چهار بعد از ظهر / در خیابان آزادی / غریب شادمانی / در طوفان حنجره ها / وزلال اشک شوق / در سپیده چشمان شهر / ... و خط ویژه آمبولانس ها / با مجروحان جنگی / و آژیرهای پیروزی / بوی خوش حماسه مردان خرمشهر را / در خیابان آزادی می گستراند.

(عبدالملکیان، ۱۳۶۶: ۷۴)

امید و سخت کوشی ایرانیان، همواره تا به امروز، در تاریخ جهان زبانزد بوده است و این ویژگی در کنار ایمان راسخ مردم، مهم ترین عامل دفع متجاوز و شکست کینه توزان میهن ما بوده است.

۲-۳-۷- حماسه عرفانی

حماسه و عرفان، در اصل، دو مقوله جداگانه اند. حماسه عرفانی همچنین حماسه روحانی نیز خوانده شده است؛ و این بدان سبب است که در این گونه از حماسه، بیشتر، بزرگی ها و بی کرانگی های روحی عارف توصیف می شود؛ بر خلاف حماسه های اسطوره ای و پهلوانی که در آنها بیشتر، قوای جسمانی قهرمانان بازگو و بزرگ نمایی می شود.

«برای فهم رمز و راز نامیرایی و بالندگی دائمی اسطوره ها در ایران، ظرفیت های آن برای شکل

گیری ژانر حماسی - عرفانی و کارکرد بینا فرهنگی آن، باید در کنار ادبیت عناصر دیگری را نیز در نظر داشت و آن، بُعد فرهنگی آنهاست. بر پایه این فرضیه، پشتوانه این بالندگی را باید در گره خوردگی جنبه های معنوی و قدسی با شیوه و شگردهای بیانی اسطوره ای و نمادین آن دانست؛ یعنی زیبایی این متن ها فقط در گره لفظ یا محصول صرف معانی بلند آن نیست؛ بلکه نوع عجین شدن لفظ زیبا با معنای متعالی و قدسی، این جاذبه و زیبایی ماندگار را خلق کرده است.» (پورجوادی، ۱۳۶۶: ۲).

دلیل دیگر پویایی و پایداری و راز جاودانگی ادبیات فارسی را باید در پیوند ابعاد فراتاریخی با جنبه های توحیدی دین ایران باستان و آمیختگی تدریجی آن با بن مایه ها و آموزه های اسلامی و فرهنگ برآمده از آن در ادوار میانی حیات ایران زمین جستجو کرد. «این صورت بیانی ویژه و ترکیب خاص لفظ و معنا به دلیل در برداشتن مؤلفه های یاد شده، کم کم از حد سیلان بیناژانری عبور کرد و ژانر مستقل حماسه عرفانی را تشکیل داد.» (قبادی، ۱۳۸۱: ۱۲)

در ادبیات عرفانی، حماسه عرفانی در بین شاعران بزرگ رایج است اما بهترین و کامل ترین حماسه عرفانی را باید غزلیات پر شور مولانا دانست. مولانا این دو مقوله را چنان به هم گره زده که حماسه عرفانی را به کمال رسانده است و خواننده در واقع نه با عرفان محض روبرو است و نه با حماسه صرف، بلکه با نوع ادبی جدید مواجه است. در غزل زیر، رفتارهای پهلوانی و حماسی را برای عناصر عرفانی بکار گرفته است؛ در آغاز غزل، صحبت از ورود معشوقه به محفل یاران است، کم کم فضای شعر، حماسی می شود و گویی بین دولشکر عظیم، جنگی بزرگ رخ داده است:

در حلقه عشاق به ناگه خبر افتاد	کز بخت، یکی ماه رخی خوب در افتاد
چشم و دل عشاق چنان پر شد از آن حسن	تا قصه خوبان که بنامند بر افتاد
... مه با سپر و تیغ، شبی حمله او دید	بفکنند سپر را سبک و بر سپر افتاد
ما بنده آن شب که به لشکرگه وصلش	در غارت شکر همه ما را حشر افتاد
خونی بک هجران به هزیمت علم انداخت	بر لشکر هجران دل ما را ظفر افتاد

(مولوی، ۱۳۴۶: ج ۱: ۴۱۸).

حماسه عرفانی، بهترین مصداق ترکیب هویت ملی و مفاخر تاریخی ما با آموزه های دینی است.

۲-۳-۸- خودآگاهی دینی:

در یک جمع بندی کلی، بر اساس نظریات پژوهشگران و صاحب نظران، باید گفت که عرفان اصیل و مورد تأیید همگان، بدون دین قابل تصور نیست. «درباره نسبت بین عرفان و دین باید گفت

عرفان های بشری از نیازهای روحی انسان ریشه می گیرند و از این نظر وابسته به ادیان الهی نیستند، اما با دقت در فطری بودن گرایش های عرفانی و نیاز به تحریک و هدایت آن، دین نقش مهمی در پیدایی و هدایت تمایلات عرفانی دارد. از این رو عرفان هایی که در بین ادیان الهی روئیده اند، از عمق و جامعیت بیشتری برخوردارند. عرفان ناب دینی، از دعوت های مهم انبیاست و از دین ریشه می گیرد و کمال می یابد.» (حسینی سیاهکلودی، ۱۳۸۸: ۴۲)

استاد بزرگوار شهید مطهری بر ارتباط میان دین مبین اسلام و عرفان اصیل تاکید دارد و می گوید: «بعضی از مستشرقین، اصرار داشته و دارند که عرفان و اندیشه های لطیف و دقیق عرفانی، همه از خارج جهان اسلام به جهان اسلام راه یافته است؛ گاهی برای آن ریشه مسیحی قائل می شوند و می گویند افکار عارفانه، نتیجه ارتباط مسلمانان با راهبان مسیحی است، و گاهی آن را عکس العمل ایرانیها علیه اسلام و عرب می خوانند و گاهی آن را دربست، محصول فلسفه نوافلاطونی.» (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۹۵)

۲-۳-۸-۱- مکتب عاشورا:

تقدیس شهادت به مثابه یک فرهنگ اصیل و ماندگار در شعر فارسی سابقه ای دیرینه دارد و اگر اشعاری را که ذیل عنوان «مرثیه» قرار می گیرند بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که بخش اعظم این مرثی به یادکرد شهدای اختصاص دارد.

البته «آنچه بیشتر در ادبیات فارسی متداول و مرسوم است و در واقع، بخش اساسی مرثی زبان فارسی را تشکیل می دهد، همانا ذکر مصائب سالار شهیدان، حسین بن علی (ع) و اعوان و انصار آن حضرت در واقعه کربلاست که شعرای متعهد، چه شیعه و چه سنی را بر آن داشته که شعریا اشعاری درباره این حادثه دلخراش بسرایند» (رادفر، ۱۳۶۵: ۹) از مشخصات اصلی بسیاری از این مرثیه ها، آمیختگی عرفان و حماسه و تصویر جذاب و دلنشینی است که شاعران از شهادت ترسیم کرده اند. مولانا، در غزلی نغز، یاد شهدای کربلایی را که سرآمد همه شهدای تاریخ اند این گونه گرامی داشته است:

کجایید ای	شهدان	خدایی	بلاجویان	دشت	کربلایی
کجایید ای	سبک	روحان	عاشق	پرنده	تر ز مرغان
کجایید ای	زجان	و جا	رهیده	کسی	مر عقل را گوید کجایی؟
کجایید ای	در	زندان	شکسته	بداده	وام داران را رهایی

کجایید ای در مخزن گشاده کجایید ای نوای بی نوایی
(مولوی، ۱۳۶۷: ۱۰۰۴)

مولوی در این غزل زیبا، مقام شهیدان کربلا را مانند وجود عقل می‌داند که کسی قادر به وصف چند و چون آن نیست؛ مردانی که در زندان دنیا را شکسته و به فراسوی آسمانی که مرغ عقل عمق آن را دریابد پرواز نموده‌اند.

مکتب انسان ساز عاشورا و قیام تاریخی امام حسین (ع)، برنامه‌ای جامع برای تمام مکاتب و ایدئولوژی‌ها دارد. درس‌ها و عبرت‌های برخاسته از این قیام باشکوه را در هیچ کجای تاریخ نمی‌توان سراغ گرفت.

«هرکسی از ظن خود به عاشورا نظر کرده است و عرفا نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ چه، آنان حوادث طبیعت و جهان را از دیدگاه عرفانی می‌بینند، لذا عاشورا را هم از این منظر مورد ارزیابی قرار داده‌اند تا با ارائه شاهدی چون عاشورا، بر حقانیت طریقت صحّه بنهند» (قنبری، ۱۳۸۱: ۲۹۶).

تقدّس خاک جبهه و ارج و اهمیت جهاد در جنگ تحمیلی موجب شد تا حضور در این سرزمین مقدس و مبارزه با شیطان استبدادگر، همچون سفر به کربلا باشد و شهادت در جبهه، پیوستن به خیل شهدای عاشورا محسوب گردد.

ساعد باقری زندگی در فراغ یاران سفر کرده و به خواب دیدن کربلا را سرنوشتی بسیار غم‌انگیز می‌داند:

آید گرانم از خود این ماندن و ز یاران چونین سبک به رفتن، پای شتاب دیدن
تعبیر خونشان کن یا رب! به فتح یاران دیدار کربلا را تا کی به خواب دیدن؟
(باقری، ۱۳۶۸: ۳۶)

مرحوم سید حسن حسینی، در کتاب «همصدا با حلق اسماعیل» بخشی را به طور مجزّأ به عنوان «رباعیات عاشورایی» نامیده و در آن به شرح رشادت‌های رزمندگان دفاع مقدس در سایه قیام عاشورا پرداخته است. قیامی که الگویی بزرگ برای قیام آزادی خواهانه و صلح طلبانه تمام مسلمانان بوده و هست. این بخش از سروده‌ها از صفحه ۱۰۲ تا ۱۷۵ کتاب است. از این رباعیات، ۵۱ رباعی اختصاصاً به موضوع کربلا و شهادت متعلّق است.

۲-۳-۸-۲- انتظار موعود

تعهد دینی شاعر، موجب می‌شود تا او پا به پای مخاطبان خویش پیش رفته و لحظه‌ای هم نوعان

خود را فراموش نکند. شعر دفاع مقدس، به ویژه در سالهای جنگ تحمیلی، لبریز از حس امید به پیروزی و فتح است. شاعر برای بیان این نکته مهم از امام زمان (عج) یاری می‌گیرد و ظهور او را به رزمندگان اسلام نوید می‌دهد.

مرحوم حسن حسینی در غزل «وارث نور»:

صبحی دگر می‌آید ای شب زنده داران
از بیکران سبز اقیانوس غیبت
آید به گوش از آسمان: این است مهدی (عج)
با تیغ آتش می‌درد آن وارث نور
از بیشه زار عطرهاى تازه آید
آهنگ میدان تا کند او، بازماند
(حسینی، ۱۳۶۳: ۲۹، ۲۸)

و در دوبیت بعد، درمندان و بی‌قرار، آرزوی ظهور امام زمان (عج) را بیان می‌کند:

آینه‌ آیین حق، ای صبح موعود!
دیگر قرار بی تو ماندن نیست در دل
ماییم سیمای تو را آینه داران
کی می‌شود روشن به رویت چشم یاران؟
(همان: ۲۹)

۳- نتیجه‌گیری:

جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران، یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ بود که اگرچه خسارات بسیاری برای هر دو طرف در پی داشت، اما همواره خاری در چشم بدخواهان این مرز و بوم به حساب می‌آید و اسناد آن برگه‌ای از هویت ملی و دینی مردم ایران به حساب می‌آید. شعر دفاع مقدس، با آغاز جنگ شروع می‌شود و همچنان ادامه دارد. در این شعر، آرمان‌های ملی و فرامرزی به اوج می‌رسد و تمام سبک‌های ادبی گذشته از این آینه عبور می‌کنند. شعر عرفانی قدیم نیز از این قاعده مستثنی نیست. شاعران دفاع مقدس با بهره‌گیری از عناصر شعر عرفانی گذشته، دست به خلق آثاری ماندگار زدند و حال و هوای جبهه را با لحظات ناب عارفانه ترکیب نمودند. هویت ملی ما عبارت است از: پاسداری از مرزهای جغرافیایی، حراست از قلمرو سیاسی کشور، بالیدن به تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی، دفاع از توانمندی‌های فرهنگی کشور و... که همگی در قالب عرفانیات شعر دفاع مقدس متجلی شده‌اند. حتی نگرش شاعر دفاع مقدس به شعر عرفانی قدیم، خود نوعی رجوع

به هویت غنی ملی است. چرا که عرفان واقعی، آیینی است که از دین مبین اسلام ریشه گرفته و در مکتب دانشمندان و عالمان گرانقدر در طول تاریخ ایران زمین انتشار یافته است.

فهرست منابع و مآخذ

الف- کتاب:

- ۱- الطایبی، علی. (۱۳۷۸). بحران هویت قومی در ایران. چاپ اول. تهران: شادگان.
- ۲- امین پور، قیصر. (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور. چاپ اول. تهران: مروارید.
- ۳- ترابی، ضیاالدین. (۱۳۶۹). گلوی عطش. (مجموعه اشعار)، چاپ دوم. تهران: برگ.
- ۴- جرجانی، میر سید شریف. (۱۳۷۷). تعریفات. ترجمه حسن سید عرب و سیما نوربخش. چاپ دوم. تهران: فرزاد.
- ۵- جزینی زاده، محمد. (۱۳۸۶). فصل خوش انتظار. چاپ اول. بم. هفتواد.
- ۶- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). هویت ایرانی. چاپ اول. تهران. پژوهشگاه مطالعات استراتژیک.
- ۷- حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۸۴). دیوان حافظ. تصحیح علامه محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ نهم. تهران: زوار.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۷). ارزش میراث صوفیه. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- ۹- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۰). قصه ارباب معرفت. چاپ اول. تهران: صراط.
- ۱۰- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- ۱۱- سهروردی، شیخ شهاب الدین. (۱۳۴۸). مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق. تصحیح سید حسین نصر. تهران: انتشارات انستیتو ایران و فرانسه.
- ۱۲- شاهرخی، محمود. (۱۳۷۰). در غبار کاروان. چاپ اول. تهران: کیهان.
- ۱۳- صداقتگو کیاسری، مرتضی. (۱۳۷۳). زیتون و سنگ. چاپ اول. تهران: حوزه هنری
- ۱۴- صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۶). دیدار صبح. چاپ اول. شیراز: نوید شیراز.
- ۱۵- عبدالملکیان، محمدرضا. (۱۳۷۴). ردپای روشن باران، چاپ اول، تهران: نشر دانیوش
- ۱۶- عطار، فریدالدین. (۱۳۶۲). دیوان اشعار. تصحیح تقی تفضلی، چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۷- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان، ۴ جلد، چاپ اول.

تهران، قطره.

۱۸- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). آشنایی با ادبیات انقلاب اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.

۱۹- کرجی، علی. (۱۳۷۵). اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن ها با یکدیگر. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۰- گلمرادی، شیرینعلی. (۱۳۷۹). صداهای شهیدستان، چاپ اول. تهران: شاهد.

۲۱- محمدی روزبهانی، محبوبه. (۱۳۸۹). قسم به نخل، قسم به زیتون، (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین)، چاپ اول. تهران. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.

۲۲- محمودی، ثابت. (سهیل) (۱۳۷۷). فصلی از عاشقانه ها. چاپ دوم. تهران: جمهوری.

۲۳- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰). خون نامه خاک. چاپ دوم. تهران: موسسه کیهان.

۲۴- مولوی، مولانا جلال الدین محمد. (۱۳۶۰). مثنوی معنوی. تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ اول. تهران: انتشارات مولی.

۲۵- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۵۸). قحط خورشید. (گزیده غزلیات دیوان شمس) به انتخاب نیکلسون. افسست ایران به اهتمام مجید روشنگر. تهران: مروارید.

۲۶- ناعمی، زهره. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل ادبی و جامعه شناختی نمادهای دینی در شعر شیعه قرن اول تا پنجم. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه تاریخ اسلام،

۲۷- هراتی، سلمان. (۱۳۶۷). دری به خانه خورشید. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.

۲۸- هراتی، سلمان. (۱۳۷۶). از آسمان سبز. چاپ دوم. تهران: حوزه هنری.

(ب)- مقالات

۱- پورجوادی، نصرالله. «حکمت دینی و تقدس زبان فارسی». نشر دانش. سال ۸. ش ۴۴ (ص ۱۵-

۲).

۲- حسینی سیاهکلودی، سیدقوام الدین، «عرفان و دین»، فصلنامه پیام، ش ۹۵، (ص ۳۳ تا ص ۴۸).

۳- شریف پور، عنایت الله و نرگس موحدی. «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس». نشریه

ادبیات پایداری. ش ۱. (ص ۱۱۲-۸۹).

۴- فیاض منش، پرند. «بررسی موضوعات، مضامین و قالب های شعر جنگ». فصلنامه پژوهش

زبان و ادبیات فارسی. دوره جدید. ش ۱. (ص ۱۲۸-۱۱۳).

۶- قبادی، حسینعلی، «حماسه عرفانی یکی از انواع ادبی در ادب فارسی». مجله پژوهش زبان و

- ادبیات فارسی. دورهٔ جدید. س. ۱. ش. ۱. (ص ۱۴-۱)، (۱۳۸۱).
- ۷- نظری، نجمه و صغری سادات جعفرنیا. «انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه های شعر دفاع مقدس». فصلنامه بهار ادب. سال سوم. شماره اول. (ص ۷۷-۶۱).
- ۸- یوسفی، علی (۱۳۷۹)؛ «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها (میزگرد)». فصلنامه مطالعات ملی. ش ۴، (ص ۶۱-۱۱).

تلفیق هویت ملی، دینی و تاریخی و کارکرد آن در شعر دفاع مقدس

اکبر شامیان ساوکلای، دانشیار دانشگاه بیرجند
غلامرضا حسنی، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

اندیشه ایرانی و هویت ناب دینی، شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را بر آن داشته تا با واژه‌گزینی‌های مناسب، اسطوره‌های نور با اسطوره‌های کهن تلفیق کنند و بدان طریق، روح حماسی را در کالبد جامعه ایران اسلامی بدمند. بخش قابل توجهی از شعر این شاعران را عناصر دینی به ویژه واقعه کربلا، روایات کتب آسمانی و تفاسیر آن مانند منجی موعود و روایت دجال تشکیل می‌دهد. هم‌چنین، عناصر اساطیری و حماسی ایران و آن‌چه برگرفته از شاهنامه فردوسی است چون داستان ضحاک، آرش، مضمون رویین تنی و اژدهاکشی در سروده‌هایشان مشهود است. برخی شخصیت‌های تاریخی معاصر که منطبق بر الگوهای اساطیری است مانند امام راحل، میرزای جنگلی و هیتلر نیز مدنظر شاعران بوده است. تلفیق عناصر ملی و دینی عمدتاً به هدف تبیین مضامین شهادت‌طلبی، اهریمن‌ستیزی، نجات‌بخشی و میهن‌خواهی صورت می‌گیرد. درآمیختگی این عناصر و سازواری آن با رخدادهای تاریخی، با تکیه بر عامل اصلی مذهب، در تحکیم همبستگی ملی-دینی ایرانیان و تشجیع ملت در جریان انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس تأثیر به‌سزایی داشته است.

کلید واژه‌ها: هویت، اسطوره، مذهب، شعر معاصر، دفاع مقدس.

۱- مقدمه

ملت بزرگ ایران در طول ادوار متمادی، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و برای حفظ فرهنگ ملی و هویت دینی خود و دفاع از کیان سرزمین مادریش متحمل رنج‌های زیادی گشته است، اما همواره رشادت‌ها و دلاوری‌های شیرمردان ایرانی باعث مجد و عظمت این سرزمین گردیده است. رفتار پیروزمندانه پهلوانان و قهرمانان ملی و دینی، چه به صورت مکتوب و چه شفاهی، نسل به نسل و سینه به سینه بازگو می‌شده و به صورت ناخودآگاه، روحیه اتحاد و انسجام ایرانیان را بارور و شکوفا ساخته و باعث ماندگاری و مصونیت آنان از گزند حوادث روزگار شده است. هویت ایرانی مرکب از همه عناصر ملی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مشترکی است که از دیرباز به هم پیوند خورده است. در آمیختگی بسیاری از عناصر ملی و مذهبی در شعر شاعران دفاع مقدس مشهود و نمایان است. به عنوان مثال، وقتی از وطن می‌گویند، منظورشان ایران معاصر است که در وصف آن، هم مختصات فرهنگ ملی را مدنظر دارند و هم از ایرانی سخن می‌گویند که نام خیابان‌هایش را شهیدان مزین کرده‌اند و عشق به شهادت در عمق جان مردانش رسوخ نموده است. در واقع، شاعران انقلاب زبان گویای مردمی هستند که با دفاع جانانه در برابر همه اهریمنان ایستاده‌اند و زبان این شعر در آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی ریشه دارد. شاعران انقلاب، عظمت و قداست دلاورمردان عرصه جنگ و جهاد در جبهه‌ها را در یاد و خاطر ایرانیان و جهانیان ماندگار کرده و در ایستادگی ملت ایران در برابر شیاطین روزگار نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.

۱-۱- بیان مسأله

در بحث از پیوستگی هویت ملی و دینی در ایران برخی متفکران مانند شریعتی در کتاب بازگشت به خویشتن و شایگان در افسون‌زدگی جدید اشاره کرده‌اند که گاه عناصر ایرانی و اسلامی به هم نزدیک می‌شوند و به وحدت می‌رسند و این امر می‌تواند جامعه را از بیماری الیناسیون (تسلیم شدن در برابر فرهنگ بیگانه) برهانند. جلال آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی به لزوم حفظ هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان به مثابه مؤثرترین ابزار و ایدئولوژی مستحکم در برابر تمدن غرب اشاره می‌کند. مسلماً شاعران آگاه که همواره احساس می‌کنند هویت فرهنگی‌شان در معرض خطر است، بر به کارگیری مفاهیم و عناصر ملی و مذهبی تأکید می‌ورزند و حتی اسوه‌های تاریخی عصر را با آن مفاهیم پیوند

می دهند تا با گفتمانی واحد علیه مواضع بیگانه بایستند. در دوران دفاع مقدس، شاعران توانستند الگوهای اساطیری و فرهنگ گذشته ایران و اسلام را در بیان رشادت های رزمندگان در اشعارشان متجلی سازند. گاه اشعار این عصر یادآور فضای حماسی شاهنامه فردوسی و دربردارنده ذکر نام پهلوانان باستانی ایران بوده است. رنگ عاشورایی و توجه به باورهای دینی هم در شعر دفاع مقدس بسیار درخشان است.

۱-۲- سؤال و فرضیه

نگارنده در این تحقیق در پی آن است که بداند شاعران دفاع مقدس چگونه توانسته اند هویت ملی، مذهبی و تاریخی خود را در شعرشان بگنجانند و با هم تلفیق کنند و بدان وسیله چه مضامینی را بیان می کنند؟ با مطالعه اجمالی در شعر شاعران دفاع مقدس، چنین به نظر می آید که توجه به هویت ملی و مذهبی و تلفیق آن غالباً مبتنی بر فرهنگ عاشورایی و روایات حماسی شاهنامه است و مهم ترین کارکردهای این سازواری را در بیان اندیشه های آزادی، میهن خواهی، اهریمن ستیزی، شهادت و جاودانگی می توان مشاهده کرد. از آن جایی که باید به منظور تبیین وحدت ملی و دینی مردم ایران، تحقیقات گسترده ای صورت بگیرد تا نتایج پژوهش ها، علمی تر، دقیق تر و مطمئن تر باشد؛ لذا انجام چنین پژوهشی در گام نخست ضرورت دارد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در خصوص بازتاب عناصر اساطیری و حماسی در شعر انقلاب و دفاع مقدس، پژوهش های مختصری صورت گرفته، اما در کمتر تحقیقی پیوند اساطیر ملی و دینی در ایجاد هم بستگی اقوام ایرانی و بازتاب آن در شعر معاصر مورد بررسی قرار گرفته است. محمدرضا سنگری در کتاب نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس جایگاه اساطیر ملی را در شعر این دوره تبیین کرده است. هم چنین، وی در کتاب ادبیات دفاع مقدس نیز به تلفیق شاعرانه و هنرمندانه عناصر ملی، دینی، تاریخی و عرفانی در اشعار، داستان ها و نمایش نامه های دوره جنگ اشاره کرده، اما نمونه یا تحلیلی نیاورده است. مهوش واحد دوست در مقاله «بازنمایی عناصر اساطیری-حماسی همبستگی ملی در شعر دفاع مقدس» به نقش اساطیر ملی ایران بویژه روایات برگرفته از شاهنامه در شعر دفاع مقدس اشاره نموده است. در پایان نامه ای با نام «بررسی نماد در شعر معاصر با تاکید بر آثار سلمان هراتی و سید حسن حسینی و طاهره صفارزاده» به قلم صدیقه رسولیان آرانی، از نقش نمادهای اساطیری در

شعر انقلاب سخن گفته شده است. با این حال، در این پژوهش‌ها گذشته از نقد عناصر ملی، روایات مذهبی و اساطیر عصر مدرن و نیز چگونگی تلفیق این عناصر بررسی نشده و مهم‌تر از همه، کارکرد آن‌ها در جریان شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مورد ارزیابی قرار نگرفته است.

۲- بحث و بررسی

در ادبیات فارسی همواره شاعران ضمن توجه به مضمون ملی‌گرایی و تفکر حماسی، از آبخورهای فرهنگ دینی و معرفتی به ویژه آموزه‌های دین مبین اسلام سود جسته‌اند. در سروده‌های فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ تلفیق عناصر ملی و دینی به زیباترین وجه نمود یافته است. چنان‌که مثلاً شاعر می‌گوید: «شیر خدا ورستم دستانم آرزوست». در ادبیات عصر انقلاب اسلامی هم هویت دوگانه اسلامی- ایرانی شاعران ما در شعرشان مشهود است. در شعر دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی، شاعران برای ایجاد وحدت و حفظ فرهنگ اسلامی و ایرانی، اشعاری سروده‌اند که دربردارنده عناصر اساطیری و حماسی ایران و نیز روایات و شخصیت‌های فرهنگ اسلامی هستند. شعر دفاع مقدس که خود در زمره ادبیات پایداری است، سرشار از روح و تفکر حماسی و بازگوکننده ناخودآگاه قومی و مذهبی شاعران معاصر ایران است، شعری که به منظور مبارزه و مقاومت در برابر متجاوزان سروده شده و به هدف پاسداشت باورهای دینی و ملی شکل یافته است.

شاعران انقلاب اسلامی در زبان و اندیشه خود گاه به استفاده از عناصر ملی، دینی و تاریخی - به مثابه اسطوره‌های عصر مدرن - روی می‌آورند. برای مثال، در بحث از اسطوره نجات بخشی، این شاعران ضمن اشاره به آرش یا سوشیانت، از مهدی موعود و شخصیت‌های تاریخی عصر جدید همچون رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) نیز سخن می‌گویند.

شاعران به هنگام ذکر عناصر ملی، به سبب صلابت اندیشه دینی و اسلامی، خودآگاه یا ناخودآگاه عناصری از روایات دینی را با اساطیر ملی تلفیق می‌کنند و این در حالی است که در اشاره به عناصر دینی، کمتر به یاد عناصر ملی می‌افتند. این شاعران به هنگام نقل عناصر دینی، تنها تفکر اسلامی را مدنظر ندارند بلکه برخی اشارات و روایات کتاب مقدس را هم پیش چشم دارند و با روایات اسلامی درمی‌آمیزند. برای مثال، می‌توان به بحث میوه ممنوعه اشاره کرد که در آن شاعر هم به گندم و همه به سبب توجه دارد. غیر از این، در بحث از شخصیت‌ها و وقایع تاریخی معاصر، عمدتاً نگاه شاعران به سوی روایات دینی می‌چرخد و به تلفیق این عناصر دست می‌زنند. در اندک نمونه‌ها نیز همبستگی سه عنصر ملی، دینی و تاریخی تأمل برانگیز است.

نگارندگان در این مقاله به اجمال اشعاری را که شاعران دفاع مقدس در آن به تلفیق عناصر و روایات ملی، دینی و تاریخی پرداخته‌اند، بررسی می‌کنند. در این بحث سخن ما بیشتر بر سر سروده‌هایی است که در آن‌ها شاعران دو یا سه نمونه از این عناصر را پیوند داده و در شعرشان بازتاب داده‌اند. در سروده‌های شاعران انقلاب اسلامی نمونه‌های فراوانی از پیوند هویت‌های ملی، دینی و تاریخی را می‌توان بازجست^۱، اما در این پژوهش به سبب پرهیز از اطاله کلام، برخی نمونه‌ها به اختصار آورده شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین موضوع پیونددهنده میان اسطوره‌ها و روایات ملی، دینی و تاریخی در شعر دفاع مقدس همانا بحث شهید و فرهنگ شهادت است و پس از آن می‌توان به نجات بخشی، میهن خواهی و اهریمن-ستیزی اشاره کرد.

۲-۱- فرهنگ شهادت

آن چه در شعر شاعران دفاع مقدس نمودی بارز دارد، موضوع جنگ تحمیلی و ستیز علیه تجاوزگران بعثی و بن‌مایه مهم شهادت است که خود، فضایی حماسی بر اشعار این دوره حاکم کرده است. در این سروده‌ها به هنگام یادکرد از پهلوانان و دلاوران عرصه دفاع مقدس، عرفان و اعتقاد دینی با تفکر اساطیری و حماسی درهم آمیخته است. نکته مهم آن است که فرهنگ شهادت از جلوه‌های تفکر حماسی است و این تفکر با تمام ابعاد وجودی‌اش، در دفاع از کیان و هویت فرهنگی و سیاسی مردم ایران همواره در طول تاریخ تکرار شده است.

مسلمانان از سیاوش شهید تا حلاج بردارفته و از عروج مولا علی (ع) تا شهادت طلایه داران انقلاب و جبهه‌های حق علیه باطل، همگی فصل الخطاب بیداری و عشق و جاودانگی‌اند و در زبان شاعر، آیین حماسه خونین و تکرار ازلی مفهوم از خویش رستن و به حق پیوستن را زمزمه می‌کنند. «اسطوره شهید در شعر شاعران هر لحظه بازتاب دارد و تکرار می‌شود...» (رشیدیان، ۱۳۷۰: ۱۳۷)، اما مهم‌ترین عاملی که به ترویج فرهنگ شهادت کمک شایانی کرده، بدون تردید قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و واقعه عاشورا است که خود به تنهایی موضوع پژوهشی مستقل می‌تواند باشد. «در شعر دفاع مقدس هیچ موضوعی روشن‌تر و درخشان‌تر از عاشورا حضور ندارد. کربلا، عاشورا، عطش، حسین، خون، نام یاران و نمادها و نمودهای این حادثه بزرگ مثل خونی در رگ شعر جاری است» (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۳). این امر در شعر انقلاب و دفاع مقدس چنان گستردگی دارد که حتی شاعران در سروده‌هایشان به تاسی از شهادت امام حسین (ع) و یاران وفادارش کوشیده‌اند تا شعر عاشورایی بسرایند؛ چنان که مثلاً میرزازاده در دفتر لیلۃ القدر اشعاری را به عاشورا اختصاص داده یا سیدحسن

حسینی برخی رباعیات خود را عاشورایی خوانده است.

ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورایی و تأثیر آن در شعر دفاع مقدس عبارت از واقعه کربلا، داستان خیزران و روایت سربریده حضرت، داستان ولایت مداری حضرت ابوالفضل (ع)، صبر و استقامت حضرت زینب (س) و نظایر آن است. اما، به هنگام بحث از فرهنگ شهادت و شعر عاشورایی گاه شاعران به تلیق آن با عناصری از روایت تاریخی یا ملی توجه کرده‌اند. حسینی در شعر «بهاریه» رهبری و قیام بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی را به رهبری و قیام سیدالشهدا پیوند زده است (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱). شاعران دفاع مقدس عمدتاً در بحث از قیام امام حسین (ع) و شهادت ایشان، همواره به یاد شهادت رزمندگان و جان‌برکفان جبهه‌های نور علیه ظلمت می‌افتند و نه تنها از شهدای جنگ یاد می‌کنند که شهدای انقلاب و شهدای ترور مانند شهدای هفتم تیر و امثال آن را در امتداد خون آن مظلوم تاریخ به شمار می‌آورند:

در امتداد پرسش تاریخی حسین فواره‌های خون شما بهترین جواب
(همان، ۱۳۸۸: ۲۴)

سخن‌گفتن از فرهنگ شهادت در شعر شاعران انقلاب ابعاد دیگری نیز دارد. از عناصر دیگر ترویج این فرهنگ، توجه به وقایع تاریخی همچون قیام سرداران است که در آن، روحیه مبارزه و شهادت طلبی دل‌آور مردان جنگ تحمیلی و شهیدان واقعه کربلا با قیام سرداران نسبت یافته است. از آنجا که این قیام بر مبنای مبارزه علیه ظلم و احقاق حق بوده و قیامی شیعی تلقی می‌شده (صفا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۳۲)، چندین بار در سروده‌های سید حسن حسینی بدان توجه شده است. وی رزمندگان اسلام را همچون سرداران پنداشته که در برابر مهاجمان بعثی گوئی به رزم با قوم تاتار رفته‌اند و نه تنها پاسداران نهضت حق که حتی یار وفادار رسول عصر (خمینی) محسوب شده‌اند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵). شاعر در این نمونه‌ها به هنگام بحث از واقعه تاریخی سرداران، عناصری از فرهنگ دینی و مسائل عصر خویش چون دفاع مقدس را با آن ترکیب می‌کند.

از دیگر عناصر تبلیغ فرهنگ شهادت، توجه به روایت اسطوره‌ای ققنوس است. این پرنده که خود «نماد جاودانگی و عمر دگر بار تلقی شده و داستان حیات و مرگش با سوختن و تولد جوجه‌هایش از خاکستر همراه است» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۳۴۱)، موضوعی بس جالب و ویژه برای شاعران انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری به حساب آمده است. جواد محدثی در اشعارش امام حسین (ع) و قیام و شهادت ایشان را به ققنوسی مانند کرده که پس از قرن‌ها یاد او و یاران و پیروانش همواره زنده می‌ماند: حسین بود آن‌که مشعلی برای انقلاب افروخت / و عاقبت به راه دین / درون آتشی که شعله می‌کشید

سوخت... کنون محرم است و ماه درس ها/ و یاد آن حماسه های جاودان/ حماسه حسین و یاوران او/ دوباره زنده می شود (محدثی، بی تا: ۱۹)

محمدکاظم کاظمی در دفتر شعر «پیاده آمده بودم» با تعبیری زیبا به وصف شهید پرداخته و وی را به طور ضمنی ققنوس خطاب کرده است (رک: حسن لی، ۱۳۸۶: ۴۳۷). سلمان هراتی نیز شهید حسین پرنیان از هم زمان خود را به مرغ آتش بال یا همان ققنوس تشبیه کرده و در این بیان شاعرانه با تلفیق عناصر مملی و تاریخی، بر این عقیده پای فشرده که هر شهید بسان ققنوسی است که پس از شهادت، مبارزان و شهادت طلبان دیگری را به عرصه نبرد می فرستد، مانند جوجه های ققنوسی که از پس سوختنش متولد می شوند:

ای شهید ای جاری گلگون

رفته ای با اسب خونین یال جای از پندار ما بیرون

ای شهید، ای مرغ آتش بال...

(هراتی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

۲-۲- ظهور منجی (نجات بخشی)

بن مایه قهرمان موعود و تفکر نجات بخشی که در ادبیات و فرهنگ ملل جهان شناخته و مشهور است (رک: راشد محصل، ۱۳۸۱)، در ادبیات معاصر ایران جلوه ای خاص دارد. شاعران متعهد در ادبیات معاصر به ویژه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همواره به احیا و بازسازی اسطوره نجات بخشی و قهرمان موعود توجه نشان داده اند و از آن طریق کوشیده اند تا قیام رهبران دینی و تاریخی خویش را توصیف کنند. طاهره صفارزاده در اشعارش بویژه در بیعت با بیداری به تجلیل از امام خمینی (ره) و حرکت نجات بخش او پرداخته و در جایی گفته است:

بازآ بازآ/ ای مهربان معلم بیداری/ ای رهبر نبرد رهایی... (صفارزاده، ۱۳۶۵: ۲۳)

سید حسن حسینی در شعر «وارث نور» مضمون انتظار ظهور را بازسازی کرده و ضمن آن شعر، حضور بنیانگذار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) را نشانه ای از ظهور منجی موعود برشمرده است:

ای باغبان باغ پر بار امامت بوی تو دارد پیر بیدار جماران

(حسینی، ۱۳۸۸: ۳۲)

هراتی در شعری با نام «میرزا و جنگل» به ستایش میرزا کوچک خان جنگلی و حرکت تاریخی وی

در حکم منجی وقت پرداخته و این مبارز را تالی صدق منجی موعود دانسته است (هراتی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۵). در این شعر میرزا سواری نشسته بر اسبی توصیف می‌شود که رد پای او تا همیشه تاریخ پابرجاست. شاعر کوشیده است تا مبارز مشهور میرزا کوچک-خان را که از سرزمین او و جنگل‌های سرسبز شمال ایران برخاسته، با اسطوره موعود درآمیزد.

در نمونه‌ای دیگر، به هنگام سخن از منجی، روایت اسطوره‌ای بیژن و چاه ظلمانی او پیش چشم شاعر جلوه می‌کند و سپس رستم در حکم نجات‌بخش به ذهن او تداعی می‌شود. مطابق روایت شاهنامه، چون «کیخسرو به جام گیتی نما نگریست و بیژن را در چاهی در سرزمین توران گرفتار دید، رستم را فراخواند و رستم به پایمردی منیژه پهلوان ایرانی را از چاه تاریک رهایی بخشید» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۳۹-۱۴۰). در شعر «فریاد» سیدحسن حسینی با استفاده از همین روایت بیژن و رستم که عمده‌ترین مفهوم آن دستگیری از مظلومان تاریخ است، فریادرسی رهبر کبیر انقلاب و بینانگذار جمهوری اسلامی را به تصویر می‌کشد که به سان رستم می‌خواهد تا او (شاعر) و دیگر مردم ایران را از ظلمت نظام ستم‌شاهی برهاند (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۷). این شعر نمونه‌ای جالب از تلفیق عناصر ملی و تاریخی است که مضمون قهرمان نجات-بخش را بازگو می‌کند.

۲-۳- برادرکشی

در ادبیات ایران موضوع برادرکشی از بن‌مایه‌های مشترک در روایات ملی، دینی و تاریخی قلمداد شده و در شعر و نثر فارسی مکرراً بازتاب یافته است. روایت شاهنامه از داستان ایرج که به دست برادرانش سلم و تور کشته می‌شود، قصه هابیل و کشته شدنش به دست قابیل براساس روایات کتب آسمانی، جنگ مداوم بشریت از جمله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و نظایر آن از نمونه‌های مهمی است که شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بدان توجه دارند.

در شعر این دوره، جنایتکاران و قاتلان تاریخ بسان قابیلیان عصر تصویر شده‌اند که البته دیگر انسان‌ها ناچار از زیستن در کنار آنانند. هراتی در یک دوبیتی از مجموعه از آسمان سبز (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۴۴) و حسینی در شعر «عریان» از مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰) به انتقاد از متجاوزان بعثی -که گویی برادران مسلمانند- و دیگر زورگویان تاریخ پرداخته‌اند و در بیان این موضوع به اسطوره هابیل و قابیل اشاره کرده‌اند. محمدعلی معلم دامغانی، از شاعران

صاحب سبک انقلاب اسلامی، در بخشی از مثنوی بلند «هجرت» که در مدح حضرت امام خمینی سروده شده، (ره) به زیبایی روایت هایبل و قابیل را با حادثه عاشورا تلفیق کرده است:

شب گیر غم بود و شبیخون بلا بود

قابیلیان بر قامت شب می تنیدند هر روز عاشورا و هرجا کربلا بود

هایبلیان بوی قیامت می شنیدند

(معلم دامغانی، ۱۳۶۰: ۴۳)

۲-۴- میهن خواهی

بن مایه دفاع از میهن و عشق به وطن، گذشته از توصیه های فرهنگ دینی (حب الوطن من الایمان)، از موضوعات مهم شعر حماسی فارسی تلقی شده است. در دوران معاصر نیز شاعران دفاع مقدس به هنگام جنگ تحمیلی و پس از آن، با عشق و خلوص انسانی خویش به تبلیغ فرهنگ میهن پرستی پرداخته اند. این شاعران در پی تعهد و رسالت خویش، رزمندگان را به دفاع از مام میهن ترغیب کرده اند و آن ها را با قهرمانان و پهلوانان ملی و دینی همسان شمرده اند. وقتی رزمنده ای با دلاوری و شجاعت در صحنه نبرد با دشمن بعثی می جنگد، تفکری حماسی تحقق می یابد، چنان که بسان قهرمان اسطوره ای که به دفاع از هویت و کیان سرزمین خویش برخاسته جلوه می کند. شاعران ادبیات پایداری دفاع از کشور را هم وظیفه دینی و هم ملی دانسته و مستقیم یا غیرمستقیم آن را در سروده های خویش بازتاب داده اند.

از روایات ملی میهن خواهی در شعر معاصر که هم پیش از انقلاب و هم پس از پیروزی انقلاب مدنظر شاعران بوده، داستان آرش کمانگیر است. «داستان آرش در اوستا آمده و در فرهنگ ایرانی یکی از ایزدان به شمار می رود. مطابق منابع ایرانی، آرش مردی حکیم بود که از فراز کوه البرز تیری سرنوشت ساز را به کار گرفت و هستی خویش را بر سر تیر نهاد تا ایران را از اهریمنان برهاند. تیر او را ایزد باد در سرزمین فرغانه بر تنه کردی کهنسال فرود آورد و آن جا مرز ایران و توران شد» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۴۲-۴۳). با آن که داستان آرش در شاهنامه نمود چندانی ندارد، شاعران معاصر گویا پس از بازروایی و بازنویسی احسان یارشاطر در مجموعه داستان های ایران باستان به سال ۱۳۳۱ از این روایت آگاهی یافتند (هنوی، ۱۳۸۳: ۱۲۶). غیر از منظومه های مستقلی چون «آرش کمانگیر» سیاوش کسرایی و «حماسه آرش» مهرداد اوستا، در سروده های شاعران معاصر و دفاع مقدس به صورت نماد یا تلمیح به این روایت اسطوره ای برمی خوریم. سلمان هراتی در یکی از اشعارش که به ستایش از وطن پرداخته،

ضمن بیان عبارت «درخت گردوی کهنسال» به اسطوره‌آرشی اشاره‌ای غیرمستقیم دارد (هراتی، ۱۳۸۸: ۹). نصرالله مردانی در دفتر خون‌نامه خاک به ستایش دلاورمردان عرصه دفاع پرداخته و با بیانی هنرمندانه آنان را به سان آرشی و نیز فاتح خیبر تصویر کرده، یعنی اسوه‌های تاریخی را با عناصر فرهنگ ملی و دینی درآمیخته است:

جنگ جویان دلاور پیشتازان دلیر
با سلاح کاری الله اکبر می‌روید
آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
پیروان راستین فاتح خیبر به پیش

(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

از زیباترین نمونه‌های تلفیق عناصر ملی، دینی و تاریخی در بیان مضمون میهن‌خواهی و وصف سرزمین دلاور-پرور ایران، شعر «دوزخ و درخت گردو» منقول در مجموعه از آسمان سبز سروده سلمان هراتی است. شاعر در بند پایانی این شعر که تماماً در ستایش مام میهن سروده شده (هراتی، ۱۳۸۸: ۱۵)، هنر خویش را در پیوند دادن اسطوره‌رویین تنی اسفندیار، دلاوری حضرت امیرالمؤمنین، قیام و رهبری امام راحل و همچنین جوان مردی پهلوانانی چون پوریای ولی، نشان داده است.

۲-۵- اهریمن‌ستیزی

مضمون جنگ با اهریمنان و بن‌مایه مشهور نبرد خیر و شر در آثار ادبی ملل جهان همواره بازتاب داشته و در شعر و ادبیات ایران البته جایگاهی در خور توجه یافته است. گذشته از اعتقادات دینی و دستور دین مبین اسلام مبنی بر جهاد و جنگ با دشمنان و بیگانگان متجاوز، در اندیشه‌های اساطیری و حماسی ایران نیز مضمون غلبه بر اهریمن و مصادیق آن چون دیو و اژدها بسیار تکرار شده است. در ادبیات معاصر ایران شاعران در طی جنگ تحمیلی برای ایجاد وحدت و حفظ هویت ملی و دینی، دفاع از مرزهای ایران را مورد توجه قرار داده و رزمندگان را به نبرد با اهریمنان و بعثیان متجاوز برانگیخته‌اند.

شاعران دفاع مقدس نه تنها رزمندگان اسلام را به نبرد با متجاوزان بعثی دعوت کرده‌اند، بلکه همه جهادگران عالم را به مبارزه علیه ستمگران فرا خوانده‌اند. اینان در سروده‌های خود به شخصیت‌ها و عناصر شرور از روایات ملی چون ضحاک، اژدها و دیو و نیز عناصری طغیانگر از فرهنگ دینی همچون ابلیس، نمرد، فرعون و دجال و همچنین اسطوره‌های اهریمنی مدرن چون هیتلر، صهیونیسم و آمریکای جهانخوار اشاره کرده و همه این عناصر شر را به هم درآمیخته‌اند.

مهم‌ترین روایت ملی در تبیین مفهوم اهریمن ستیزی و جدال با ظالم، همانا داستان قیام کاوه علیه ضحاک است که بازنمایی بسیار گسترده در ادبیات معاصر ایران دارد. سیدحسن حسینی در مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل چندین بار روایت ضحاک و کاوه را بازسازی کرده است. وی در یکی از رباعیات خود (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)، نبرد رزمندگان اسلام را در برابر دشمن بعثی به قیام کاوه علیه ضحاک تشبیه کرده و در این بیان ادبی، به روایت تازی بودن ضحاک و حاکم بعث عراق نیز نظر داشته است.

اژدهاکشی پهلوانان و نبرد با دیوان در روایات ملی ایران بویژه شاهنامه از بن‌مایه‌های اساطیری قابل توجه است. در منظومه‌های حماسی دینی همچون خاوران‌نامه و حمله حیدری، شاعران فارسی‌زبان مسلمان حضرت علی (ع) را به جنگ با اژدها برده‌اند و از این راه به تلفیق روایات ملی و دینی دست یازیده‌اند. در شعر معاصر به ویژه شعر دفاع مقدس نیز چنین مضمونی را می‌توان یافت. سیدحسن حسینی در شعر «گنج در دیوار» از مجموعه گنجشک و جبرئیل، دلاورمرد میدان دین و امامت، حضرت علی (ع) را با ذوالفقار حیدری‌اش به نبرد اژدها برده است:

قرآن بخوان / آنگاه با ذوالفقار / براژدها بتاز / دیوار را بکوب (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۴).

حسینی در شعری دیگر، همچون شعر پیشین، اژدها و دیورا با هم تلفیق کرده و آن‌ها را نمادی از مهاجمان و دشمنان خونخوار جهان اسلام تصور نموده است (همان: ۱۳۸۸: ۳۸). مهرداد اوستا در شعر حماسه آسیا، ضمن انتقاد از مستکبران و اهریمنان معاصر چون روسیه، انگلیس و آمریکا، دیو و دروج خطابشان کرده و غولان رهنزی دانسته که باید از آن‌ها بر حذر بود (اوستا، ۱۳۷۰: ۴۷۱).

از دیگر موارد ستیز با اهریمن، داستان نبرد منجی موعود با دجال است که در روایات دینی مسیحیت و اسلام - بدان اشاره شده است. مبارزه قهرمان موعود با دجال و پیروزی وی بر حکومت ظلمانی آن پلید، بیان دیگری از مبارزه خیر و شر و پیروزی نهایی اهورا با اهریمن است که در فرهنگ ایران مطرح بوده است. در شعر معاصر و ادبیات دفاع مقدس نیز روایت دجال مطرح شده است. هراتی در شعر «در نیمه آخرین ماه بهار»، ساواک را دجال عصر یا عمال آن تصویر کرده که خورشید وجود امام را در سیاهی زندان محبوس کرده‌اند و می‌کوشند از درخشش آن جلوگیری کنند (هراتی، ۱۳۶۸: ۱۸). وی در شعر «دنیا در باتلاق تقلب»، یهودیان متوحش به ویژه شارون، قاتل فلسطینیان محبوس در صبرا و شتیلا و نوار غزه را دجال خوانده است (همان، ۱۳۸۸: ۶۹-۷۰). اشاره شاعر به دجال یک چشم و ادعای حکومت پیش از ظهور منجی، بدون تردید هر مخاطبی را به یاد جنایتکاران صهیونیسم و سردمداران آنان می‌اندازد که مدعی امنیت در خاورمیانه‌اند!

یکی از چهره‌های شرور تاریخ معاصر جهان هیتلر است که می‌توان او را در حکم شیطان، فرعون یا نمرود روزگار قلمداد کرد. در شعر معاصر ایران به ویژه ادبیات انقلاب اسلامی، هیتلر را مصداق اهریمن عصر شمرده و مردم را به مبارزه با او و شخصیت‌های شروری چون او دعوت کرده‌اند. گذشته از شاعرانی چون شاملو که در شعرشان هیتلر را ضحاک زمانه شمرده (شاملو، ۱۳۸۰: ۸۱) و در جایی دیگر با رضاخان درآمیخته و عبارت «آدلف رضاخان» بر ساخته‌اند (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۷)، سلمان هراتی نیز در شعر «زمستان قرن بیستم» هیتلر را بسان شیطان و فرعون و نمرود و حتی پلیدتر از آن‌ها دانسته است (هراتی، ۱۳۶۸: ۳۸). شاعر در این شعر، مبارزان جهان سوم را به نبرد با هیتلر و اهریمنانی چون او [سردمداران آمریکایی] برمی‌انگیزد:

من از اهالی جهان سومم / و با تو با زبان تفنگ سخن می‌گویم / فردا را روشن‌تر از سحر حدس می‌زنم... (همان: ۳۸).

در سروده‌های شاعران انقلاب و دفاع مقدس می‌توان برخی مضامین دیگر را که با استفاده از تلفیق عناصر ملی و دینی بازگو شده، مشاهده کرد. برای نمونه، در بحث از میرزای جنگلی، پاسداران را به بهانه سبز بودن لباس با قیام‌کنندگان جنگل همسان دانسته‌اند. در نمونه‌ای دیگر شاعران از معراج پیامبر سخن گفته‌اند و شهید را در عروج آسمانی‌اش متأثر از فرهنگ معراج نبی توصیف کرده‌اند.

۳- نتیجه‌گیری

در شعر انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس ابعادی از فرهنگ ملی و مذهبی رسوخ نموده و شاعران متعهد بدان وسیله توانسته‌اند نقش خود را در ترویج فرهنگ مبارزه و ایستادگی علیه شیاطین عصر ایفا نمایند. از عمده‌ترین مضامینی که با استفاده از تلفیق عناصر ملی، مفاهیم دینی و مختصات ملی از جهان معاصر در سروده‌های شاعران دفاع مقدس بازگو شده است می‌توان به شهادت‌طلبی، اهریمن‌ستیزی، میهن‌خواهی، نجات‌بخشی و برادرکشی اشاره کرد. شاعران متعهد ادبیات انقلاب و پایداری، با الهام از شاهنامه فردوسی و با عنایت به فرهنگ عاشورایی و باورهای مذهبی مردم ایران، شعرشان را ابزاری در خدمت حفظ و حراست از میهن و هویت ملی و تبلیغ فرهنگ ایثار و شهادت درآورده‌اند. دست‌مایه این شاعران در سروده‌هایشان هم‌الگوهای از فرهنگ قرآنی و هم‌استفاده از مبانی پهلوانی و اساطیری فرهنگ ایران باستان است. شاعران در این سروده‌ها ضمن تبلیغ و ترویج فرهنگ شهادت و ظلم‌ستیزی، به یادکرد از دلاورمردان جبهه‌ها پرداخته و آنان را در ذهن و اندیشه ایرانیان و جهانیان جاودانه ساخته‌اند.

پی‌نوشت

۱. نویسنده این موضوع را به تفصیل در پژوهشی دانشگاهی (رساله کارشناسی ارشد) بررسی کرده است. گفتنی است عمده‌ترین عناصر و روایات ملی بازتاب یافته در سروده‌های حسینی و هراتی عبارتند از: آتشکده و تقدس آن، اسطوره آرش، اژدها و دیو، داستان بیژن، مضمون رویین تنی، اسطوره ضحاک و کاوه، کوه قاف و سیمرغ و اسطوره قنوس. جزاین‌ها، شاعران گاه از واژه «حماسه» جهت خلق فضای حماسی در شعر خویش سود جسته‌اند. البته، روایات و عناصر دینی در سروده‌های دفاع مقدس گستردگی بیشتری دارند که از میان آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: آدم (ع) و میوه ممنوعه، ابلیس، داستان هابیل و قابیل، داستان ابراهیم خلیل (ع) و ذبح اسماعیل، روایت دجال، زکریای نبی، روایت عیسی مسیح، داستان ید بیضای حضرت موسی، داستان معراج و مرکب براق، بلال حبشی، حضرت علی (ع) و داستان ذوالفقار و نیز شهادت در محراب، فرهنگ عاشورایی و ابعاد گوناگون واقعه کربلا، مضمون منجی موعود و حضرت بقیه الله. غیر از اسطوره‌های ملی و عناصر دینی، یادکرد از چهره‌ها و وقایع تاریخی معاصر به مثابه اسطوره‌های عصر مدرن نیز مشهود است. این روایات اساطیری عصر جدید گرچه نسبت به عناصر ملی و دینی بازتاب کمتری دارند، در نظر شاعران اهمیت داشته و با فرهنگ ملی و دینی درآمیخته‌اند. مهم‌ترین شخصیت‌ها و وقایع تاریخی بازتاب یافته در سروده‌های شاعران چنین است: حضرت امام خمینی (ره)، پوریای ولی، حضرت آیت الله دستغیب، واقعه سربداران، میرزای جنگلی و هیتلر.

فهرست منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۷۲). غربزدگی. با نظارت شمس آل احمد. ویراست دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- اوستا، مهرداد. (۱۳۷۰). راما. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- حسن لی، کاووس. (۱۳۸۶). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. چاپ دوم. تهران: نشر ثالث.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۸). هم صدا با حلق اسماعیل. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سوره مهر.
-
- گنجشک و جبرئیل. چاپ نهم. تهران: نشر افق.
- راشد محصل، محمد تقی. (۱۳۸۱). نجات بخشی در ادیان. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- رشیدیان، بهزاد. (۱۳۷۰). بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی. تهران: نشر گستره.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شاملو، احمد. (۱۳۸۰). مجموعه آثار: شعرها. چاپ دوم. تهران: انتشارات زمانه و نگاه.
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۰). افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۷). بازگشت به خویشتن. مجموعه آثار ۴. تهران: حسینیه ارشاد.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). فرهنگ تلمیحات. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۳. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فردوس.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۵). بیعت با بیداری. شیراز: انتشارات نوید.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- محدثی، جواد. (بی تا). اسیر آزادی بخش. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
-
- فرهنگ عاشورا. چاپ هفتم. قم. نشر معروف.
- محمدی، محمد حسین. (۱۳۸۵). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر. تهران: نشر میترا.
- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰). خون نامه خاک. چاپ دوم. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- معلم دامغانی، محمد علی. (۱۳۶۰). رجعت سرخ ستاره. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.

- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. ج. ۶. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر
- واحد دوست، مهوش. (۱۳۹۲). «بازنمایی عناصر اساطیری - حماسی همبستگی ملی در شعر دفاع مقدس». مطالعات ملی. سال چهاردهم. شماره ۲ (پیاپی ۵۴). صص ۴۹-۷۲.
- هاکس، مستر. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. تهران: انتشارات اساطیر.
- هراتی، سلمان. (۱۳۶۸). دری به خانه خورشید. تهران: انتشارات سروش.
- ----- . (۱۳۸۸). از آسمان سبز. چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر.
- هنوی، ویلیام. (۱۳۸۳). «چندگونگی و تنوع در ادبیات مردمی و تداوم آن در ادبیات معاصر ایران». انواع ادبی در ایران امروز. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر قطره. ۱۰۵-۱۳۵.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نگاهی به هویت ملی، مذهبی و جهانی ادبیات پایداری در دیوان ملک الشعرا بهار

بهنام قاسمی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدیرمجمع بعثت آموزش و پرورش بابل
سمیه موسی پور - دبیر آموزش و پرورش

چکیده

ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند بوجود می‌آید. که ملتزم به آموزه‌های دینی و تعالیم قرآنی است و مردم، تحولات اجتماعی و پیشروان فکری جامعه در آن نقش دارد. ادبیات پایداری در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. ادبیات پایداری با توجه به شرایط و مقتضیات هر دوره تاریخی جلوه آن و نحوه بروز و ظهورش می‌تواند متفاوت با دوره‌ی دیگر باشد چنان‌که در یک برهه تاریخی نوع ادب معترض، افشاگر و هشدار دهنده و در دوره‌ی دیگر نوع ادب عارفانه و زاهدانه و در روزگاری دیگر ادب سوگ و مرثیه را در مجموعه ادبیات پایداری به حساب می‌آوریم طبق نقل و قول ژان پل سارتر در مورد ادبیات ملتزم غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است. تلاش و مبارزه برای میل به آگاهی برای تحرّی حقیقت و برای آزادی انسان. یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان و شاعران این نوع ادبیات، بی‌هویتی نسلی است که رفاه غربت آن‌ها را از درد و رنج ملت خویش غافل کرده است از این روست که می‌کوشند با طرح نماد‌های اسطوره‌ای ملی و تاریخی، عرق وطن دوستی و دفاع از آب و خاک و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب (به جای تن دادن به وضع موجود) را در افراد ایجاد کنند.

کلید واژه: هویت ملی، مذهبی، جهانی، ادبیات پایداری، بها

۱ - مقدمه

ادبیات پایداری مقوله‌ای جدید مشتمل بر سروده‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند، نامه‌ها، قطعات ادبی، طنزها و حسب حال‌هاست. و به عنوان نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم به حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی اختصاص دارد. که از سوی عامه مردم و بزرگان جامعه در مقابل هجمه‌هایی که اصول معنوی و روحی را در مخاطره انداخته، قد برافراشته است. ادبیات پایداری با مجموعه آثار، مواردی چون نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی. تعدی بیرونی و درونی را شامل می‌گردد. قدمت گفتگوها و رویکردهای نظری جدی در موضوع ادبیات مقاومت به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. بعد از جنگ در اروپا به خصوص فرانسه، سارتر و کامو قائل به نوعی تعهد در هنر با تأثیر از جنگ و قیام مقاومت بودند که مشارکت پرچوش را در دگرگونیها جامعه مهم تلقی می‌کردند. در بخش هویت ملی به موضوعاتی چون انتقاد از دولت، انتقاد از اوضاع اجتماعی و تذکر به انداز از در خطر بودن مملکت، وطن پرستی در قالب عشق و علاقه به میهن، نمونه اشعاری از استاد ملک الشعرای بهار و سید اشرف (نسیم شمال) ذکر گردیده است و همچنین به اعتراض و فریاد از دست مردم عوام و خواص و یا زیر سؤال بردن خویش و مردم خویش به جهت رضایت از ظلم و یا به مبارزه آشکار از یک اندیشه و تفکر مهاجم پرداخته است. هوشیاری در برابر خیانت و یا در ریختن بنا حق خون عزیزی از سوی دشمنان و فشار سرنیزه آنان و تأکید و توجیه در خصوص زنده و احیاء شدن در برابر جور و ظلم، از موارد خاص مورد توجه در این حوزه است. اشعاری در قالب حبسیه، و شعری با نام مرغ خاموش که بیانگر عمق تأثیر تحولات و احساس شاعر و عکس العمل اوست نیز در این مقولات جای دارد. هویت مذهبی ادبیات پایداری، مربوط به دفاع از هویت و آداب و فرهنگ و اخلاقیات و مقدسات که با ضمیره وجودی مردم در آمیخته است که سلامت کیان و حیثیت مردم را حیات می‌بخشد. که نتیجه شناخت و آگاهی درست هر فرد نسبت به جهان هستی است. که در این بخش به نمونه اشعاری با نام‌های، خویش را احیاء کنید، و تأسف بر گذشته برمی‌خوریم موضوع دیگر هویت جهانی ادبیات پایداری است. که به مقابله با رقابت قدرت‌ها در به اختیار در آوردن سرزمین‌های بیشتر و تحت مستعمره در آوردن آنها می‌پردازد. و برای هرانسان و کشوری حق حیات و آزادی قائل بوده و تعدی به حقوق دیگران را منفور دانسته و آن را از صفات مذموم پنداشته که نتیجه وحشی‌گری‌ها و طماعی و انحرافات اخلاقی بوده است. در این بخش به موضوعاتی چون پیام به مهاجمان، دندان حرص و طمع، غارتگران و امپراطوران، فتنه‌های آشکار، فتح

و رشوه، لعن و نفرین بر ظالم، داد و فغان از آنان، جغد جنگ اشعاری ذکر گردیده است.

کجا زپای نشنید کسی که بی تاب است
 که رودخانه بر گل نشسته مرداب است
 چورودخانه روانم ترانه ام در پاست
 گواه من دل بیدار و چشم پرآب است
 چگونه دل نتپدر هوای کوچیدن
 زسینه ای بر آن نقش داغ احباب است
 و چون به کشتی ما ناخداست نوح زمان
 چه بیممان ز شب موج خیز و گرداب است
 شکست جمجمه بیداد غاصبان سحر
 زبرق همت یاران و خوناصحاب است
 (بهرامی، ۱۳۷۳، ۶۰)

۱-۱ بیان مسأله: نگاهی به هویت ملی، مذهبی و جهانی ادبیات پایداری در دیوان

ملک الشعرای بهار

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

ادبیات پایداری با حضور برومند فرزندان این مرز و بوم از اعصار کهن تاکنون چه در قبل از اسلام که سرآمد سلحشوری و پایداری و مقاومت بوده اند. در فرهنگ و زبان و کتب ما به شکل چشمگیری نمود داشته و بیانگر قابلیت های نادر رهیویان حقیقت بوده است این سرزمین به سبب برخورداری حداکثری از منابع ارزشمند انسانی و طبیعی دستخوش هجمه ها و تجاوزات تعدی گران پر حرص و ولع و جهان طلب و آزمند ان جاهل داخلی بود. که در اندیشه غارت و عیش و نوش بوده و آن را میراث گذشتگان خود می دانسته اند. غافل از اینکه غالب تفکر عامه از چشمه های جوشان حقیقت قرآن انس یافته که در آن معرفت و هویت ملی با حقیقت در آمیخته و نشئه های آن در آثار و تألیفات بزرگان علم و ادب در اشکال مختلف متجلی کرده است که نمونه بارز آن در دوران ملک الشعرای بهار و انقلاب اسلامی است که ادبیات پایداری از غلبه انقلاب بر استبداد تا دفاع همه جانبه اقشار جامعه در مقابل هجوم یادی غرب را به دنبال داشته و آثار گوهر بار و ارزشمند آن در خاطرات و دل نوشته ها و تراوشات اذهان منور الفکر مولفان بر صفحات تاریخ و ادب گرانسنگ ایران انعکاس یافته تا دست مایه نیکی برای آزادی خواهان و پویندگان سعادت و حقیقت همه ملل باشد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

با توجه به نوع ادب پایداری که شامل ادبیات سیاسی، جنگ، تبعید یا مهاجرت و.... میشود

نخستین نمونه های این دسته از ادبیات، در قرن ششم پیش از میلاد در یونان و در غالب اشعار غنایی پدید آمد و طبق نظر دکتر زرتین کوب شعر غنایی، همراه با توسعه و تکامل صناعت مربوط به «لیر» بخصوص مقارن قرن هفتم قبل از میلاد در جزیره لسبوس رونق بسیار یافت. آثار حماسی جهان، ایلیاد، داستان دلاوری های خشمناک و تا حدی غیر انسانی آشیل را بیان میکند و «ادیسه» سرگذشت بازگشت اولین خردمند، هر دو داستان تلاش انسان دلاور و انسان هوشیار است که برای بقای خویش حتی با اراده خدایان هم باید پیکار کند. در شاهنامه فردوسی نیز جدال دائمی میان نیکی و بدی که در قالب جنگ های ایران و توران جریان دارد. در زمان جنگ جهانی دوم، در خصوص ادبیات مقاومت مباحث نظری شکل یافته و در بعد از آن در اروپا به خصوص فرانسه متفکران در اندیشه مشارکت فعال در دگرگونی جامعه شدند که از جمله کامو و سارتر بودند که عقیده به تعهد و التزام در هنر داشتند که این اندیشه از آغاز نهضت الجزایر از فرانسه وارد جهان عرب شد که در فلسطین هم اکنون وجود دارد. آنجا که در مفهوم ادب پایداری سخن از نفی و اعتراض انحرافی بوده و مبارزه با انحرافات عقیدتی و فکری است در زمان حمله مغول تغییر شکل یافته است که در آثار ادبی کلاسیک ایران می توان در آثار عبید زاکانی، سنایی، ناصر خسرو، مولوی، سعدی، حافظ، و در کتابهایی چون رساله قشیریه و کشف المحجوب مشاهده کرد. در انعکاس آشنایی ایرانیان با نظریه التزام و تعهد مجموعهای از ترجمه ها از کتب فرانسه ارائه میشد که در جریان انقلاب اسلامی افکار دکتر علی شریعتی که تاثیر از جنبش آزادی بخش الجزایر و سارتر داشت که قبل از آن ادب مقاومت تحت تاثیر ادب مقاومت از نوع مارکسیستی و کمونیستی بود. در میان آثار ادبی معاصر نیز ستیز با طبیعت و زندگی را در داستان «پیر مرد و دنیا» اثر ارنست همینگوی به گونه ای بارز مشاهده میکنیم که در محتوای آن انسان و دریا به وسیله تور ماهیگیری، بر سر طعمهای که خوراک انسان را تشکیل میدهد با یکدیگر در نبرد هستند. در مبارزه با انحرافات در آثار حاجی اسماعیل سیاه، ایرج میرزا و پروین اعتصامی دیده میشود

۲ - شرح واژه ادبیات پایداری

کاربرد «ادبیات پایداری» بسیار نو و جوان است و اصولاً به نامه ها، حسب حال ها، طنزها، قطعات ادبی، داستان های کوتاه و بلند، نمایشنامه ها، سروده ها و آثار یا طلاق می گردد که در همین قرن، نگاشته و تدوین شده اند. و روح مبارزها جریان های ضد آزادی و مقاومت در برابر آنها را نشان می دهند و تضمین کننده نجات و رهایی و توسعه جامعه های انسانی هستند. و یا «ادبیات پایداری» نوعی از

ادبیات است که غرض آن آزادی انسان بود متعهد و ملتزم است که از سوی مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آنها را تهدید می کند به وجود می آید. (سارتر، ۱۳۵۶، ۵۴)

این شکل ادبی به طور عمومی با زبانی صریح بیان می شود و با نظر به شرایط و قابلیت هردوره تاریخی تجلی آن و شکل بروز و ظهورش می تواند متفاوت با دوره دیگر باشد. به طوری که در یک برهه تاریخی نوع ادب افشاگر و هشدار دهنده، معترض و در دوره ای دیگر نوع ادب عارفانه و زاهدانه و در روزگاری دیگر ادب سوگ و مرثیه را در مجموعه ادبیات پایداری به حساب می آوریم. (بصیری)

پس عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می شود که تحت تأثیر شرایطی چون، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه های ملی و فردی، قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه های قدرت، نبود آزادی های فردی و اجتماعی و شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، بدین جهت محتوای کلی این آثار با بیداد داخلی یا تعدی بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی است.

آنچه وجه امتیاز آن را با دیگر مقوله های ادبی ساختار می بخشد در پیام و مضمون آن نهفته است. بدین معنا که تألیفاتی از این گونه اکثراً آئینه دردها و مظلومیت های مردمی هستند که فدای نظام های مستبد شده اند. این آثار ضمن تلقین امید به آینده و مژده پیروزی موعود با دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، ستایش، آزادی و آزادگی، ارج نهادن به سرزمین مألوف و شهیدان و جان باختگان وطن را در بطن خود دارند.

یکی از دغدغه های اصلی نویسندگان و شاعران این نوع ادبیات، بی هویتی نسلی است که رفاه غربت، آنها را از درد و رنج ملت خویش غافل کرده است. از این روست که می کوشند با طرح نهادهای اسطوره ای ملی و تاریخی، عرق وطن دوستی و دفاع از آب و خاک و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب (به جای تن دادن به وضع موجود) را در افراد ایجاد کنند. (شکری، ۱۳۶۶، ۱۰)

سابقه مباحث نظری جدی در خصوص ادبیات مقاومت به جنگ جهانی دوم برمی گردد پس از جنگ جهانی دوم در اروپا به ویژه فرانسه، متفکران و هنرمندان تحت تأثیر جنگ و نهضت مقاومت به این برداشت کلی رسیدند که باید در تحولات جامعه شرکت فعال داشته باشند. (نجفی، ۱۳۵۶، ۵۴)

مروّجان این عقیده از جمله سارتر و کاموقائل به نوعی التزام و تعهد در هنر بودند. هنری که برادسکی می گوید: «شکلی از مقاومت در برابر نقض واقعیت است». (برادسکی، ۱۹۷۸، ۵۵)

آنچه در ادبیات پایداری ملاک نظر است اینست که همه افراد آزاده و آزادی و در طول تاریخ بشر که قدرت نوشتن داشته اند در برابر نابرابری ها و ظلم و ستم به شیوه ی خاصی فاخته اند جماعی در لوای داستان ها و بهره گیری از نام حیوانات حاکمان اعصار را تذکر داده اند و از راه اندرزه های روشن

کننده و کارآمد درصدد اصلاح حکومت و جامعه برآمدند و هرآنچه به قرون متأخر نزدیک می شویم زبان شعر آشکار و واژه ها و کلمات از لفافه به درآمده و شعر و سخن تند و تیز شده است.

۲-۱- هویت ملی ادبیات پایداری

گاه شاعر دغدغه حفظ هویت ملی داشته که در این عرصه در حاشیه حکومت های پادشاهی و اشاعه ظلم شاعر انتقاد از دولت نموده یا انتقاد از اوضاع اجتماعی دارد. یا با تذکر به انذار از خطر بودن مملکت داشته و یا با حسنی وطن پرستی اشعاری در قالب عشق و علاقه به میهن و وطن سروده . مثلاً ملک الشعراء بهار در خصوص پرهیز از ظلم و ستم به حاکم قوچان اندرز می دهد.

خرم و آباد باد مرز خوشان	هیچ دلی از ستم مباد خوشان
گرچه خوشان خوشان بودند	بیش زین پس خموش اهل خوشان
مردی باید ستوده خوی کزین پس	برنخروشدند این گروه خموشان
تا نخروشند این گروه بیاید	آنچه پسندد به خود، پسندد به ایشان
جمع کندشان ز مردمی به بر خویش	کاینان را حال بوده سخت پریشان
اهل خراسان و جز خراسان دانند	جمله که چونست حال مردم قوچان
ظلمی زین پیش رفته است بر آنها	او کند آن ظلم را از این پس حیران

و نیز در هرج و مرجی که در اواخر عهد مجلس اول که منجر به توپ بستن مجلس شده دارد.

یکسو در خاک خفت شاه مظفر	یکسو در خون طپید اتابک اعظم
جاهل، دانا شدست و دانا، جاهل	شیخ، مکلا شدست و مسیر معمم
بیخردان برگرفته حربیه تزویر	گشته به خونریزی ملوک مصمم
مجلس کنکاش گشته زانبه جهال	چون گه انبوه حاج، چشمه زمزم

۲-۳- مسمط وطنیه

و یا بعد از ۱۳۳۹ هجری قمری زمانی که آشوب هرج و مرج داخلی دامن زده این مسمط وطنیه با نام وطن در خطر است را بدین گونه بیان فرمود:

مهرکان آمد و دشت و دمن در خطر است	مرغکان نوحه برآید چمن در خطر است
چمن از غلغه زاغ و زغن در خطر است	سنبل و سوسن و ریحان و سمن در خطر است

لبلب شیفته خوب سخن در خطر است ای وطن خواهان زنهار وطن در خطر است ...
(بهار، ۱۳۸۸، ۱۶۶)

۲-۴- ای وای وطن وای

نمونه ای از اشعار دیگر سید اشرف را که معادل آنها در هوپ هوپ نامه دیده نشده و اصیل به نظر می رسند و به جای خود روان و شیوا هستند، به دست می دهم.

ای وای وطن وای

گر دیده وطن اندوه و محسن وای	ای وای وطن وای
خیزید روید از پی تابوت و کفن وای	ای وای وطن وای
از خون جوانان که شده کشته در این راه	رنگین طبق ماه
دردا که رسید از دو طرف سیل فتن وای	ای وای وطن وای

(مجله نسیم شمال، ۱۳۲۵، ص ۷۳)

از خون جوانان که شده کشته در این راه رنگین طبق ماه (مجله نسیم شمال، ۱۳۲۵، ص ۷۳)

۲-۵- قصیده ای از ملک الشعراء:

در سال ۱۲۸۹ شمسی. هنگامی که لشکریان روسی تزاری به بهانه حفظ اتباع خود در خراسان و نواحی شمال ایران گسیل داشته شده بودند. این قصیده در خراسان گفته شد. و در نوبهار انتشار یافت.

ای خطه ایران میهن، ای وطن من	ای گشته به مهر تو عجبین جان و تن من
ای عاصمه دینی آباد که شد باز	آشفته کنارت چو دل پر حزن من...
تا هست کنار تو پر از لشکر دشمن	هرگز نشود خالی از دل محسن من...
و امروز همی گویم با محنت بسیار	دردا و دریغا وطن من، وطن من
در جاهای دیگر به اعتراض و فریاد از دست مردم عوام و خواص و یا زیر سؤال بردن خویش و مردم خویش به جهت رضایت از ظلم و یا به مبارزه علنی از یک اندیشه و تفکر مهاجم پرداخته است.	

۲-۶- شعر داد از دست عوام

مستزادی سرود:

از عوام است هر آن بد که رود بر اسلام
 کار اسلام ز غوغای عوام است تمام
 داد از دست عوام
 دل من خون شد در آرزوی فهم درست
 ای جگر نوبت توست
 در سال ۱۲۹۱ خورشیدی بهار از جهل عوام الناس که غالباً بر ضد مصالح و منافع خویش قیام
 می کردند قصیدهٔ مستزادی سرود:

۲-۷- داد از دست خواص:

برای دلجویی از عوام که آلت اجرایمقاصد سوء خواص واقع شدند و قصیدهٔ متزادی سروده است.
 از خواص است که هر آن بد که رود بر اشخاص
 کیست آن کس که زبیداد خواص است خلاص
 داد از دست خواص
 داد از دست خواص
 داد مردم ز عوام است که کالانعامند
 به خدا بدنامند

۲-۸- از ماست که برماست:

در اوایل مشروطیت ایران که هنوز ملت در بستر جهل غنوده و از فرهنگ دنیایی متمدن و بیدار می
 هراسید و صاحبان افکار تازه با چماق تکفیر ملاً نمایان دست به گریبان بودند این مستزاد را استاد بهار
 به سال ۱۲۹۱ خورشیدی در مشهد سروده و در روزنامه نوبهار انتشار یافت.

این دود سیه فام که از بام وطن خاست
 وین شعلهٔ سوزان که برآمد ز چپ و راست
 از ماست که برماست
 از ماست که برماست
 جان گر به لب ما رسد، از غیر ننالیم
 با کس ننگالیم
 از خویش بنالیم که جان سخن اینجاست
 از ماست که برماست
 یک تن چو موافق شد یک دشت سپاه است
 با تاج و کلاهست
 ملکی چو نفاق آورد او یکه و تنها
 از ماست که برماست
 ما کهنه چناریم که از باد ننالیم
 بر خاک بنالیم
 در ساختار شعری برخی از شاعران تلذکر و انداز به مردم در خصوص عبرت از خطا و اشتباه و یا
 هوشیاری در برابر خیانت و یا در ریختن بنحاح خون عزیزی از سوی دشمنان و فشار سرنیزهٔ آنان و تأکید
 و توجیه در خصوص زند و احیا شدن در برابر جور و ظلم به زبان آمده است.



در سال ۱۲۹۴ شمسی، هنگامی که محمد ولیخان سپهدار به ریانویسده و ادیبان پایداری، مجاهدان آزادی

مهاجرت رؤسای احزاب و وکلاء از تهران به بغداد، اسلامبول و برلن نفوذ روی انگلیس در ایران شدت یافته بود. دولت ایران را به تصدیق معاهده ای که بین خودشان در ۱۹۱۵ م منعقد شده بود و مداخله در امور مالی ایران را به وسیله کمیسیون مختلط لازم شمرده، مجبور ساختند و مداخلات دیگری هم در طواحل بحر خزر خلیج فارس و غیره با اجازه دولت ایران می نمودند، این قصیده را بهار پس از استحضار برآن قرارداد در حالی که به حال تبعید در بجنورد به سر می برد گفته است و مطلع آن اشاره به دولت تزاری روی دارد.

آن را نگون است	رایتش	من هیچ نخواهم	حمایتش
و آن دید که این کار خواسته است	دیوانه	بخوانند،	ملتش
این کشور تحت الحمایه نیست	هم نیز برنجد	ز صحبتش	
گویند سپهدار داده خط	لعنت به خط	پر مخافتش	
لعنت به وزیری چنین که هست	بر خیر بد اندیش،	همتش	
با آن که فزون دارد احترام	با آن که فرونست	ثروتش	
قوم و وطن خود کند ذلیل	و انگاه بخندد	به ذلتش	
بخشد وطن خود به رایگان	وانگاه	گریزد	زخشتیش
زودا و غریبا که در رسد	خائن	به سزای	خیانتش

۲-۱۰- خون خیابانی

در اوایل سال ۱۲۹۹ خورشیدی و در حکومت مرحوم حسن پیرنیا و مشیرالدوله عده ای از ملیون تندرو و غیر معتدل آذربایجان به قیادت مرحوم شیخ محمد خیابانی حزبی به نام قیامیون در تبریز تأسیس کردند و حاج مهدی قلی مخبرالسلطنه به تبریز رفت و کار او با قیامیون به زدو خورد انجامید مرحوم بهار در آن زمان فقدان خیابانی را لطمه بزرگ به آزادی و آزادی خواهی می دانست.

در دست کسانی است نگهبانی ایران	کاصرار نمودند	به ویرانی ایران
آن قوم، سرانند که زیر سر آنهاست	سرگشتگی و بی سر	وسامانی ایران
الحق که خطا کرده و تقصیر نمودند	این سلسله در سلسله	جنبانی ایران
کشتند بزرگان را و ابقا نمودند	بر شیخ حسین	وبه خیابانی ایران
گر خون خیابانی مظلوم بجوشد	سرتاسر ایران	کفن سرخ

گاه شاعر در پاسداشت از اندیشه و تفکر ظلم ستیزی، گرفتار نیروهای دشمن گردیده و در زندان و خفقان اشعاری در قالب حبسیه می سراید. که سخن از درد و رنج و ظلم موجود در آن و بی توجهی و فشار و آزار و اذیت سر می دهد. و در دوری و فراق از یار وزن و فرزند و غربت ناله و افغان سر می دهد. از این گروه شاعران نظیر بابا افضل، عین القضاة همدانی، فضل اله حروفی، عمادالدین نسیمی، شجاع کاشانی، حیانی کاشانی، ابوالقاسم امری، محمدباقر خرده‌ای (ظفری، ۱۳۶۴، ۴۰)

بیداری و تفکر بیدار شدن نتیجه شناخت و آگاهی او از وضع جامعه و اجتماع در همه اعصار دارد. که نوید طوفان و طوفانی شدن سر می دهد. و همگان را از فتن یا از فتنه های آشکار آگاه می سازد. و از تازیانه هایی که به ناحق به سوی مردم و مرزهای مسلمان نشانه رفته سخن می راند. و شکوه ها و شکایت ها دارد.

و همواره همگان را به روشن بینی فرا می خواند که نیرو و توان و درایت خود را دست کم نگرفته و با توان راسخ و استوار و عشق به میهن، مقابله با دشمن را فراموش نکرده زیرا کسب ازادی و آزادگی رد سایه جوانمردی و ایثار نیروهای ارزشمند و متعالی است. که با آگاهی و معرفت و بصیرت و درش گرفتن از چشمه زلال حقیقت می توانند بدان دست یابند.

یک انسان آزاد و حقیقت نگر نمی تواند چون مرغ خاموش باشد که از تحولات و دگرگونیها بی اطلاع بوده و از سیاست و عاقبت و وزارت چشم دوخته و در فضای دوست و دشمن بی اعتنا به روزگار، دشمن شناس نباشد. و در برابر فرآیند و حرکت منفی بی باک و بی تحرک باشد. بلکه چون بسیاری از شاعران ما در سایه عقل و خرد و عشق و شعور نقشه توطئه و فریب و بیرق دشمن را شناخته و با شعله حب به وطن با جوش پهلوانی خود در میان خلق راه سعادت جسته است. و بدین مضمون به ظاهر تن در نداده که هرآنکس که بد کرد کیفر برد.

۲-۱۱- زندان بهار

در تابستان سال ۱۳۰۸ خورشیدی علاوه بر تنگی و تاریکی و کثیف و گرم بودن، مشرف بر خیابان پر جمعیت ترین و پرسر و صدا ترین معابر عمومی قلب شهر تهران بود، گرمی و کثافت هوای داخل زندان از یک طرف، هیاهو و جنجال مستمر خیابان مجاور از طرفی، قرار و آرام را بر شاعر ضعیف و حساس حرام ساخته و اعصاب او را دائماً خسته و متشنج می داشت، بهار تحت تأثیر این احوال شرح حال خود را ضمن توصیف زندان خویش به نظم درآورده این قصیده را با چنان حالتی خطاب به شاه ساخت و نجات خود را از این بلا ملتزم گردید.

۲-۱۲- قصیده

جرم رهی چیست تا به گوشه زندان
چندی بودم به سمج دیگر محبوس
هست و ثاقم به روی شارع و میدان
این قصیده (حبسیه) را نیز بهار در همان زندان در سال ۱۳۰۸ خورشیدی سروده است.

۲-۱۳- قصیده حبسیه

پانزده روز است تا جانم در این زندان بود
کارنامردان بود سرپنجه با ارباب فقر
همت آن باشد که گیری دستی از افتاده ای
کار هر جوی هر باشد کینه راندن وقت خشم
بند و زندان کی سزاوار خردمندان بوده
آنکه زد سرپنجه با اهل غنا، مرد آن بود
بر سر افتادگان پا کوفتن آسان بود
آنکه خشم خویش تاند خورد، او سلطان بود

۲-۱۴- مرغ خموش

یک مرغ سربه زیر پراندر کشیده است
یک مرغ سربه دشنه جلا داد
یک مرغ، جفت و جوجه به شاهین سپرده است
مرغی دگر نوا به فلک بر کشیده است
یک مرغ از آشیانه خود سر کشیده است
یک مرغ جفت و جوجه بیردر کشیده است

۲-۱۶- هویت مذهبی ادبیات پایداری

و گاه در ادبیات پایداری به موضوع هویت مذهبی و حراست از آن در مقابل هجمه های داخلی و خارجی توجه کرده که به واقع هجوم به فرهنگ و آیین و آداب و رسوم و مجموعه اخلاقیات مردم را تحت اشعاع قرار می دهد.

ایمان و عقیده و مقدّسات هر جامعه ای که بر پایه کتاب آسمانی و اندیشه پرورده حاصل از دستورات و موازین الهی و بینش درخشان نبویست برای مردم هر جامعه در هر زمانی محترم و مهم تلقی شده که جا در روح و نفس و جان آن مردم دارد. چرا که شاهراه سعادت و بالندگی آنان را تضمین نموده و میدان ارواح آنان را به سوی تعالی و درخشش میسر می نماید. و از آنجا که رفتار و کردار و پندار عامه در سایه اصول و شاخصه های آن چیده شده به راحتی نمی تواند در معرض خطر و اسباب دست

توطئه گران و بازیچه هر سموم و باد خزانی قرار گیرد.

امتزاج مردم با اساس و پایه های دینی و مذهبی و رهاورد آن، داده های مثبتی را عاید همگان در همه اعصار نموده و بر خوی و رفتار آن تأثیر مثبت داشته و ذوق و شوق حیات درست و زندگی درست را به دنبال داشته. که آن نیز شناخت و آگاهی درست هر فرد نسبت به جهان هستی است. و رویکرد معرفت شناسی و علت یابی و سوق یابی به خالق هستی است.

آئینه دین و مذهب، تجلی بخش نیکی ها و محسنات است که در آن انسان با دیدن نامطلوب و مطلوب در جستجوی صداقت و سلامت، خود واقعی و حقیقی خویش را یافته و در بلندای کمالات فردی و جمعی به ملکات عالیه ای دست یافته که آن جلوه ها و پیدایش آنها مقصود و منظور همه پیامبران مرسل و ائمه اطهار و علمای دین بوده است. از آنجاکه ادیان و مذاهب از سوی صاحبان آنها برای رهایی و نجات بشر به منصف ظهور رسیده که هر یک پیامبر خاص و دستوالعمل خاص خود را داشته که تابعان آنها در تاریخ زندگی بشر بر کشتی پویایی و رهایی سوار شده اند. توجه و حرمت گزار برای آنها نیز در تمام روزگاران بر فرد و قبایل و ممالک لازم بوده، بدین خاطر هر گروه و دسته و عمالی از کشورهای مترقی نمی توانند از پنجره هتک حرمت آن وارد شده و بر اصل و حامل آن امانت و توهین روا دارند.

از دوران های کهن تا کنون، خاصه بعد از اجتماعی شدن بشر، جماعتی در برابر اصول و معیارهای اخلاقی ایستاده و از ارتکاب هر عمل شنیعی دست باز نداشته و آن را حق مسلم خود دانسته که این تفکر یا در سایه حاکمیت آنان بر خلق بوده و یا در سایه بی پروایی آنان نزع می یافت اسباب قرار دادن مسائل دینی و بیان توجیهات ناروا و ناشایست یک به یک برای رسیدن به مطامع دنیایی و آسانی در برخورداری از آنها بوده است که دین و معیارهای آن منعی در آزادی آنان ایجاد می کرد و آنان را از رسیدن به خواسته های نامشروع باز می داشت و در سقوط فرهنگی و اضمحلال آن گرفتار می ساخت. سیاست مدن و تدبیر منزل و احاطه بر مملکت در سایه حکومت علی (ع) قابل رؤیت است که آئینه ای برای همه روزگاران خواهد بود و دین و مدینه فاضله را به هم دوخت و تجلی بخش دنیایی شد که دین سعادت آن را تضمین نمود. با این اوصاف می توان بهترین نمونه حضور فرهنگ و آداب و رسوم و هم اختی تمدن و شهر گرایی را با آن در کشورهای آسیای جنوب شرقی یافت که هرگز ترقی و توسعه پا بر آداب نگذاشته و در کنار هم و با همخویی حرکت نموده است.

این تفکر که اهل دین و گروندگان به آن به عنوان جماعتی سنت گریند که از زبان دین ستیزان غربی و همانها که دین را افیون جامعه می دانستند مدام ورد زبان هاست و جدایی دین از سیاست

را در جوامع خود ملاک توسعه می دانند نیاز به سؤال دارند که آن اینست اخلاق و حقوق انسانی در کجای کارتان نهفته است که نابودی بشر را در دستور کار خویش دارید.

دین مانع تمدن و تعالی نیست بلکه با دستورات و معیارهای خود انسان و جامعه انسانی را هدف گرا و با اخلاق و فرآیند مدار ساخته و زمام امور خانواده را محکم و مستحکم نموده که با پای بندی به مقدّسات و شئون بتوانند در سایه اموری واحد و پایدار دین را با سیاست و درایت درآمیزند و اسبابی فراهم کنند که خود جامعه را پرشور و پراحساس برای حیاتی جاوید و پر معنا و پرامید برای آینده ساخته و خط سیر اندیشه را پاک برای دنیایی برتر گردانند. تا ابزار مادّیت و معنویت را برای تعالی تن و جان آدمی به کار گیرند و از دشنه های شیطانی درونی و بیرونی نهراسند.

۲-۱۷- خویش را احیا کنید:

شادروان ملک الشعراى بهار، چنان که در بسیاری از آثار او هویداست، همان اندازه که در مذهب اسلام متعصب بود و مقام ائمه اطهار را گرامی می شمرد و نسبت به مظلومی که درباره آن علی علیهم السلام وارد آمده بود مرثیه های سوزناکی می سرایید به همان اندازه از تعصب های جاهلانه و خرافاتی که عوام الناس در لباس مذهب بدان می گرویدند، ناراضی و متأسف بود و گاه به گاه پاره ای از خرافات متداوله در میان عوام را به باد انتقاد شدید می گرفت.

از جمله ترکیب بند زیر است که در محرم سال ۱۳۰۵ خورشیدی سروده و از جهل و نادانی است در طریقه عزاداری و از اینکه توده ملت ایران زشت را از زیبا و سود خویش را از زیان تمیز نمی دهد، شکایت کرده است.

ای سفیهان بهر خود اندکی غوغا کنید	حال خود را دیده، واغوثا و واویلا کنید
کیسه های خالی خود را دهید آخرتکان	پس تکانی خورده از و خویش را پیدا کنید
تا به کی با این لباس ژنده می ریزید اشک	با جوی غیرت لباسی از اطلس و دیا کنید
کشته شد شاه شهیدان تا شما گیرید	پندپیش ظالم پافشاری یکه و تنها کنید

۲-۱۶- تأسف برگزیده

این قصیده را بهار در سال ۱۳۲۴ خورشیدی هنگامی که از مفاصد اخلاقی و ضعف ایمان جامعه آزرده دل و نالان بود سروده و از ورود در سیاست و اتلاف عمر در این راه، اظهار پشیمانی کرده است.

بدی را نیکویی دادم مکافات دهان سفله با احسانی گرفتم
 دریغا مدّتی کاندِر سیاست زندانی ره شیطان گرفتم
 به پیدا و پنهان زان جماعت عوض دشنام بی پایان گرفتم
 فقیران خصم صاحب‌دولتانند من این درس از دبیرستان گرفتم
 چو سنخیت نبود اندر میانه صداقت دادم و بهتان گرفتم

۲-۱۹- هویت جهانی ادبیات پایداری

گاه در ادبیات پایداری به مقولهٔ هویت جهانی فرد، جامعه، کشور چشم دوخته شده و کیان و حفظ و حراست از مرز و بوم و اندیشهٔ یک ملت در سرلوحهٔ امور قرار می‌گیرد. در همهٔ اعصار و دوران‌ها اقوام ضعیف تحت هجوم و غارت و چپاول دولت‌ها و ملت‌های غنی ترو قوی ترو متخاصم و یا امیران و سلاطین کشورگشا قرار داشتند که حس دنیا پرستی و طمع آنان را از تجاوز و تعدّی باز نداشت بلکه همواره در صدد مزاحمت بر همسایگان برآمدند. در این میان کشور ما نیز از دستبرد عوامل مهاجم روزگار فارغ نبود و در همهٔ دوره‌ها به نحوی در مورد هجوم اقوام وحشی و طمّاع بوده است. چون مغولان که عواقب و نتایج آن انحرافات اخلاقی و تربیتی و انحطاط اخلاق در جامعه ایرانی را به دنبال داشت.

تسخیر منابع کشورها و دست‌یابی به منابع ارزان در جهت آسایش و آرامش خویش و خودبرتری و دست‌یابی به صنایع قوی و امکانات برتر از عوامل هجوم قدرت‌ها در جهت تحت‌الحمايه درآوردن کشورهای محروم و ضعیف بوده است. و یا رقابت قدرت‌ها در به اختیار درآوردن سرزمین‌های بیشتر و تحت مستعمره از دیگر عوامل راه‌یابی آنان در خاک کشورهای نزدیک و دور بوده است. که با این اندیشه کشور ما نیز نحت هجوم انگلیس و آلمان و آمریکا و فرانسه و ... در آمد.

این هجمه‌ها تأثیرات عمیق در افراد روشنفکر و وطن‌خواه و مسلمان و اندیشمند داشته است. که به هیچ وجه حاضر نبودند نقطه‌ای از وطن در دست بیگانه افتاده و یا هویت و کیان این مملکت به تسخیر رود یا خوشه‌ای در او وارد شود. بدین منظور هریک در ارائه پیام‌ها و چگونگی رویکرد و یا تهاجم آنان و شیوه غارت و اندیشه ضد بشری آنان داد سخن سر داده‌اند و مردم را به هوشیاری و تیزهوشی در برابر دندان حرص و طمع دعوت کرده و در این میان با مثال‌هایی از قدمت جنگ و غارت در گذشته و بیان نام غارتگران و امپراطوران و فتنه‌های آشکار را توجیه و خاطر نشان گردیدند. که به عنوان مثال تهاجم آلمان و فتح و رشورا می‌توان نام برد.

در این رویکرد اوصاف در قالب اشعار، شاعرزبان لعن و نفرین بر طایفه‌های گوناگون و ادیبان، بایده‌ها و ناهنجاری و ظلموستیز، داد و فغان انزجاری مضایقه ننموده است. واز جهان پراز انحرافات و بدی و ناهنجاری و ظلموستیز، داد و فغان سرداده است. که عواقب آن سیاهی و بیچارگی نفوس بشرو عامه بزرگ و کوچک را به دنبال دارد. ایده شاعر به جغد و جنگ و فرآیند حاصل از آن، فرآیند منفی و پراسیب و زیان است. چرا که اکثر آنها از سوی جنگاوران به قصد غارت و چپاول صورت می پذیرد. نه بر عقیده انسانی و معرفتی حاصل از اندیشه ای پاک در نگاه شاعریک مهاجم یک اجنبی است که مضر برای رشد و تعالی یک ملت است. و منعی در راستای سمت و سوق جامعه به سوی کمال مطلوب است. که عملی بر خلاف وجدان سالم بشری برمی دارد همان که گورکی در اشاره به آن می گوید «عشق پایان دادن به حسد، حرص، جنایت، مرض، جنگ و دشمنی در بین تمام ملت های جهان وجود دارد.» (گورکی، ص ۲۶)

۲-۲۰- پیام به وزیر خارجه انگلیس:

در این قصیده از معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس انتقاد شده که در ۲۵ سالگی سروده شده است. سوی لندن گذرای پاک نسیم سحری انگلیس ارزتومی خواست درآمد یک مدد مثل است این که چوبر مردشود تیره جهان تو بدین دانش، افسوس که چون بی خردان اندر آن عهد کهبا روس بیستی زین پیش تو خود از تبتو ایران و ز افغانستان انگلیس آن ضرری را که از این پیمان برد نه همین زیر پی روس شود ایران پست نام نیکوبه ازین چیست که گویند به دهر این ترکیب بند نیز در سوگواری از حادثه بمباران آستانه مقدسه رضوی در سال ۱۲۹۰ گفته شده است.

۲-۲۱- توپ روس:

اسلام را شهید جفا کرد توپ روس هر ماتی که بود، کهن شد به روزگار
نتوان شمردش که چهار کرد توپ روس
زین ماتم نوی که به پا کرد توپ روس

تجدید عهد کرب و بلا کرد توپ روس با تیر کینه قصد خدا کرد توپ روس بر کعبه حریم رضا کرد توپ روس در این شریف بقعه، صدا کرد توپ روس پر از جنازه شهدا کرد توپ روس همچون علف، به داس جفا کرد توپ روس تا خاندان ظالم از آن پر شرر شود

آوخ که در دیار خراسان به عهد ما نهردوش به بارگه حجت‌ه خدا دردا که رخ، زبهر خرابی چوقوم فیل آن از دقیقه ای که بمانند پیک مرگ گرو ضریح سبط نبی را چو قتلگاه زوار را به طوف ضریح رضا، درو زودا که آه بیگنهان شعله ور شود

۲-۲۱ - فتح ورشو:

این قصیده در سال ۱۲۹۳ در نکوهش تزار روس و روس تزاری ساخته شد.

درهم شکست حشمت اسلورا چون داس باغبان علف خود را مسکف ز کف گذارد مسکو را برتافت دست چندین خسرو را هم خواجه آن یله شده و ورزورا برتافت چنگ و بسته ورشو را

قصیر گرفت خطه ورشو را جیش تزار را بیرشش بگسیخت دیری نمانده کز یورشی دیگر روس آنکه در لهستان چنگالش ورشو که به عروس لهستان گشت بنگر که خود چگونه از و کیهان

۲-۲۲ - نفرین بر انگلستان:

استاد بهار در سیاست خارجی رویه انگلستان را در شرق بالاحص در ایران دوست نداشت و نفوذ آنان را مانع اصلاحات می دانست در جنگ عمومی دوم و هجوم قوای بیگانه (در شهریور ۱۳۲۰) به خاک ایران و بیرحمی هایی که از آنان نسبت به این کشور و مردمان آن سرزد، تمام را زیر سر انگلستان می پنداشت. با این عقیده و ایمان، این نفرین نامه را در سال ۱۳۲۱ خورشیدی خطاب به انگلستان سرود.

ز آسیا آواره گردی وز اروپا ، پا شوی وز بویر و کاپ، دل برکنده و در واشوی

انگلیسا در جهان بیچاره و رسوا شدی چشم پوشی با دل صدمباره از سودان و مصر

کفش پاره دست خالی، سوی آمریکا شوی
 وزغم نفتون روان پرشعله نفت آسا شوی
 گه نشانی شاه و گه سرمایه غوغاشوی
 تا پس از او حامی دزدان بی پروا شوی
 تا در ایران بی رقیب انباز هریغما شوی
 قتل میلیون ها جوان را علت اولی شوی
 قصیده جغد جنگ که در سال ۱۳۳۹ توسط بهار سروده شده است:

که تا ابد بریده باد نای او
 گسسته و شکسته پرو پای او
 کزو بریده باد آشنای او
 که کس امان نیابد از بلای او
 وز استخوان کارگر غذای او
 جان برد از صدمت صدای او.....

با کلاه بام خورده با لباس مندرس
 بگذری از لای و بیرون شوی از هفت کل
 مدّت یک قرن شد تا تو درین ملک ضعیف
 گه کنی تحریک و از پای افکنی میر کبیر
 گاه در افکندن شوسترشوی همدست روس
 آتش جنگ عمومی را نمایی شعله ور
 قصیده جغد جنگ که در سال ۱۳۳۹ توسط بهار سروده شده است:

فغان ز جغد جنگ و مرغوای او
 بریده باد نای او و تا ابد
 زمن بریده یار آشنای من
 چه باشد از بلای جنگ صعب تر
 شراب او زخون مرد رنجبر
 همی زند صدای مرگ و نیست کس

۳ - نتیجه:

- ادبیات پایداری، ضمانت نجات و رهایی و بالندگی و توسعه جوامع انسانی را نموده و به پاره ای از امور چون روح مقابله با جریان های مخالف با آزادی و در پیرامون موضوعات و تأثیراتی چون قانون گریزی و قانون ستیزی با مراکز قدرت و محور آزادی های فردی و اجتماعی و تسخیر قدرت و سرزمین و سرمایه های ملی و فردی را تحت الشعاع قرار داده است.

- ادبیات پایداری، در مجموعه تألیفاتش به طور کلی نماد و آئینه رنج ها و مظلومیت های مردمی است که در عرق به وطن فدای نظام های زرگوشده اند و با القاء امید برآینده ای درخشان و بشارت بر پیروزی وعده داده شده به پایداری و شکیبایی در برابر ستم، و با وصف نیک آزادی و آزادگی، و حفظ قداست شهیدان، با بیان قابلیت ها در زبانی صریح، تجلی بخش روح و جان آدمی است.

- قدمت مباحث نظری در خصوص ادبیات پایداری اختصاص به جنگ جهانی دوم بالاخص فرانسه داشته که نوع رویکرد آن مشارکت فعال در تحولات جامعه بوده است.

- در اشعار بسیاری از شاعران از جمله ملک الشعراى بهار و نسیم شمال مبارزه با ظلم، اجرای

عدالت، وارج نهادن بر هنرمند و یا ستایش از آنها، فریاد از ظلم و ظالم و جهالت و نادانی و تزویر و وارونگی ساختار جامعه و مردم و برافراشتگی یاوه سرایان و ابلهان، واز کارافتادگی انجمن معدلت و ... بوده که پیامد سوئی را به دنبال داشته است.

-انذار و بشارت بر مردم در هوشیاری از خطرات و حفاظت از وطن و پرهیز از فتنه و خانه براندازی خصم و استمداد بر یکدیگر و افسوس بر خون های از دست رفته از سوی دشمن و مبارزه با کوه فتن و توجه به همت و غیرت و فوت و عجین ساختن مهر به وطن با جان و تن و شور و مقابله با لشکر دشمن در تعالیم شعری شعراست.

-اعتراض از دست عوام در اعمال بدی بر اسلام و خواص در اعمال بدی بر اشخاص و هجوم دود سیاه بر وطن و شعله سوزان چپ و راست و نفاق، و زار و ضعف اسلام همه را از درون دانسته و توصیه بر کهنه چنار بودن خود دانسته که ناله از باد نباید داشت بلکه بر خاک باید داشت. که راه مقاومت را فراموش و دچار خلل گشته است.

-شاعران در ادبیات پایداری هوشیاری از خیانت و کمین دشمن در خونریزی عزیزان و سرزنده بودن در برابر ظلم و در شعری که اشاره به دولت تزار روس دارد آرزوی به سزا رسیدن خائن با خیانتش داشته و فقدان مردان بزرگ (خیابانی) و شهادت آنها را لطمه بزرگ به آزادی و آزادی خواهی دانسته اند.

-در پاسداشت از اندیشه و تفکر ظلم ستیزی اشعار حبسیه در ردیف ادبیات پایداری بوده که تفکر بیداری و شناخت و آگاهی از وضع جامعه را تلقین می نماید. که در قصیده زندان بهار و مرغ خموش به وجه نیکویی بیان گردیده است.

-در هویت مذهبی ادبیات پایداری، به فرهنگ و آیین و آداب و رسوم و مجموعه اخلاقیات ایمان و مقدّسات و موازین الهی، روح و نفس و جان، سعادت، معرفت و کمالات فردی، حرمت، معیارها، سیاست مدن و تدبیر منزل، حقوق انسانی، تمدن، شئونات، که در معرض دشنه های شیطانی است توجه شده است که نمونه آن در شعر خویش را احیا کنید و تأسف بر گذشته می توان بررسی کرد.

-ادبیات پایداری، با توجه به هویت جهانی خود به دنبال اصلاح امور جوامع و منع هجوم و غارت دولت ها و ملت های غنی بر ضعیف که در سیطره انحرافات اخلاقی و تربیتی بوده می باشد. تا با رویکردی انسانی، آرامش و آسایش را نصیب همه ملل نموده به طوری که این ایده در اشعار ملک الشعراى بهار در شعر پیام به وزیر خارجه انگلیس و توپ روس و فتح ورشو، نفرین بر انگلستان و جغد جنگ قابل رؤیت است

منابع و مآخذ:

- ۱- آراین پور، یحیی، ۱۳۷۹، از صبا تا نیما، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، نشر زوآر
- ۲- برادسکی، جوزف، ۱۳۷۳، شعرشکلی از مقاومت در برابر واقعیت، ترجمه شهلا شاهسوندی، مجله شعر، ش ۱۶
- ۳- بهار، ملک الشعرا، ۱۳۸۸، دیوان اشعار، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات نگاه
- ۴- حسینی گیلانی، سید اشرف الدین، ۱۳۲۵ مجله نسیم شمال، چاپ رشت، شماره ۹
- ۵- سارتز، ژان پل، ۱۳۴۸، ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی ج اول، تهران، نشر کتاب زمان
- ۶- شکری، غالی، ۱۳۶۶، ادب مقاومت، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، نشر نو
- ۷- ظفری، ولی اله، ۱۳۶۴، حبسیه در ادب فارسی، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر،
- ۸- گورکی، ماکسیم، ۱۳۶۴، ادبیات از نظر گورکی،
- ۹- بهرامی، ناصر قلی، ۱۳۷۳، مجموعه اشعار، به کوشش پرویز بیگی حبیب آبادی تهران، بنیاد حفظ و آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
- ۱۰- نجفی، ابوالحسن، ۱۳۵۶، وظیفه ادبیات، جلد اول، تهران، نشر کتاب آرمان

بررسی هویت ملی در ادبیات منظوم دفاع مقدس با تکیه بر اشعار سید حسن حسینی

دکتر عبدالله حسن زاده میرعلی عضو هیات علمی دانشگاه سمنان
فاطمه ابراهیمی توجایی دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات مقاومت

چکیده

هویت انسان‌ها محصول عوامل متفاوتی است که به شناخت از خود و جایگاهشان در محیط اجتماعی باز می‌گردد. ادبیات هر ملت نیز، بستر فرهنگ و هویت آن ملت محسوب می‌شود؛ بستری که در سایهٔ تداوم تاریخی و به کمک فنون و ابزار ادبی تمامی ابعاد تاریخی و اجتماعی آن ملت را در خود جای داده و بارور ساخته است و در جهت آگاهی مردم از آنچه بر سرزمینشان رقم خورده و می‌خورد به کار گرفته می‌شود. شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی نیز، همواره با استفاده از ظرفیت‌های زبانی و معنایی به توصیف مبانی عقیدتی و هویتی ایرانیان پرداخته‌اند. ادبیات پایداری به عنوان شاخه‌ای از ادبیات، سهمی عمده در شعر فارسی را به خود اختصاص داده است. شاعران دفاع مقدس به موضوع هویت ملی توجه ویژه نشان داده‌اند. اشعار این شاعران نمونه برجسته ادبیات منظوم با رویکرد دینی و ملی است. از جمله عناصر و مولفه‌های هویت ملی در شعر شاعران دفاع مقدس عبارتند از: تعهد نسبت به وطن، تشویق به دفاع از نمادهای ملی، احساس افتخار نسبت به تاریخ، فرهنگ و دین ایران، اعتقاد به ضرورت وجود وحدت میان افراد جامعه و...، حسن حسینی یکی از شاعران موفق معاصر است که در سروده‌های خویش به مولفه‌های ملی توجه نشان داده است. در اشعار حسینی تعلق خاطر شاعر به تاریخ، فرهنگ، دین ایران و موضوع دفاع از سرزمین و دین دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد. در سروده‌های وی هم اسطوره‌های ملی نقش دارند و هم نمادهای تاریخی و مذهبی.

واژه‌های کلیدی:

هویت، هویت ملی، شعر دفاع مقدس، سید حسن حسینی

۱- مقدمه

ادبیات ملت‌ها در پیچه‌ای است برای نشان دادن جنبه‌های مختلف حیات مردم آن سرزمین. از ابتدای آفرینش انسان تلاش برای ادامه بقا، همراه انسان‌ها بوده است و جنگ‌ها به عنوان جنبش‌های اجتماعی در مسیر دفاع از چیستی و ماهیت فردی و اجتماعی افراد و نیز دفاع از هویت اجتماعی، جغرافیایی و ملی آنان، به عنوان حوادثی مهم در تاریخچه حیات هر ملت، ثبت می‌شود. ادبیات پایداری برگرفته از مضامین مقاومت و ایستادگی در برابر حکومت‌های خودکامه داخلی و یا دول استعمارگر خارجی است. ادبیات پایداری در ایران، شاخه‌ای از ادبیات محسوب می‌شود و به عنوان اصلی‌ترین زمینه ایجاد مضامین پایداری در دوران اخیر، بخش مهمی از ادبیات این سرزمین را به خود اختصاص داده است که علت آن را می‌توان موقعیت جغرافیای ایران و ثروت‌های انبوه مادی و فرهنگی این سرزمین دانست. در طول هشت سال جنگ تحمیلی در ایران، مهم‌ترین بخش ادب پایداری در عصر حاضر در این کشور شکل گرفت و مشکلات و حوادث پس از جنگ نیز به عنوان بخشی دیگر از این گونه ادبی، فصلی مهم از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داد. در حقیقت جنگ تحمیلی در ایران و هشت سال دفاع مقدس، کوششی در جهت حفظ و دفاع از هویت ملی و دینی مردمان این مرز و بوم بوده است. دفاع مقدس، زمینه‌ای را ایجاد کرد که شاعران و نویسندگان این سرزمین آنچه را که در صحنه نبرد به وقوع می‌پیوست ثبت و ضبط کنند و برای نسل‌های پس از خود میراثی گران بها به یادگار گذارند. شاعران انقلاب و دفاع مقدس کوشیده‌اند تا با استفاده از مضامین دینی و پیوند آن با مضامین و نمادهای ملی ایران، مخاطبان خود را به دفاع از وطن خویش تحریض نمایند. این شاعران مولفه‌های هویت دینی را وسیله‌ای برای دفاع از مبانی هویت ملی دانسته‌اند و اشعارشان نمونه برجسته ادبیات منظوم با رویکرد دینی و ملی است. در این پژوهش به بررسی شاخصه‌های هویت ملی و مولفه‌های اصلی آن در ایران و در شعر دفاع مقدس پرداخته می‌شود و پس از آن با یافتن مولفه‌های برشمرده شده از هویت ملی در اشعار سید حسن حسینی، میزان توجه این شاعر به هویت ملی بررسی شده است.

۱-۱- بیان مسأله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی، ایران عرصه نبرد آشکار میان حق و باطل بود. جوانان سلحشور این مرز و بوم با پیروی از رهبری روحانی، در جهت رسیدن به اهداف والای انسانی که دفاع از اسلام و میهن بارزترین نمونه آن بود جان برکف نهادند و وارد عرصه جهاد شدند.

بی تردید نقش نمادها و مولفه‌های ملی و دینی و تاریخی در هدایت و حفظ وحدت و یکپارچگی این مبارزان، نقشی اساسی داشته است. از آن جایی که هر جنگ دفاع از مرزهای جغرافیای و حریم اعتقادی و معنوی هر ملت به تلقی می‌شود، جنگ‌ها را می‌توان تلاشی برای دفاع از ملیت یک کشور به شمار آورد. واضح است که در حوزه ملیت، با تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی یک ملت روبرو هستیم. بنابراین هویت ملی از اصلی‌ترین مبانی دفاع در خلال جنگ میان ملت‌ها قلمداد می‌شود. جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس در ایران نیز کوششی در جهت حفظ و دفاع از هویت ملی و دینی مردم این سرزمین بوده است. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بررسی مولفه‌های هویت ملی در شعر دفاع مقدس جایگاه هویت ملی را در اشعار سیدحسن حسینی تحلیل نماید.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

ماندگاری و حفظ آنچه که در تاریخ یک سرزمین رقم می‌خورد، به وسیله ثبت و ضبط آن امکان‌پذیر می‌باشد. کتاب‌های تاریخی و کتاب‌های ادبی در زمینه‌های مربوط و همچنین طرح‌های پژوهشی، نقشی موثر را در ایجاد شرایط مناسب برای این حفظ و نگه‌داری فراهم می‌کنند. تجربه هشت سال دفاع مقدس و آثار خلق شده در این موضوع یادآور مبانی هویتی و نقطه اشتراک اعتقاد معنوی و سربلندی مردم این سرزمین است. لذا لزوم تحقیق در این زمینه و بررسی میزان توجه شاعران این عرصه به مسأله هویت ملی احساس می‌شود. تا با بررسی این مولفه‌ها و استخراج نتایج آن، منبعی موثق در این زمینه تدوین شود.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات دفاع مقدس، آثار قابل قبول و درخور توجه‌ای از سوی برخی از نویسندگان متعهد ما به نگارش درآمده است که از بعضاً از پشتوانه‌های علمی و تحلیلی نیز برخوردارند. در زمینه هویت ملی نیز از دیرباز تحقیقات فراوانی از سوی پژوهشگران انجام یافته است و همچنین در زمینه هویت ملی در شعر دفاع مقدس کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است که می‌توان به این نمونه‌های اشاره کرد: از نویسندگانی که در مورد جنگ به پژوهش پرداخته‌اند، دکتر محمدرضا سنگری است که در کتاب سه جلدی خود با نام «نقد و تحلیل ادبیات منظوم دفاع مقدس» ویژگی‌های کلی شعر جنگ را در سه عنوان ۱- بهره از نماد، ۲- داشتن چهره انسانی عام، ۳- مشترکات زبانی و فکری بیان می‌کند. همچنین کتاب «دستی بر آتش» از غلام‌رضا کافی، که به بررسی شعر جنگ از نظر ساختار و محتوا

می پردازد. کتاب شامل هفت گفتار است و از جمله مطالب کتاب که می‌توان به اشاره کرد، بررسی شعر قبل از انقلاب اسلامی (محتوا و قالب)، ویژگی لفظی و ساختاری دوره جنگ، اهمیت قالب‌ها و ... است. عبدالجبار کاکایی در «آوازهای نسل سرخ» و «بررسی موضوعات پایداری در شعرایران و جهان» و علی مکارمی‌نیا در «بررسی شعر دفاع مقدس» از دیگر نویسندگان هستند که در این مورد به پژوهش پرداخته‌اند. همچنین مقالاتی همچون «شعر انقلاب اسلامی» از محمدرضا سنگری، فرهنگ و هنر (شعر)، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۳۴، ص ۳۲-۳۶. این مقاله ویژگی شعر انقلاب را در دوره‌های مختلف و پرفراز و نشیب آن، مورد بررسی قرار داده است. مقاله «هویت ملی در شعر دفاع مقدس» از منوچهر لک، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۴، شماره ۲۲، ص ۱۳۲-۱۱۱، که بررسی تأثیر جنگ هشت ساله بر مقوله هویت سازی فرهنگ ایرانی در شعر پرداخته است. مقاله «هویت ملی و دفاع مقدس» از سید حسین ولی پور زرمی، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۴، شماره ۲۳، ص ۱۲۲-۹۹. این مقاله به بررسی مقوله هویت ملی در دفاع مقدس پرداخته است و آموزه‌های دینی، انقلابی و ملی را به عنوان مبانی سازنده هویت ملی در دفاع مقدس، مورد توجه قرار داده است.

۲- بحث

هویت بیانگر ادراک فرد از خویشتن و پاسخی به چیستی و کیستی او است؛ آنچه فرد از درون خویش می‌داند و نیز آنچه در تعامل با دیگر افراد و گروه‌ها، از برون خویش می‌یابد. هویت را می‌توان اجتماعی از مولفه‌ها و عناصر گوناگون در حوزه‌های مختلف زیستی اعم از فردی و اجتماعی دانست که به عنوان مجموعه‌ای از معانی - شامل انواع آگاهی‌ها، نمادها، ارزش‌ها و ... - استقلال بخش افراد و گروه‌ها می‌باشد. این استقلال، روندی است که زیربنای آن را آگاهی‌های درونی و بیرونی کسب شده توسط افراد تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر «هویت به معنی آگاهی فرد از «کیستی» فردی و تعلقات اجتماعی اش است. طبعاً این آگاهی، معطوف به آن دسته از ارزش‌ها و معانی است که برای فرد از اولویت بیشتری برخوردارند. همچنین این آگاهی گرچه از طریق فرآیند فردیت بخشیدن حاصل می‌شود اما صرفاً یک احساس درونی و فردی باقی نمی‌ماند. بلکه از طریق نشان دادن همگنی‌ها و ناهمگنی‌های فرد با افراد و گروه‌های دیگر، نمود بیرونی و جمعی می‌یابد ... هویت، امری ذاتی نیست بلکه یک سازه است. زیرا اولاً از جنس معنا است (و بنابراین اعتباری و قراردادی است)، ثانیاً متضمن تقسیم و تخصیص موقعیت‌ها و منابع است. گرچه ساختن هویت در نهایت توسط پذیرش فرد، صورت می‌گیرد اما محیط اجتماعی و به ویژه مناسبات قدرت حاکم بر این محیط، نقش اساسی

در ساخته شدن هویت دارند» (دلآوری، ۱۳۸۳: ۲۶۲-۲۶۳).

شناخت هویت یک امر به معنای شناخت جزء جزء تشکیل دهنده آن است و از آن جا که همه عناصر جهان هستی در حال تغییر، تحول و دگرگونی است، هویت هر چیز نیز بنا بر شرایط و نیازهای گوناگون، همواره در حال تغییر، تحول و به بیانی صحیح تر «باز تولید» خواهد بود. «نکات قابل توجه در تعریف هویت عبارتند از:

۱- هویت، مفهومی یگانه و یک جانبه نیست بلکه چند وجهی و مرکب است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نمادها و هنجارها و اعتقادات و ...

۲- هویت‌ها بازتابی هستند. یعنی بازخورد نتایج جریان‌های خود، به خود. به معنی تحت تأثیر قرار دادن عملکردها.

۳- هویت‌ها انگیزه‌ساز هستند و انگیزه‌های عمل را فراهم می‌نمایند.

۴- هویت‌ها عامل مشخص کردن «خود» و «غیرخود» به صورت همزمان می‌باشند» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۸).

همچنین هویت را دارای ماهیتی متناقض که دلالت کننده بر مولفه‌های متضاد به طور همزمان است می‌دانند؛ از جمله دلالت بر عناصر ثابت و پویا، مستمر و مقطع و غیره. افروغ در نگاهی کلی، پارادوکس‌های ماهیتی «هویت» را چنین برمی‌شمرد:

«۱- اولین پارادوکس هویت به این ویژگی برمی‌گردد که هویت به طور همزمان حامل یک عنصر ایستا و یک عنصر پویا است. از یک سو رجوع به مفهوم هویت، بیانگر استمرار و تداوم تاریخی است اما از سویی دیگر نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که هویت همواره در معرض بازتعریف و باز تولید است ...

۲- پارادوکس دیگر به هویت‌های چندگانه مربوط می‌شود. معمولاً افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، الزاماً با یک هویت وابسته نیستند و می‌توانند هویت‌های مختلفی را پذیرفته باشند. مثل هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت ملی، هویت جنسی و هویت مربوط به گروه‌های شغلی ...

۳- پارادوکس سوم به این نکته برمی‌گردد که اگر ما بخواهیم بر هویت، تکیه کنیم چون هویت بار احساسی و ارزشی دارد، با رفتار عقلانی تباین پیدا می‌کند. رفتار عقلانی مستلزم برآورد سود و هزینه است اما هویت، در واقع باردار حفظ سنت است» (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۷-۲۶). بنابراین آنچه بیان شد، ویژگی‌های کلی «هویت» را می‌توان چنین برشمرد:

۱. پویایی و نه ایستایی

۲. دلالت بر تشابه و تمایز به طور همزمان

۳. عامل شناسایی چیزی از چیزهای مشابه و متفاوت دیگر و مرز میان آن‌ها

۴. برخورداری از ماهیت «بازتولیدی»

این ماهیت بازتولیدی شامل تمامی مولفه‌های هویت و مراتب گوناگون آن می‌شود. مولفه‌های هویت را به حوزه‌های «شناختی و روانشناختی» نیز تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

«حوزه‌های شناختی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، آگاهی‌ها، طرز تلقی‌ها یا رویکردها است. ولی حوزه روانشناختی شامل احساسات، نیازها و تمایلات می‌شود... در بُعد روانشناختی، احساس تمایز و تشابه، احساس تعهد و تکلیف و نیز احساس تعلق به عنوان مولفه‌های هویت برشمرده شده‌اند» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵).

هویت دارای انواع گوناگونی است، از جمله: ۱- فردی، ۲- اجتماعی، ۳- قومی، ۴- فرهنگی، ۵- دینی، ۶- جهانی، ۷- ایرانی، ۸- ملی و... بنابراین طبق ماهیت «پارادوکسیکال» هویت، هر شخص می‌تواند به طور همزمان در بیش از یک طبقه هویتی قرار گیرد.

۲-۱- هویت ملی

همان‌گونه که از نام «هویت ملی» برمی‌آید، هویت ملی هویتی برخاسته و شکل گرفته از ملیت مردمان یک سرزمین می‌باشد. ملت را «اولین پوشش و حفاظ فرد در تعامل با دیگران» می‌دانند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۵۸) و عناصر اصلی آن را شامل «۱- قلمرو جغرافیایی مشترک، ۲- زبان مشترک، ۳- اخلاقیات و آداب و رسوم مشترک، ۴- تجربیات مشترک، ۵- گذشته تاریخی مشترک، ۶- قوانین و مذهب مشترک است» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۲). بهره‌مندی از گذشته تاریخی مشترک و وجود تدام تاریخی، موجب خواهد شد که افراد یک ملت، با به یادآوری آنچه بر سرزمین و زندگی نیاکانشان در طی سالیان متمادی در طول تاریخ رقم خورده است، شناختی صحیح از هویت تاریخی و سرزمینی خویش یا به بیانی دیگر، از هویت برخاسته از ملیت خویش، حاصل نمایند. از هویت ملی تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند که این تعاریف، هر یک برویگی‌های از این هویت، توجه داشته‌اند؛ ویژگی‌هایی از قبیل مشخصه‌های اجتماعی، سیاسی، سرزمینی، مذهبی و... با فرض کردن ملت به عنوان یک گروه اجتماعی وسیع، هویت ملی را می‌توان گونه‌ای از انواع هویت جمعی، در سطح این گروه اجتماعی دانست. قابل ذکر است همان‌گونه که در بررسی مقوله «هویت»، پویایی و غیرایستا بودن

به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی هویت، ذکر شد، می‌توان گفت: «هویت ملی صورتی ثابت و ایستا ندارد و چون منشوری است که با هر تغییر زاویه تابش، رنگی از خود منتشر می‌کند. بنابراین نمی‌توان به دنبال صورتی مطلق و ایستا از آن گشت» (هاجری، ۱۳۸۶: ۲۲۳). همچنین مانند هر مقوله دیگر، عوامل و عناصر سازنده «هویت ملی» را می‌توان به عناصر اصلی. که نقش مستقیم و کاملاً موثر در این روند دارند. و عوامل فرعی. که قابل تغییر و حذف هستند. تقسیم کرد.

۲-۲- هویت ملی در ایران

ایران با برخورداری از تاریخی کهن، ضمن مقابله با حملات متجاوزان برای حفظ تمامیت ارضی خویش، همواره در تلاش برای دفاع از عناصر ملیت و هویت ملی خود بوده است. اما به هنگام مواجهه با آنچه نقش مثبت در روند تکاملی این هویت داشته است، واکنشی متفاوت داشته است: «ملت و کشور ایران. که از ملل محدود دیرپا و کهن گذشته است، همواره در فرایند تاریخی سعی کرده است هویت و موجودیت خود را در برابر اقوام و ملل دیگر حفظ نماید. به هنگام شکست در برابر ملل بی‌فرهنگ، آن‌ها را در خود هضم کرد ولی در مقابله با ملل دارای هویت ایدئولوژیک مثل مسلمانان، رابطه و تعاملی دوجانبه از خود نشان داد که موجب تقویت و تکامل هویت دو طرف گردید» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۱۴). مطرح شدن هویت ملی در ایران را نتیجه سیر تکاملی مفهوم تاریخی هویت ایرانی می‌دانند که در نتیجه پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های بسیار، در عصر جدید متجلی گشته است:

«عده زیادی از کسانی که در مورد هویت ملی بحث می‌کنند معتقدند همان عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی، مقدمه‌ای برای هویت ملی است. در ایران، هویت و حتی هویت ملی به مراتب سابقه دیرینه‌تری از غرب دارد. غرب تا قرن شانزدهم پراکنده بوده و مفهوم سرزمین مشترک معنا نداشته است. در حالی که ما در گذشته نوعی ناسیونالیسم بدوی داشته‌ایم و همان ناسیونالیسم بدوی به ناسیونالیسم مدرن تبدیل شده است که در قالب هویت ملی مطرح می‌شود... هویت ایرانی هرچند به منزله انگاره سیاسی و مذهبی به ساسانیان برمی‌گردد اما به عنوان یک انگاره ارضی، قومی و مذهبی، سابقه دیرینه‌تری دارد. آیین زرتشت این ظرفیت را داشته که دین را به امور سیاسی بکشاند. بعد از اسلام که ایرانی‌ها اسلام را پذیرفتند، در واقع گم‌شده خویش را در تشیع دیدند. مذهب شیعه را انتخاب کردند و بدان پروبال دادند و به آن افتخار رسیدند...» (افروغ، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۴). بنابراین با گذر از دوره ساسانیان و رسیدن به دوران پذیرش اسلام در ایران، مفهوم هویت ایرانی ضمن حفظ

پایه های خویش، فراز و نشیب هایی را پشت سر گذاشت و با رویکردی مثبت، در مسیر تأملی خویش تغییراتی را پذیرفت و با تلفیق عناصر اسلامی و عناصر ایرانی، به صورت هویت ملی در عصر جدید مطرح شد. افروغ مولفه های فرهنگی در ایجاد هویت ملی ایرانیان را عبارت می داند از: ۱- زبان، ۲- دین، ۳- فرهنگ (همان: ۴۶-۴۷). بنابراین پیوند وثیق آموزه های دین اسلام با زندگی ایرانیان در دوره معاصر، دین را می توان از اصلی ترین ارکان هویت ملی ایشان قلمداد کرد. آن چنان که عناصر جوهره هویت ملی ایرانیان همگی ریشه در آموزه های دینی دارد.

۲-۳- مولفه های هویت ملی در شعر شاعران دفاع مقدس

از آنجا که هویت ملی با شمول برویژگی های تاریخی - فرهنگی و تاریخی - سیاسی یک سرزمین، موجب همبستگی میان افراد آن می شود و نیز با توجه به این که برای هویت ملی ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی قائل شده اند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴)، می توان مولفه های بسیاری را برای هویت ملی قائل بود. این مولفه ها را با نسبت های گوناگون و با میزان تأثیرگذاری متفاوت در روند شکل گیری هویت ملی می توان یافت:

«هویت ملی ساختاری متشکل از مولفه های مختلف است که نه با یک نسبت برابر، بلکه با نسبت های مختلف در شکل دهی به این ساختار، مشارکت دارند. به همین دلیل هویت های مختلف، مولفه های مشترک بسیار دارند اما به سبب نسبت های متفاوت مشارکت، صورت های مختلف هویتی از یکدیگر متمایز می گردند ... هویت ملی صورتی ثابت و ایستا ندارد و چون منشوری است که با هر تغییر زاویه تابش، رنگی از خود منتشر می کند. بنابراین نمی توان به دنبال صورتی مطلق و ایستا از هویت گشت» (هاجری، ۱۳۸۶: ۲۲۳). همچنین با توجه به نقش مرکزی مفهوم ملت در محکم شدن پایه های هویت ملی، توجه به ارکان سازنده ملت نیز به عنوان مولفه های هویت هر ملت که آن را از سایر ممالک متمایز می کند، ضروری است؛ «بی گمان نژاد، دین، گذشته تاریخی، فرهنگ، آداب و سنن، آرزوها و آرمان ها و ارزش های مشترک و سرزمینی با مرزهای طبیعی یا سیاسی واحد، هر کدام در شکل گیری مفهوم ملت، نقش موثر و غیرقابل انکاری دارند و در موقعیت ها و دوره های گوناگون حیات و تحول ملت ها، اهمیت و قابلیت های خود را بروز می دهند» (مشتاق فر، ۱۳۸۶: ۲۰۸). ابوالحسنی برای هر یک از ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی هویت ملی، مولفه هایی را قائل شده است. هر یک از این مولفه ها بر وجهی خاص از هویت ملی که شکل گیری رویکردی خاص را نیز در جامعه به همراه خواهد داشت، تکیه دارد. در بیانی اجمالی، این مولفه ها را می توان چنین برشمرد:

الف) مولفه‌های هویت ملی اجتماعی: اعتقاد به وجود جامعه ملی با ویژگی‌های ادبیات پایدار و احساسات خوب و اعتقاد به ضرورت آن و تعهد به حفظ آن، پذیرفتن افراد این سرزمین به عنوان هموطن و تعلق به آن‌ها، اعتقاد به ضرورت حفظ وحدت در این جامعه؛

ب) مولفه‌های هویت ملی تاریخی: احساس تعلق به تاریخ ایران و احساس افتخار یا نفرت نسبت به آن، تعریف و تعیین ادوار تاریخی ملت ایران، احساس تعلق به دوره‌های تاریخی؛

ج) مولفه‌های هویت ملی جغرافیایی: شناخت یک محدوده جغرافیایی معین به عنوان سرزمین ایران و نگرش (مثبت یا منفی) نسبت به زندگی در آن، آمادگی برای دفاع از ایران به هنگام تعرض به آن، ترجیح زندگی در این کشور نسبت به سایر نقاط جهان و ...؛

د) مولفه‌های هویت ملی سیاسی: اعتقاد به وجود ساختار سیاسی یکپارچه در تاریخ گذشته، اعتقاد به لزوم وجود یک نظام سیاسی حاکم بر کشور که دارای ارزش‌های همه‌پسند است و ... (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲). هم‌چنین حاجیانی با تأثیرگذار دانستن عضویت در اجتماع ملی، زمینه‌های جغرافیایی و سرزمینی، ورود اندیشه‌های ناسیونالیستی از غرب و هم‌چنین نقش قدرت سیاسی در روند شکل‌گیری و احیای هویت ملی در ایران (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۹)، شاخص‌های بُعد سیاسی هویت ملی را عبارت می‌داند از: «۱- آگاهی ملی، آگاهی و اشراف به وجود کشور ایران به عنوان یک کشور متفاوت، ۲- وابستگی و دلبستگی به ارزش‌های بنیادی و نهادهای اساسی کشور، ۳- تأکید بر استقلال کشور، ۴- احساس غرور و رضایت از ایرانی بودن، ۵- اعتقاد به تداوم تاریخی کشور ایران، ۶- اعتقاد به ضرورت حاکمیت ملی مستقل، ۷- تعهد به افراد کشور، ۸- تمایل به دفاع از کشور و ضروری دانستن آن» (همان: ۴۰۴-۴۰۳). در یک جمع‌بندی نهایی با توجه به آنچه بیان شد، عناصر و مولفه‌های هویت ملی در ایران و در شعر شاعران دفاع مقدس عبارتند از:

۱- احساس ایرانی بودن و تعهد نسبت به وطن، ۲- تشویق به دفاع از نمادهای ملی مانند پرچم ایران، سرود ملی، وفاداری ملی، مرز و بوم، وطن، شهرها و ...، ۳- احساس تعلق و افتخار نسبت به تاریخ، فرهنگ، زبان و دین ایران و تعلق به نمادهای هر یک مانند زبان فارسی، دین اسلام، شخصیت‌ها و آثار علمی و فرهنگی، بزرگان دینی و ...، ۴- اعتقاد به لزوم وجود وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی میان افراد و دفاع از یکپارچگی و وحدت بین اقوام مختلف و همبستگی اسلامی، ۵- احترام به نظام مدیریتی حاکم بر کشور و پیروزی از رهبری. با توجه به آنچه گفته شد به بررسی مولفه‌های هویت ملی در شعر سید حسن حسینی می‌پردازیم:

۴-۲- بررسی مولفه‌های هویت ملی در اشعار سید حسن حسینی

«سید حسن حسینی در اول فروردین ماه سال ۱۳۳۵ در محله سلسبیل تهران متولد شد. وی پس از

پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه مشهد راه پیدا کرد و در سال ۱۳۵۸ در رشته تغذیه، مدرک کارشناسی خود را درک کرد. او در سال ۱۳۵۹ به خدمت سربازی رفت و در طی این دوران، کار نویسندگی برنامه‌های رادیویی ارتش را به عهده‌گرفت. حسینی یک سال پیش از این، به همراه تعدادی از شاعران و هنرمندان، جلسه‌های نقد و بررسی شعر را در حوزه هنری آغاز کرده بود که این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۶۶ ادامه داشت. او در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل به دانشگاه رفت و رشته زبان و ادبیات فارسی را تا مقطع دکترا گذراند. وی دو سال پیش از این، تدریس در دانشگاه الزهرا و آزاد را آغاز کرده بود («بیگی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۸۷»). حوزه فعالیت‌های حسینی شامل شعر، تحقیق، ترجمه و تالیف می‌باشد و از وی در این زمینه‌ها آثاری از جمله: «گنجشک‌ها و جبرئیل (۱۳۷۰)»، «ترجمه گزیده‌ای از آثار جبران خلیل جبران با نام حمام روح (۱۳۶۴)»، «ترجمه کتاب نگاهی به خویش» که به طور مشترک با موسی بیدج انجام گرفته و موضوع آن مصاحبه با شاعران و نویسندگان معاصر عرب می‌باشد. او از پیشروان شعر انقلاب بود و در این زمینه حکم‌پیر و مقتدای بسیاری از شاعران جوان بود. زنده یاد حسن حسینی در زمینه سبک‌شناسی قرآن و زبان‌شناسی حافظ نیز آثاری از خود به جا گذاشته است. او در سال ۱۳۸۲ بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت.

در شعر حسن حسینی هم اسطوره‌های ملی نقش دارند: مثل کاوه و ضحاک، رستم و سهراب، فرهاد و... و هم اشارات تاریخی، مذهبی و قرآنی، مثل اشاره به زندگی پیامبران، مصائب اهل بیت، آیات و احادیث و... اما گروه دوم از تلمیحات و احادیث کاربرد بیشتری از گروه نخست دارند. از جمله مولفه‌های ملی که در اشعار حسن حسینی به کار رفته است، عبارت است از:

۱) احساس ایرانی بودن و تعهد نسبت به وطن:

مفهوم وطن و عشق و تعهد به آن به اندازه‌ای گسترده و فراگیر است که قسمت زیادی از شعر شاعران دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است و شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین وجوه اشتراک شاعران در دنیا این موضوع باشد. هر چند احساس ایرانی بودن و تعهد به آن در سروده‌های حسن حسینی به صراحت بیان نشده ولی این ویژگی در لابه‌لای سروده‌های این شاعر دیده می‌شود. غزل «بهاریه» حسینی تصویری است روشن از حضور بهار در سراسر خاک میهن که در اعماق دل و جان مردم این سرزمین ریشه دوانیده است. شاعر از بهاری سخن می‌گوید که تازگی و طراوت را برای سرزمینش به ارمغان آورده است و جلوه‌ای دیگر به خاک سرزمینش داده است: بهاران آمد و بگشود بر یاران دری دیگر / نظر بر خاک میهن کن که بینی منظری دیگر / بین مهر فروزان را که دیگرگونه می‌تابد / توگویی پرتو افشانند ز بام خاوری دیگر

در نبرد هشت ساله تحمیل شده بر ملت مسلمان ایران مسأله‌ای که دارای اهمیت می‌باشد، این است که ایرانیان در این نبرد نابرابر تنها در برابر یک دشمن مشخص به دفاع نمی‌پرداختند؛ بلکه مجموعه‌ای از کشورهای ابرقدرت، در تعرض به سرحدات ایران با دولت بعث عراق سهیم بودند. در این میان شاعران دفاع مقدس علاوه بر مذمت و نکوهش دشمن بعث، نقش اساسی دشمنان ابرقدرت را در وقوع جنگ تحمیلی نیز از نظر دور نداشته‌اند. سیدحسن حسینی، دشمن ابرقدرت را از این منظر مورد توجه قرار داده و با «جهان‌خوار» شمردن آنان، به مذمت و تهدیدشان پرداخته است و در مظلومیت وطن سرفراز خویش این چنین سخن می‌گوید:

در زمانی که زمین را ز دو سو / بر جگر / تیر تاتار جهان‌خوار فرود آمده است / وطنم - قامت بالنده عشق / سرب‌داری است که از دار فرود آمده است (همان: ۷۸)

قوم تاتار را در ادب فارسی می‌توان نماد تمام غارتگرانی دانست که در طول تاریخ بر مردم ایران ستم روا کرده‌اند.

۲) آمادگی برای دفاع از نمادهای ملی مانند پرچم ایران، سرود ملی، وفاداری ملی، مرز و بوم، وطن، شهرها و...

هویت ملی بیانگر شناختی است که فرد در سطح جامعه ملی، از خود و از هموطنان خود به دست می‌آورد و با شناخت خویش به عنوان عضوی از جامعه ملی، خود را دارای تاریخ سرزمینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خاص با دیگر افراد جامعه می‌داند. بنابراین در خود احساس تعهد و تعلق نسبت به سرزمین خویش، تاریخ و فرهنگ آن می‌نماید که این احساس تعلق با حس افتخار نسبت به مولفه‌ها و نمادهای ملی، همراه است. هویت ملی افراد بیانگر باورها و ارزش‌های مشترک در نزد آنان است و به گونه‌ای می‌توان آن را حافظه مشترک میان مردمان یک سرزمین، قلمداد کرد. این احساس تعلق و تعهد نسبت به سرزمین در شعر سیدحسن حسینی نیز ظهور کرده است:

بکش شمشیرایمان را، بزَن راه‌پلیدان را / به چنگال جهان‌خواران فروکن خنجری دیگر
(همان: ۱۱)

در غزل زیبای ذیل، شاعر رزمندگان را همچون نیلوفر عشق می‌بیند که با عشق شهادت دور تا دور نهال سبز حق در پیچ و تابند آنان زخم زبان دشمن را با خون پاسخ می‌دهند و همچون شلاق سرخ آذرخش بر قله شب باوران فرود می‌آیند، چرا که از نسل سرخ سربدارانند و همانند حیدر و عمار و ابوذر از یاران با وفای رسول عصر خویش، خمینی هستند:

نیلوفر عشقند و با شوق شهادت / گرد نهال سبز حق در پیچ و تاب‌اند

از نسل سرخ سربه‌داران سلحشور نام آوران خطه دار و طناب‌اند
 یاروفادار رسول عصر خویش‌اند عماروش، بوذرمنش، حیدر مآب‌اند
 دراوج ایمان پاسدار نهضت حق شأن نزول آیه‌های انقلابند
 (همان: ۱۵)

شاعر در رباعی زیر با توصیف چگونگی مقابله با دشمن دین، تلاش در تقویت روحیه رزمندگان
 وطن و در مقابل ایجاد هراس و وحشت در دل دشمنان این سرزمین را دارد. گفتنی است در اغلب این
 نمونه‌ها شاعر از نام ابزار و ادوات نظامی برای تأثیرگذاری بیش‌تر بر خواننده بهره برده است:

تا دشمن دین به جنگمان می‌آید از خوف و درنگ، ننگمان می‌آید
 فریاد بلند جنگ تا پیروزی از حنجره تفنگمان می‌آید
 (همان: ۱۴۸)

«دفاع از سرزمین اسلامی، همانا دفاع از اسلام است و یکی از بالاترین ارزش‌ها محسوب می‌شود.
 رزمندگان اسلام برای دفاع از انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، برای دفاع از دین و سرزمین خود به دفاع
 از وطن پرداخته و از مرزهای آن دفاع کردند و به موازات دفاع از آب و خاک ایران، از کیان اسلام
 و نظام اسلامی دفاع کردند؛ زیرا، دفاع از سرزمین، دفاع از حاکمیت آن هم هست» (لک، ۱۳۸۳:
 ۱۱۶)، حسینی در توصیف مردم سرزمین خویش، از پایداری و مقاومت و ایستادگی آنان با وجود ابتلا
 به مصائب و سختی‌ها سخن می‌گوید؛ ملتی که به پیروی از مقتدایشان در پی به دست آوردن عزت
 و سرافرازی خویش‌اند:

در راه خدا تن به خطر باید داد در مقدم انقلاب، سر باید داد
 آن شیر زنی که شوهرش گشت شهید می‌گفت د راین راه پسر باید داد
 (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

۳) احساس تعلق و افتخار نسبت به تاریخ، فرهنگ، زبان و دین ایران و تعلق به نمادهای هریک
 مانند دین اسلام، شخصیت‌های ملی و مذهبی و ...:

هرگاه سخن از ملت و سرزمین به میان می‌آید، اسطوره‌ها و نمادهای ملی و تاریخی نیز مطرح
 می‌شوند. این نمادها از یک سو برای طیف وسیعی از مردم که با این تاریخ و اسطوره آشنا هستند قابل
 درک است و از سوی دیگر چون مفهوم نمادین گرفته بار معنایی جدیدی را باید به دوش بکشد که
 صرفاً آشنایان با زبان و نمادهای خصوصی آن شاعر مفهوم نمادین آن را درک می‌کنند. شاعران این

حیطه‌ی ادبی گاه چنین نمادهایی را که همه شخصیت‌های اسطوره‌ای دینی، ملی و تاریخی را در بر می‌گیرند، برای پرهیز از صراحت کلام و ادبی‌تر شدن شعر خویش به کار می‌برند. «در این میان تمثیل‌های آیینی و تاریخی در غنای اندیشه‌ی شاعران و پیوند آن‌ها با ملیت و دین موثرتر بوده‌اند و سراینده‌گان توانسته‌اند الگوهای دیروزین تاریخ و دین را با واقعیت‌های امروزین جنگ پیوند زنند» (بخشوده، ۱۳۸۴: ۱۷). در شعر دفاع مقدس «از وطن سرودن و رزمندگان را به دفاع از ایران خواندن، چه در شعر شاعر ملی‌گرا و چه شاعر انقلاب، هرگز غلظت و رنگ و بوی سروده‌های عصر مشروطه را فریاد نمی‌آورد. در شعر و سروده‌های دفاع مقدس نفی دیگر ارزش‌ها - ارزش‌های دینی و سنتی - برای پرتنگ کردن و برتر نشان دادن ارزش‌های ملی رایج نیست» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۹). در این سروده‌های جلوه‌های مشترک فرهنگ‌های قومی و بومی استحاله شده و سبب پیوندی مشترک میان افراد سرزمین می‌شود:

این طرفه مردانی که خصم خوف و خوابند بر حلق ظلمت خنجر یز شهاب‌اند
از نسل سرخ سربداران سلحشور نام آوران خطه دار و طنابند
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۴)

حسینی با استفاده از عناصر تاریخی و شرح دلاوری‌های شخصیت‌های ملی به طرح موضوع دفاع مردم ایران از سرزمین خود در طول تاریخ پرداخته است:

خنی‌گر خزر/ فریاد می‌زند: میرزا نمرده است / میرزا حریق جنگل در خون تپیده را / میرزا طلسم فجر
و طلوع سپیده را / میرزا تفنگ را / به شهابان شب شکن / این قاصدان صبح / این وارثان مصحف و
میزان سپرده است (همان: ۵۲)

در اشعار حسینی، مانند سروده‌های اکثر شاعران این دوران، شاهد استفاده نوین از شخصیت‌های ملی و مذهبی، در خلق استعاره‌ها و تشبیه‌ها و همچنین ارائه تصاویر بدیع بر اساس آن‌ها هستیم. حسینی با طرح الگوهای تاریخی و اسطوره‌ای سعی در برانگیختن حس غرور، دفاع از داشته‌های دینی و ملی و یکسان‌سازی آن وقایع با شرایط فعلی داشته است. شاعر با بهره‌گیری از اسطوره‌های ملی و ایرانی مشکلات زمان خود را بیان می‌کند. در سروده زیر «بیژن» نماد جوانانی است که در گرداب مشکلات زمان خود غوطه‌ور هستند و «رستم» نماد انسان آزاده و هویت ایران است و تنها کسی است که در زمان مشکلات به فریاد ایران و ایرانیان می‌رسد:

خوابم آید، قصه گوی باد کو؟ مرده‌ام من لحظه میلاد کو؟
چاه شب را بیژنم من، بیژنم رستمی از چاه شب آزاد کو؟

بیستون شب مهیب است و بلند عاشقی با تیشه فرهاد کو؟ (همان: ۹۶)

یکی دیگر از شخصیت‌های ملی به کار رفته در اشعار حسن حسینی «کاوه» است. کاوه به عنوان شخصیتی ملی که نماد ایستادگی در برابر هر گونه ظلم و بیداد است، در سروده زیر نماد ملت ظلم ستیز ایران به حساب می‌آید:

ای بامداد! ای کرده کاوه‌های زمان را / - در عصر ماردوش / - (یاوه) قلمداد

(همان: ۴۹-۴۸)

حسینی در سروده زیر به زیبایی «ضحاک» را که نماد دشمن و ستمگری محسوب می‌شود در کنار شخصیت اسطوره‌ای مثبتی چون کاوه به کار گرفته است:

اما خلق / این، / کاوه / کاوه / کاوه خلائق / این دشمنان خونی ضحاک (همان: ۴۸)

دین، در کشور ایران از عوامل مهم ایجاد اقتدار در جامعه به حساب می‌آید. انقلاب اسلامی ایران بر شالوده مذهب بنا شد و بنیان‌گذار آن نیز عالم جامع‌الاطراف شریعت بود، بنابراین شاهد اقبال مردم و جایگاه خاص مذهب در شعر این دوره هستیم. «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هویت مذهبی انقلاب، موجی وسیع و گسترده از مضامین و واژگان و در بیانی کلی تر فرهنگ اسلام را به فراخنای شعر کشانید. شعر سرشار از آیات و روایت بود. ستایش و یادکرد از چهره‌های درخشان تاریخ اسلام به ویژه ابوذر، عمار، حر، سمیه، مالک اشتر و مبارزان و مجاهدان و شهیدان بزرگی چون جلال آل احمد، دکتر شریعتی و... در سروده‌های این دوره احساس می‌شد. احساسات شورانگیز مذهبی در تار و پود شعر تنیده بود و سروده‌ها با بهره‌وری از این اندیشه‌ها به تهییج و تحریک این عواطف می‌پرداخت» (سنگری، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۹). شاعران این دوران با توجه به حدیث «حب الوطن من الایمان» باعث نزدیکی اندیشه‌های ملی و مذهبی می‌شوند. سروده‌هایی که سرشار از مایه‌های اعتقادی، باورهای مذهبی و آرمان‌های ملی بود و عامل مقاومت در برابر دشمن خارجی و حفظ تمامیت ارضی این سرزمین شد. در واقع «شعر دفاع مقدس برگرفته از دو واژه دفاع و مقدس است: دفاع ناظر بر جنبه ملی و مقدس ناظر بر جنبه دینی هویت ایرانیان بوده و بر روی هم در افزایش روحیه سلحشوری در میان رزمندگان و مقاومت کردن نقش بسزایی را ایفا کرد» (لک، ۱۳۸۳: ۱۷). در شعر دفاع مقدس، در ارادت شاعران انقلاب و دفاع مقدس نسبت به معصومین جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست. حضرت امیر نیز به عنوان اولین رهبر تاریخ شیعه، در شعر این دوره بسیار مورد توجه قرار گرفته و اشعار زیادی در وصف ایشان سروده شده است. در نگاه شیعه علی (ع) اسطوره‌ای از دلیری و شجاعت که

روح عدالت را زنده نگه داشته است. شاعران دفاع مقدس به تمام ابعاد شخصیت این حضرت نظر داشته‌اند نیرویش، ذوالفقارش، نبردهای پیروزمندان‌اش، یارانش و... و سعی می‌نمایند به منظور تهییج و ترغیب رزمندگان به پیکار علیه دشمنان وطن ضمن مشابهت سازی جنگ تحمیلی با هریک از نبردهای تاریخ صدر اسلام، رزمندگان را با هریک از دلاوران و مبارزان صدر اسلام مانند سازند و آنان را به همیاری علی (ع) امیدوار کنند. حسینی در بیت زیر به عدالت خواهی و شرح دلاوری‌های حضرت امیر (ع) اشاره کرده است، همان دلاوری که در عرصه‌های نبرد حق علیه باطل هیچ‌گاه پشت به جنگ نمی‌نماید و دلاورانه در این عرصه می‌جنگد و شمشیر می‌زند:

بهل خود محوری‌ها را ناحق داوری‌ها را بزن چرخ‌ی علی گونه به‌گرد محوری دیگر
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲)

شاعر در این گونه اشعار، با بیان اسطوره‌های شهادت همچون حضرت علی (ع)، روحیه‌ی معنوی و شوق و رغبت به شهادت طلبی را در رزمندگان وطن ایجاد می‌کند:

جسم صدچاک تو هر چند فتادست به خاک مرغ جان‌ت یله در اوج و فرازی دگراست
بنده خاص خدایی که همانند علی (ع) کاکل سرخ تو را زخم ترازوی دگراست
(همان: ۲۷)

و پذیرش این باور اعتقادی که در این جنگ نابرابر علی (ع) همواره یار و مددکار آنان خواهد بود:
یا علی گویان سرود «لاتخف» سرمی دهم کز نجف آنک علی مرتضی می خواندم
(همان: ۳۴)

جنگ تحمیلی هشت ساله‌ای که در ایران روی داد، از جهت استوار بودن بر پشتوانه‌های دینی و مذهبی، مقدس خوانده می‌شود. یکی از این پشتوانه‌ها، قیام تاریخی کربلا در سال ۶۱ هجری بود. از این رومی توان گفت: «ژرف ساخت شعر دفاع مقدس عاشورا است؛ اسطوره‌ای که شعر دفاع مقدس را کاملاً تحت سیطره خود قرار داده است عاشورا است» (فروغی - جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۷۱). واقعه عاشورا را می‌توان منبعی عظیم برای الهام گرفتن شاعران دفاع مقدس در جهت خلق اشعار این حوزه دانست. منبعی که شکل‌دهنده‌ی بخش مهمی از سیر محتوایی این دوره‌ی شعری است، «عاشورا یکی از رویکردهای مهم محتوایی شعر جنگ است. نهضت عاشورا در فرهنگ و ادبیات ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. اشعاری که با این محتوا سروده شده است گاهی خود انقلاب عاشورا و گاه یکی از شهدای این نهضت را مطرح می‌کند و گاهی وقایع نهضت عاشورا را با یکی از رویدادهای دفاع مقدس منطبق می‌کند... در محتوای شعر این دوره گاه یکی از شخصیت‌های نهضت عاشورا

مورد توجه قرار می‌گیرد. امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت ابوالفضل (ع)، علی اکبر و حبیب بن مظاهرا از نمونه‌های این شخصیت‌ها هستند» (رحمدل، ۱۳۷۳: ۲۰۵). حسینی با درک این مسئله که قیام عاشورا نهضتی زنده و متداوم است و الگویی مناسب برای قیام‌های آزادگان در طول تاریخ محسوب می‌شود، به بیان ابعاد این نهضت الهی در شعر خویش پرداخته است و با بهره‌گیری از مضامین و نمادهای عاشورا در کنار نمادهای ملی سروده‌هایی را رقم زده است که در روزهای حادثه و حماسه نقشی بزرگ در پویایی و ترسیم جریان جنگ و دفاع مقدس داشت:

تو آن راز رشیدی / که فرات / بر لب آورد / و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی / تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد / و کنار درک تو / کوه از کمر شکست
(حسینی، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۹)

حسینی در غزل «وداع» خویش، بر اساس همین اندیشه، آن‌گاه که فریاد استمداد برای رویارویی با باطل را می‌شنود، برای او تفاوتی ندارد که این ندا از جانب امام حسین (ع) است یا از سوی رهبر سرزمینش؛ پس چنین می‌سراید:

بانگ «هل من ناصر» از کوی جماران می درطریق عاشقی روح خدا می‌خواندم
می‌روم آنجا که مشتاقانه باحلقوم خون جاودان تاریخ ساز کربلا می‌خواندم
(حسینی، ۱۳۸۸: ۳۳)

در واقع شاعر، از بیان رویدادهای ظاهری و قشری عاشورا پا را فراتر نهاده و به عمق و هدف اصلی چنین رخداد عظیمی توجه نشان داده است:
فلسفه نمی‌بافم / سخن از گلوی تودی ست / که صادقانه / بر فراز منبر برآمد / و بلاغت را به عرش رسانید (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

علاوه بر آنچه ذکر گردید، نقش روشنفکران و نخبگان و شخصیت‌های مهم سیاسی نیز در روند شکل‌گیری هویت ملی در ایران مورد تأکید است. در طول دفاع مقدس حماسه‌سازان جبهه‌های نبرد، تاریخی‌اند و شخصیت تاریخی دارند و دلاوری‌های آنان نه در حیطه خیال و قلمرو اساطیر، بلکه در برابر چشمان حیرت‌زده تاریخ انجام شد. شهیدان گران قدری چون رجایی‌ها و باهنرها ...

این امت دلاور، زین پس بسان کوثر زاید بسی رجایی، بسیار باهنرها
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۶)

امام خمینی محبوب‌ترین شخصیت سیاسی و مذهبی شعر انقلاب اسلامی ایران است و در شعر اغلب شاعران این دوره حضور دارد. سیدحسن حسینی در توصیف شخصیت امام خمینی (ره) در

رباعی های خویش از اسطوره های دینی و مذهبی بهره گرفته است. اسطوره هایی همچون سیدالشهدا (ع)، امام علی (ع)، حضرت ابراهیم از این نمونه ها هستند:

ای کشته شب سیاهه هول آور را در نور نشانده نخله ی باور را
فرزند خلیل بت شکن، روح خدا! اینک بنواز ضربت دیگر را (همان: ۱۱۹)

۴) اعتقاد به لزوم وجود وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی میان افراد و دفاع از یکپارچگی و وحدت ملی و همبستگی اسلامی:

تاکید بر حفظ تمامیت ارضی سرزمین، دفاع از اقتدار ملی، ایجاد وحدت بین اقوام مختلف از موضوعات دیگری است که در شعر دفاع مقدس به مقوله هویت ملی می پردازد. حسینی رمز جاودانگی ایران را در حاکمیت اسلامی می داند و در اشعار خود همواره بر موضوع حفظ وحدت و دفاع از دین و میهن تاکید کرده است:

کنون در صبحگاه مرگ باورهای پوشالی مبارک باد بر یاران طلوع باوری دیگر
(همان: ۱۲)

بانگ تکبیرشمامزده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان
(همان: ۱۸)

«سرعت پیروزی انقلاب و گستردگی آن و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، امکان پالایش نیروهای انقلابی را از معاند و سودجو و بسترسازی های لازم فرهنگی را فراهم نکرد و لذا با بروز جنگ نیز این انحرافات سیاسی و اجتماعی و تضادهای فرهنگی نمود بیشتری یافت که گاهی نیز به صورت جریانات سیاسی و دشمنی با نظام مردمی اسلامی متظار گشت» (نوبین، ۱۳۸۸: ۴۵۹). حسینی در سروده های خود منافقان و تجزیه طلبان را مورد نکوهش قرار می دهد و دخالت های دشمنان ایران و اسلام را عامل ایجاد این تنش ها و بحران ها می داند. حسینی در شعر «ده فرمان جهاد» با تشبیه کردن منافقان به خوارج در جنگ نهروان، چنین ویژگی هایی را برای منافقان برمی شمرد: کینه توزی، خارج شدن از دین اسلام، جهل و ناجوانمردی.

وقتی که اشتران نفاق / کف بر لب / بر خاک کینه دیرینه پای می کوبند / برگ برگ قرآن / پریشان می شود / در گردباد نیزه های تجاهل / یاران شب زنده دار / - نهروان عاشقان وفادار - / روانه می گردد / با عزم جزم مقاتله با نهروان / دست نفاق کمین کرده در گردنه تاریخ / حتی اگر / با کتف هایشان / راز جانگداز خنجر را در میان نهد ... (حسینی، ۱۳۸۸: ۷۴-۷۳).

حسینی غالباً در هنگام توصیف دشمنان منافق، با به کارگیری واژه «خنجر»، ناجوانمردی، نفاق و از پشت خنجر زدن دشمن را به ذهن خوانند القا می‌کند. وی نفاق و نیرنگ این دشمنان ملت ایران را و رسواسازی ایشان به دست امام (ره) را این چنین وصف می‌کند:

ذکر لبشان برادر و یاور بود سردار به این شعبده ناباور بود
خورشید زمان روشنی صحنه فرود دیدیم نهان به مشتشان خنجر بود
(همان: ۱۵۲)

شاعر در رباعی دیگری حس خشم و نفرت خود و مردم ایران را نسبت به این عاملان دشمن که سعی در برهم زدن امنیت و وحدت ملی دارند این‌گونه بیان می‌کند:

خونین، خونین این دل آزرده ما دریا، دریا خشم فرو خورده ما
خنجر، خنجر شکست در مشت نفاق احسنت، زهی صلابت گرده ما
(همان: ۱۵۳)

به عقیده‌ی شاعر، دشمنان منافق، همدستان و فرمانبران دشمنان خارجی هستند و برای همین عناوینی همچون: «شب باوران»، «شب پرست» و «شغالان» به تحقیر ایشان می‌پردازد:

برگرده‌ی شب باوران و شب پرستان شلاق سرخ آذرخش اضطرابند
با عزم اینان، مکرشان نقش بآب است سقانمایانی که همدست سرابند
(همان: ۱۴)

درکمین گل این باغ شغالان نفاق گوششان تیز به فرمان گرازی دگراست
(همان: ۲۸)

حسینی از تهدید منافقان که آشکارا در زمان دفاع در برابر دشمن به جنگ با ملت و ارزش‌های انقلاب می‌پردازند، غافل نشده است. به اعتقاد شاعر این دسته از مخالفان نظام عموماً مخالف اصل ولایت و رهبری اند؛ گروهی که نه تنها در راه دفاع از وطن کوچک‌ترین فداکاری و گذشتی ننموده‌اند، بلکه همدست دشمنان بیگانه با مردم ایران به حساب می‌آیند. شاعر در رباعی زیر بر موضوع حفظ وحدت و عاقبت تفرقه افکنی تأکید می‌کند و می‌گوید:

تا بر سر گور خصم دست افشانیم ای دوست بیا سرود وحدت خوانیم
تکرار خطا دوبار ما را نسزد ما عاقبت تفرقه را می‌دانیم

باید گفت که در دوره دفاع مقدس به دلیل شرایط بحرانی موجود، لزوم تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی در جهت تحریض مردم به ایستادگی و دفاع، بیشتر رخ می نمود است و در دوره های بعد از آن، به دلیل آرام شدن آن شرایط بحرانی مربوط به جنگ، این امر جلوه کم رنگ تری داشته است.

۵) احترام به نظام مدیریتی حاکم بر کشور و پیروزی از رهبری:

بهره مندی از یک قلمروی جغرافیایی معین که دارای وجوه فرهنگی، سیاسی و ... مشترک بوده و نیز اشتراک در حاکمیت و نیز احترام به نظام مدیریتی حاکم بر کشور، از جمله مولفه های شکل گیری هویت ملی در ایران به شمار می-آیند. می توان گفت به کارگیری مولفه های فوق موجب تشکیل نوعی حافظه ی جمعی مشترک خواهد شد. در شعر دفاع مقدس، پیروی و سرسپردگی رزمنده جهادگرا از امام رهبری جهاد است. در تاریخ گرایش های عرفانی و متعالی نیز سرسپردن به حکم پیر و مرشد ضامن رهایی و شکوفایی و نجات بوده است. حسینی اهمیت پیروی از امام را در جای جای شعر خود یادآور می شود و پیروی از امام خمینی (ره) را پیروی از امام حسین (ع) می داند:

هم آواز خمینی شوز جان و دل حسینی شو بزن در عرصه عالم صلاهی محشری دیگر
(همان: ۱۱)

وی معتقد است که، مادام که رهبری چون روح الله، پیر و مراد ما باشد فتنه خناس در ما اثری نخواهد داشت:

در شما فتنه خناس ندارد اثری تا بود آیت حق روح خدا رهبرتان
(همان: ۱۸)

شاعر که اهمیت دوران معاصر را درک کرده است، سعی در حفظ و حراست از اندیشه انقلاب و سرمایه های آن دارد و اطاعت از رهبری را ضامن حفظ این آرمان ها می داند:

از خیل دلاوران گسستن نتوان با روح خدا عهد شکستن نتوان
این است پیام خون یاران شهید جنگ است برداران نشستن نتوان
(همان: ۱۴۸)

۳- نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، از بررسی مولفه‌های هویت ملی مذکور در اشعار سید حسن حسینی برمی‌آید که احساس افتخار و تعلق نسبت به تاریخ، فرهنگ، زبان و دین ایران و تعلق به نمادهای هریک بیشترین بسامد را در اشعار این شاعر دفاع مقدس به خود اختصاص داده است، می‌توان گفت میزان تعلق خاطر شاعر به فرهنگ و دین اسلام به عنوان یکی از مولفه‌های مهم هویت ملی ایران حایز اهمیت است. شاعر با تلفیق اندیشه‌های اسلامی، به ویژه فرهنگ شیعه و نمادهای عاشورایی، هویتی مستقل برای سروده‌های خویش خلق کرده است. حسینی با معرفی کردن دشمنان میهن به عنوان دشمنان اسلام، به دفاع از میهن رنگی دینی داده است و دفاع از میهن را دفاع از دین اسلام می‌داند. مولفه دیگری که در اشعار سید حسن حسینی از بسامد بالایی برخوردار است، لزوم تلاش برای وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی و دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی است. شاعر همسوبا جریان‌های سیاسی و اجتماعی مردم ایران، در طیفی گسترده به انتقال مفاهیم و ارزش‌های خود و اندیشه‌هایی که موجب حفظ کیان وطن و ایجاد همبستگی ملی در میان ایرانیان می‌شود می‌پردازد. در اشعار حسینی موضوع دفاع از دین و سرزمین ایران نیز دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد، شاعر با تشویق مردم به دفاع از سرزمین، تکریم مدافعان میهن و تهدید و تحقیر دشمن سبب ایجاد روحیه سلحشوری در میان مردم است تا انگیزه‌های آنان را برای دفاع حفظ وطن، افزایش دهد.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم، (۱۳۸۸)، تعیین و سنجش مولفه‌های هویت ایرانی، چاپ اول، تهران: کمیل.
- افروغ، عماد، (۱۳۸۷)، هویت ایرانی و حقوق فرهنگی، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
- بخشوده، حبیب الله، (۱۳۸۴)، به رنگ هنوز، چاپ اول، قم: نسیم حیات.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز، (۱۳۸۲)، حماسه‌های همیشه، ج ۱، تهران: نشر صریح.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، چاپ اول، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حسینی، سیدحسن، (۱۳۸۸)، هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: سوره مهر.
- (۱۳۸۶)، شاعری در مشعر (گزیده شعر)، تهران: تکا.
- دلاروری، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، «شهر، هویت و سیاست در ایران معاصر»، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۳۰۱-۲۶۱.
- رحمدل، غلامرضا، (۱۳۷۳)، «معیارهای ادبیات انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ص ۲۵-۲۳.
- سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۲، تهران: پالیزان.
- (۱۳۸۵)، پرسه در سایه خورشید (تأملی در مقوله‌های ادب معاصر)، تهران: لوح زرین.
- فروغی جهرمی، محمداقاسم، (۱۳۸۹)، مقوله‌ها و مقاله‌ها، جلد اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- لک، منوچهر، (۱۳۸۴)، «هویت ملی در شعر دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۱۰-۱۳۲.
- مشتاق فر، رحمان، (۱۳۸۶)، «مبانی و اجزاء تشکیل دهنده هویت فرهنگی ایرانیان در اندرنامه‌های پهلوی و متون تعلیمی فارسی، از هویت ایرانی»، (مجموعه مقالات)، تهران: سوره مهر، ص ۲۰۷-۲۲۲.
- نوین، حسین، (۱۳۸۸)، «نگرش جامعه‌شناختی-ادبی بر ادبیات دفاع مقدس»، نامه پایداری (مجموعه مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ص ۴۵۵-۴۶۸.
- هاجری، حسین، (۱۳۸۶)، «هویت ملی در ادبیات داستانی پس از انقلاب»، (مجموعه مقالات)، تهران: سوره مهر، ص ۲۳۰-۲۲۳.

هویت ملی و ادبیات پایداری: نگاهی به اشعار علیرضا قزوه

علی باقری دولت آبادی

(استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج)

غلامرضا قربانی

(دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه یاسوج)

چکیده:

آنچه جوامع و شهروندان آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد هویت‌هایی است که هر یک برای خویش برگزیده‌اند. این هویت با زبان، نژاد، قومیت، تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی، آرمان‌ها و غیره از همدیگر متمایز می‌گردند. از زمانی که شهروندان موفق به تمایزگذاری خود از دیگران می‌شوند فرایند دفاع از هویت خویش شروع می‌گردد. یکی از جلوه‌های انعکاس این دفاع از هویت در ادبیات پایداری و اشعار میهنی است که به نوعی هویت ملی را متجلی می‌سازند. علیرضا قزوه از جمله شاعرانی است که این مساله در شعروی نمود بارزی دارد. لذا پژوهش حاضر با تکیه بر روش کیفی از نوع کتابخانه‌ای نقطه‌تمرکز خود را بر بررسی انعکاس هویت ملی و پاسداشت آن در شعر علیرضا قزوه متمرکز ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شعر قزوه تنها به نکوهش جنگ یا رشادت رزمندگان و... نپرداخته و بزرگداشت تاریخ، جغرافیا، اسطوره‌های کشور که بخشی از هویت ملی را شکل می‌دهند در آثار وی برجستگی خاصی دارد.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، ادبیات پایداری، ایران، قزوه

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

بحث از مسئله «هویت» در سطوح گوناگون آن در جامعه ایران سابقه‌ای طولانی دارد و به نوعی می‌توان ریشه آن را در اندیشه روشنفکران و نویسندگان عصر مشروطه به بعد جستجو کرد. با این حال، به نظر می‌رسد در چند سال اخیر مباحث مربوط به هویت، به ویژه بحث «هویت ملی» توجه اندیشمندان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. (حسینی موخر و دیگران، ۱۳۸۳). امروزه پژوهش‌ها و پیمایش‌های متعدد جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و سایر پژوهشگران رشته‌های علوم اجتماعی نشان می‌دهد که در جامعه ایران مسئله هویت، با توجه به مقتضیات داخلی و خارجی، همچنان موضوعیت دارد (حاجیان، ۱۳۸۲: ۲۱۶-۲۲۰). مروری بر متون موجود در باب هویت و هویت ملی در جامعه ایران نشان می‌دهد که تقریباً همه ایشان اذعان دارند که مؤلفه‌های هویت ملی در ایران در عصر حاضر از سه حوزه «ایران»، «اسلام» و «غرب» متأثرند (رک: سروش، ۱۳۷۰: ۱۲۳؛ داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۵۵؛ شایگان، ۱۳۸۰: ۱۶۶؛ جهاننگلو، ۱۳۸۱: ۱۱۳). این سه حوزه علاوه بر عرصه سیاسی و عرصه تاریخی بر ادبیات هم تأثیر گذاشته است. پرسش اساسی و بنیادی این پژوهش این است که هویت ملی در ادبیات پایداری و شعر علیرضا قزوه چگونه انعکاسی داشته است؟ در پاسخ به این پرسش ابتدا مفاهیم کلیدی تحقیق تعریف و سپس با بررسی شعر ادبیات پایداری و ویژگی‌های آن پرداختن به هویت ملی بعنوان یکی از مصداق‌های شعر ادبیات پایداری در اشعار علیرضا قزوه مورد کنکاش قرار می‌گیرد. برای این منظور از روش کیفی از نوع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق

در بحث ادبیات پایداری قریب به اتفاق آثاری که تالیف گشته است بر بحث آسیب‌شناسی آثار تولید شده و یا معرفی آن متمرکز گشته و مسأله هویت ملی و چگونگی پردازش آن در این آثار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا اثر حاضر با شناسایی ضعف فوق و با عنایت به این نکته که در مورد آثار علیرضا قزوه چنین پژوهشی صورت نگرفته است تالیف گشته است.

۳-۱ پیشینه تحقیق

علی‌رغم تعداد قابل توجه آثار تولید شده درباره ادبیات پایداری باید خاطر نشان کرد درخصوص

هویت ملی و بازتاب آن در شعر ادبیات پایداری در ایران بویژه شاعرانتخاب شده برای پژوهش حاضر هیچ اثر منتشر شده ای یافت نگردید.

۱-۴-۲ تعریف مفاهیم

۱-۴-۱ ادبیات پایداری

ارائه تعریف مانع و جامع از ادبیات پایداری کار سختی است. عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی و اجتماعی، قانونگریزی و قانونستیزی با پایگاههای قدرت، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه های ملی و فردی و... شکل می گیرند. (سنگری، بی تا: ۱)

حسن حسینی، از فعالان حوزه شعر و ادبیات پایداری، «ادبیات پایداری» را جنبه ای از آثار ادبی می داند که تداومی کننده ای ایستادگی و پافشاری بر حق در برابر ظلم و ستم و مشوق استقامت و پایداری در «راه و هدف»، در تمامی ادوار و اعصار می باشد که محدودیت زمان و مکان را هرگز بر گرد پای خود نمی بیند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱). بنابراین جان مایه این آثار دعوت به مبارزه، ترسیم چهره ای بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، ظلمستیزی، وطن دوستی، ایثار، حق خواهی، عدالت طلبی، نمودن افق های روشن پیروزی، نگاه حماسی و عرفانی به پدیده جنگ و تبعات آن، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت شهدای راه آزادی و... است. به طور کلی شعر مقاومت و پایداری در ایران و جهان شامل سه موضوع اساسی است:

۱- طرح آرمان ها و تفکرات (توجیه حقانیت)

۲- بیان شجاعت و ستایش فتوحات (دعوت به مقاومت)

۳- سوگ سرایی، یاد کرد جنگ (توصیف فاجعه) (قنبری، ۱۳۸۹: ۴)

۱-۴-۲ مفهوم هویت ملی

واژه «هویت» از لحاظ لغوی از واژه ایدنتیتاس مشتق شده است. در فرهنگ فارسی هویت را تشخص معنی کرده اند. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵) مفهوم هویت ملی به مثابه ی پدیده ای سیاسی و اجتماعی زاده ی عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و دیگر سرزمین ها راه یافت؛ اما به عنوان مفهومی علمی از ساخته های علوم اجتماعی است که از نیمه ی دوم قرن بیستم میلادی شروع به گسترش کرد. این اصطلاح از مفاهیم بین رشته ای در علوم اجتماعی است

که قلمروهای تاریخ، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست را به هم ربط می‌دهد. تاکنون تعاریف متعددی برای مفهوم هویت ملی آمده است؛ شاید یکی از دلایل آن، تفاوت در شیوه‌ی نگرش و برداشت از این مفهوم در حوزه‌های مختلف علمی باشد. به علاوه برخی از این تعاریف تک بعدی اند و بریک جنبه از ابعاد این مفهوم تأکید دارند و سایر ابعاد آن را مورد غفلت قرار داده‌اند، در صورتی که برخی دیگر برارایه‌ی تصویری کامل از هویت اصرار می‌ورزند، از این رو برخی از صاحب نظران عدم امکان تعریفی جامع از هویت را به ماهیت تناقض‌نمای آن نسبت می‌دهند.

گافمن اعتقاد دارد که هویت «تلاش انسان برای بروز تمایز نسبت به دیگران است، در حالیکه به رفتار خود شکل می‌دهد». (ریترز، ۱۳۸۲: ۹۳) تاجفل تأکید دارد: «هویت اجتماعی، آگاهی فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد است». (رضایی، ۱۳۷۹: ۳۲) کاستلز هویت را «سرچشمه معنا و تجربه برای مردم» می‌داند. او باور دارد که هویت، «فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی اولویت داده می‌شود و برای هر طبقه خاص یا برای هر گروه ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد». (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۵)

اگر از بعد جامعه‌شنلختی ملتی را که در یک قلمرو سیاسی مشخص زندگی می‌کنند یک جامعه به حساب آوریم، هویت ملی عبارت‌اند از: احساس تعلق و متعهد‌عضای آن جامعه به رموز و نهاد های فرهنگی که شامل: هنجارها، ارزشها، زبان، دین، تاریخ، ادبیات می‌باشد و در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و همچنین انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می‌شود. بنابراین هویت ملی مفهومی دووجهی است که همزمان بر تمایز، تشابه، افراق، اشتراک دلالت دارد؛ بدین معنی که از یک سو با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیوند دهنده، ما را پیرامون محوری واحد و همبسته، متحد و متعهد می‌سازد و از سوی دیگر ما از دیگران با می‌شناسد. (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷)

۲- ادبیات پایداری در ایران

اصولاً ادبیات پایداری در اغلب ممالک دنیا بیشتر روی عواطف و احساسات خوانندگان خود تکیه میکند تا کار روی هنر داستان نویسی؛ اما با اینحال در این زمینه آثار درخشان و ارزشمندی خلق شده است که ویژگی‌های باز یک داستان خوب را داراست. داستانهای ادبیات پایداری آنجا که به حقیقت نزدیک می‌شود دلنشین تر است؛ زیرا بیان روایتی است واقعی از مظلومیتی که شاید در هزاران مکان با هزاران صحنه‌ی متفاوت روی دهد، اما تمام آنها در یک چیز مشترک هستند و آن

اینکه بیانشان یکی است و تاثیرشان در مخاطب یکسان است.

ادبیات پایداری ایرانی در چند درون مایه شکل گرفته است: مقاومت و مبارزه در برابر شاه، حفظ ارزشهای انقلاب و حفظ میهن و بیشترین قسمت آن مربوط به جنگ تحمیلی می باشد؛ که ادبیات این دوران حاکی از رشادتها و بیان مظلومیت های افرادی است که شجاعانه در میدان مبارزه جنگیدند و یا در شهرها به خاک و خون کشیده شدند. (ر.ک: بصیری، ۱۳۸۸: ۲)

۱-۲ ویژگی های ادبیات پایداری

ادبیات پایداری نه تنها همه ی ابعاد زندگی و حیات اخروی بلکه حیات دنیوی را معنا دار می کند؛ مفاهیم و معانی بلندی همچون شهادت، ایثار و از خود گذشتگی، حیات جاودانه و وصول به حق، عند ربهم یرزقون، زیر بار ظلم نرفتن، آزادی، شرافت، وطن دوستی و... باعث شد که روح شجاعت و عظمت در رزمندگان پهنه ی مقدس جهاد، در همه ی زمینه ها دمیده شد و با تکیه و اعتماد به این مفاهیم ارزشی، زندگی را معنا بخشیده و درس آزادی و ازادگی را به همه ی جهانیان عرضه بدارد. (ر.ک: باقری دولت آبادی، ۱۳۹۰)

یکی از مهم ترین ویژگی های ادبیات پایداری گره خوردن این ادبیات با وقایع صدر اسلام، همچون جنگ های بدر، احد، خیبر و... بویژه حماسه ی کربلاست. حماسه ی کربلا یکی از مهم ترین منابع الهام ادبیات دفاع مقدس است؛ بسیاری از صحنه هایی که در دوران جنگ و دفاع مقدس اتفاق افتاد، تداعی کننده و یادآور صحن های عاشورا و کربلاست. (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۷)

بسیاری از شعرایی نیز که به جنگ تحمیلی و ادبیات پایداری پرداخته اند سعی نموده اند به نوعی بین این مفاهیم ارتباط برقرار کنند. به عبارت دیگر این اشعار علاوه بر ترسیم سیمای جنگ با ادبیات قرآنی نمادی از میهن دوستی یا احساس هویت را نیز در خود جای داده است. از آنجایی که هویت ایرانی برخاسته از دو عنصر هویت اسلامی و ایرانی است لذا هم مفهوم شهادت و ایثار در آثاری از این دست برجسته و پررنگ است و هم مفهوم هویت ملی و میهن دوستی. از آنجاکه فهم این هویت دوم مستلزم شناخت عناصر هویت ملی است ابتدا این عناصر را مورد بررسی و شناسایی قرار داده آنگاه به انعکاس آن در شعر علیرضا قزوه می پردازیم.

۲-۲ عناصر هویت ملی

یکی از مهم ترین عناصر هویت ملی ایرانی، عنصر تاریخی ایران است چون اگر هویت ایرانی در

طول تاریخ در نظر بگیریم حداقل دارای دو هزار سال قدمت است؛ به عبارت دیگر نه صرفاً از دوره‌ی مادها بلکه اگر تاریخ ایران از دوره‌ی ایلام شروع کنیم آنچه که باعث موجودیت سرزمینی به نام ایران شده یک ویژگی ممتاز است که ممکن است خیلی از اقوام کشورهای همسایه از جمله اعراب و ترکیه نداشته باشند. این تاریخ کهن چنان حس قوی در شهروند ایرانی ایجاد می‌کند که هیچ توهین و یا تحقیری را نپذیرد و جزآنکه با زبان تکریم با او سخن گوید را برنتابد لذا وقتی قزوه با فشار بی‌امان کشورهای خارجی برای توقف برنامه هسته‌ای ایران با بسته‌های پیشنهادی که از دید او ناچیز هستند مواجه می‌شود اینگونه می‌سراید

در اراك آب معدنی نمی‌توان خورد

وگرنه سی و هفت بریک می‌شود

بناست پول‌ها آزاد شوند

تا پول بیفتک و شاتوبریان ۲۵ بعلاوه شش شود

بناست پنج درصد از تحریم‌ها کم شود

به بهای حذف دو تا بیست درصد

در متن انگلیسی بناست

تمام بازارها تبدیل به پز شود

فیل‌ها تبدیل به بز

تمام آب‌های سنگین

آب هویج شوند...

هرشش ماه شش گل

به حساب شش بعلاوه‌ی شش می‌ریزند

تا پنجاه سال

و آخرش بازی را

سیصد بریک اعلام می‌کنند!

آن وقت کلاه قرمزی خواهد گفت:

یک بیشتر است یا سیصد (ترازنیوز، ۹۳/۸/۲۷)

یکی دیگر از عناصر سازنده‌ی هویت ملی ایران که کمتر به آن توجه شده است بحث اسطوره‌های ایرانی است. اگر به مطالعه‌ی تاریخی بپردازیم خواهیم دید که بحث هویت و ذهنیت که ایرانی‌ها

برای خود قایل می شدند در قالب همان داستان های اسطوره ای قبل از اسلام وجود داشت حتی اولین کتاب هایی که عرب ها در مورد تاریخ می نویسند، همه ی این اسطوره ها را به زبان عربی منتقل می کنند؛ بنابراین تاریخ اسطوره ای ایران و تاریخ باستان به عنوان یکی از عوامل تداوم هویت ملی ایران بوده است. (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۴) نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که این اسطوره ها تنها مختص به گذشته ایران نبوده و در طول زمان بازسازی یا مجدد خلق شده اند. عرصه دفاع مقدس یکی از جلوه هایی است که در آن دلاورمردان ایرانی نشان دادند که اسطوره های ایرانی واقعی هستند و صرفاً مانند اسطوره های یونانی و رومی تعلق به ذهن خلاق نویسندگان ندارند. شهیدانی همچون باکری، همت، زین الدین، خرازی و... نمونه های شاخص و شناخته شده ای از این دریای بیکران هستند. لذا علیرضا قزوه در وصف آنها و ابراز میهن دوستی خود می سراید

بیا تا عاشقی را پاس بداریم

سرقبر شهیدان گل بکاریم

تمام دشت یک سر لاله زار است

گل نرگس تو را چشم انتظاریم (قزوه، ۱۳۸۷: ۳۰)

یا در جای دیگری شاعر اشاره می کند:

بار دیگر از آسمان مردی صمیمی، بازمی گردد به شهر خاطر ام

بوی اشک و اسپند و قران، ناگهان از نخلستان می آید

این زمان با آن زمان که لبریز از امیدم، آتش دارد دلم را می گذارد

باز عطردرد های حاج همت، باز بوی غربت چمران می آید (قزوه، ۱۳۸۱: ۶۲)

این عاشقی و پاسداری از آن بقدری برای شاعر گرانقدر و عزیز است که هیچ گونه قصور و کوتاهی

در راه آن را نمی پذیرد و از آنان که به نوعی سعی در کم رنگ کردن آن دارند و یا تنها در شعار به آن

پایبند هستند لب به شکوه می گشاید

در عشق نمی توان زبان کرد

می باید ایستاد، جانبازی کرد

از خون شهید شرمتان باد

با حرمت لاله می توان بازی کرد! (قزوه، ۱۳۸۷: ۳۵)

یکی از عناصر مهم هویت ما جغرافیای ایران است که به آن نیز کم توجه شده است. این پدیده ی

جغرافیایی عامل مهمی است که ما امروز به آن مفهوم ایران زمین داده ایم. آنچه در طول هشت سال

دفاع مقدس اتفاق افتاد به خطرافتادن تمامیت ارضی کشور بود که با ایستادگی دلیرمردانی از جای جای ایران پاسداری شد. لذا قزوه در وصف این افراد در شعر خود می‌سراید

با آنکه ابدیده‌ی دریای طاقتیم
 آتش گرفته‌ایم که غرق خجالتم
 امروز اگر به سایه‌ی راحت نشستیم
 مرهون استقامت آن سبز قامتیم (قزوه، ۱۳۸۷: ۱۹)

یا در جای دیگری شاعر اشاره می‌کند
 وقت است تا در ورطه‌ی درد، چون موج پا بکوبیم
 در بارش یک ریز شمشیر، مثل عقابی پر بگیریم
 وقت قیام پایداری، مانند نخل سرفرازیم
 گاه رکوع عشق اما، چون بید مجنون سر بزیریم
 امروز در امواج غریبی، حتی کفن بر تن نداریم
 فردا که فصل آشنایی ست، در خلعت سبز حریریم (آسمان، ۱۳۹۱: ۲۵)

عامل بعدی شکل دهنده هویت ملی پدیده‌ی دولت ایرانی است که همیشه تداوم داشته و نقش مهمی در هویت ملی ایران بازی کرده است، یک زمان این دولت اسطوره‌ای می‌شود و یک زمان بروکراسی به خصوص از زمان هخامنشیان به بعد که چند صد سال تداوم دارد؛ مفهوم دولت ایرانی عامل مهمی در تداوم خود ایران و هویت ملی ایرانی بوده است. آنچه که امروز با نام ایران شناخته می‌شود و بخشی از هویت هر شهروند ایرانی را شکل می‌دهد در این دوره طولانی و پرفراز و نشیب به آسانی به دست ما نرسیده است. می‌توانست سرنوشتی همچون امپراتوری عثمانی یا امپراتوری اتریش و مجارستان پیدا کند که جز نامی از آن برجای نمانده است اما استوار و پابرجا باقی مانده است زیرا دل‌های بسیاری برای آن پی‌تپد. همین حس هویت ملی است تا قزوه را بر آن می‌دارد تا به انتقاد از کسانی پردازد که با پایان جنگ همه چیز را فراموش کردند و درگیر آنچه آن را مدرنیته و زندگی جدید می‌دانستند شدند:

جنگ که تمام شد
 هنرمندان برای گاو مش حسن رمان نوشتند
 و بر اساس به قل دو قل

آخرین فیلمشان را ساختند
 و هنرمندان دلسوز
 در فضای ملکوتی چوب گردو
 به مصاحبه نشستند
 وقتی دندان عقلمان عاریه ای باشد
 باید هم عکس هنرپیشه ها را بزرگ کنند
 و برای حفظ پرستیژ حافظ
 عکس شهیدان دانشگاه را جمع کنند
 و روزنامه ها بنویسند:
 خانم ها برای تناسب اندام
 از یوگا استفاده کنند(قزوه، ۱۳۸۷: ۴۸)

آخرین شاخص هویت ملی ایرانی، میراث فرهنگی ماست، ایران یک میراث فرهنگی قوی دارد که به صورت کتاب در زمینه ی تاریخ و اثر ادبی (شعرونثر) تبلور پیدا کرده است؛ در این میراث ادبی زبان مطرح می شود، زبان در عین حال که یکی از عناصر سازنده است یکی از عناصر بسیار مهم میراث ادبی نیز می باشد؛ اینها در آثار ادبی که از ۱۲۰۰ سال پیش به این طرف می باشد بازتاب پیدا می کند. (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۵)

شعر و ادبیات فارسی که نمونه شاخص آن در اینجا اشعار علیرضا قزوه است به خوبی این هویت را به نمایش می گذارد. برای قزوه هیچ چیزی دردناک تر از هجوم به این هویت نیست. لذا قلم خویش را اسلحه می سازد تا به میدان جنگ نرم با این دشمن جدید رود. (باقری دولت آبادی، ۱۳۸۹)

۳- نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که شعر علیرضا قزوه دغدغه اجتماعی - سیاسی دارد. لذا برخلاف بسیاری از شعرای معاصر که از کنار ادبیات پایداری و جنگ می گذرند و یا حتی مسائل سیاسی را به شعر خود راه نمی دهند قزوه تاکید بر هویت ملی و دینی را به خوبی در شعر خود به نمایش گذاشته است. چنانکه در اشعار وی به خوبی می توان نمونه هایی در پاسداشت مقام شهدا و شهید، پاسداری از وطن، اسطوره، تاریخ، جغرافیا و غیره را مشاهده کرد. قزوه این نوع نگاه را که از زمان جنگ آغاز گردیده در گذشته محصور نساخته و آن را تا مسائل سیاسی جاری کشور نیز تداوم

بخشیده است. نقد مذاکرات سیاسی و یا دلمشغولی جامعه به مظاهرتمدن از سوی مسولان و افراد جامعه بخشی از مصادیق این نوع نگاه می باشد.

منابع

- امیری خراسانی، احمد (۱۳۹۱). مجموعه مقالات سومین کنگره ادبیات پایداری. کرمان: انتشارات گرا.
- آسمان، محمدجواد (۱۳۹۱). صبح تان بخیر مردم (غزل های علیرضا قزوه). تهران: انتشارات کتاب نشر.
- باقری علی، (۱۳۹۰). «ادبیات پایداری سلاح مبارزه با جنگ نرم فرهنگی دشمن». مجموعه مقالات سومین کنگره ادبیات پایداری، کرمان: انتشارات گرا.
- حسینی موخر، سید محسن و دیگران، (۱۳۸۳). کتاب‌شناسی هویت ایرانی. تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.
- حسینی، سید حسن، (۱۳۸۱). گزیده‌ی شعر جنگ و دفاع مقدس. تهران: سوره مهر.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، شماره پنجم. پاییز.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه توح یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
- جهاننگلو، رامین، (۱۳۸۱). موج چهارم. تهران: نی.
- داوری اردکانی، رضا، (۱۳۷۹). در باره غرب. تهران: هرمس.
- ریتز، جورج (۱۳۸۲). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ هفتم. تهران: نشر علمی.
- رضایی، احمد (۱۳۷۹). «تقلیل ملیت به قومیت». کتاب ماه علوم اجتماعی. آذرماه. شماره ۳۸، صص ۳۳-۳۱.
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۰). رازدانی و روشنفکری و دینداری. تهران: صراط.
- سنگری، محمدرضا، (بی تا). ادبیات پایداری. قابل دسترس در وب سایت: <http://www.iricap.com/magentry.asp?id=2490>
- شایگان، داریوش، (۱۳۷۰). افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فرزانه روز.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ قدرت هویت. ترجمه حسین چاوشیان. جلد دوم. تهران: نشر طرح نو.
- قنبری، حمید، (۱۳۸۹). «مروری بر کارکردهای جامعه شناسانه ادبیات پایداری». قابل دسترس در

- وب سایت: <http://www.ido.ir/a.aspx?a=1384070502>
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۷). از نخلستان تا خیابان: مجموعه شعر. تهران: نشر سوره مهر.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۱). عشق علیه السلام. تهران: انجمن شاعران ایران.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.